

تأليف و تصوير: ويلم د وينگ

عيسى مسيح



تأليف و تصوير: ويلم د وينك

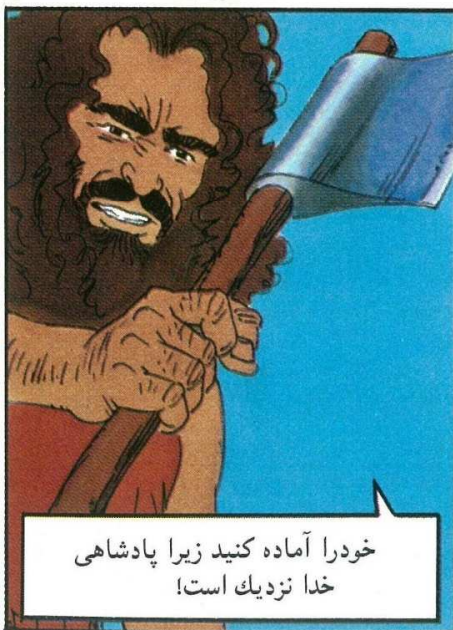
عيسى مسيح



انتشارات پروكلاما، هلند.
ترجمه: خدمات دانشجویان بین المللی، آلمان.
کلیه حقوق چاپ محفوظ است.
چاپ اول ۱۹۹۵

©1993 Stichting Wereldtaal, Houten, The Netherlands
All rights reserved. No part of this publication may be reproduced or transmitted in any
form or by any means, electronic or mechanical, including photocopy, recording, or any
information storage and retrieval system, without permission in writing from the publisher
Worldwide co-edition organised and produced by Proclama, P.O.Box 91, 3958 ZV Amerongen, The Netherlands.

برای سؤالات بیشتر
خواهشمند است با
آدرس زیر تماس بگیرید:
ISA
P.F. 100 262
D - 35 332 Giessen
Germany



خودرا آماده کنید زیرا پادشاهی
خدا نزدیک است!



چرا این همه مردم کنار رودخانه جمع شده اند؟

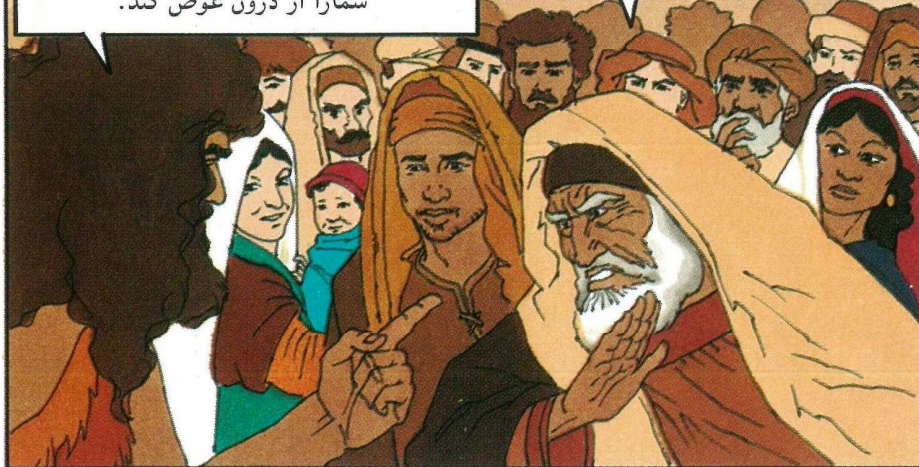
تبر داوری خدا بر ریشه درختان
گذاشته شده است ...



زندگی جدید را
شروع کنید!

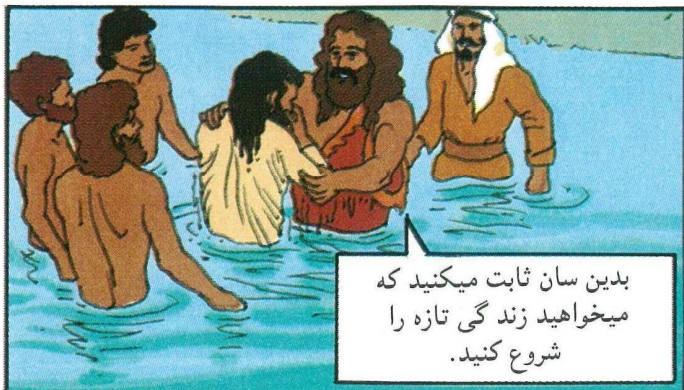
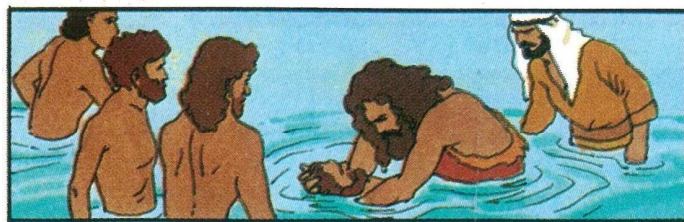
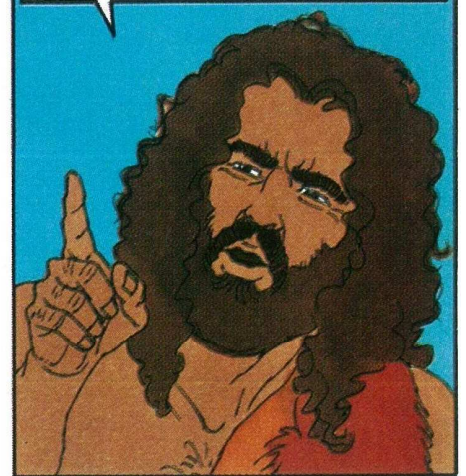


براستی که هیچکس نمی تواند از
داوری خدا فرار کند! اما بعد از
من کسی می آید که میتواند
شمارا از درون عوض کند.



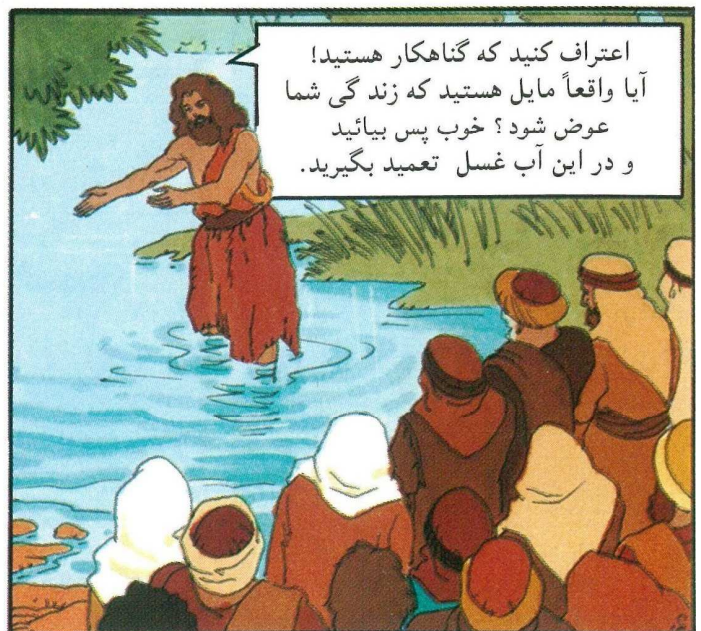
هر یک از ما بدین صورت قطع
خواهیم شد زیرا چه کسی می تواند
زندگی خوبی داشته باشد؟

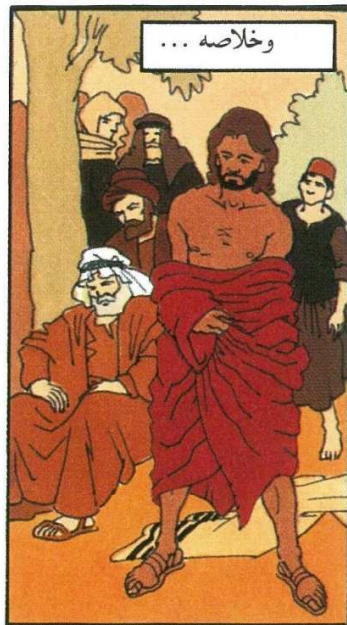
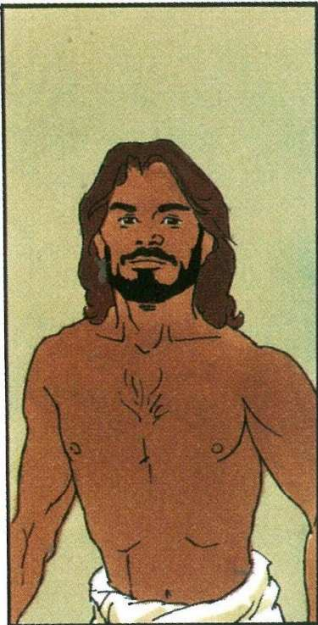
... هر درختی که میوه خوب
نیارود قطع شده و در آتش
افکنده خواهد شد.



بدین سان ثابت میکنید که
میخواهید زندگی تازه را
شروع کنید.

اعتراف کنید که گناهکار هستید!
آیا واقعاً مایل هستید که زندگی شما
عوض شود؟ خوب پس بیایید
و در این آب غسل تعمید بگیرید.

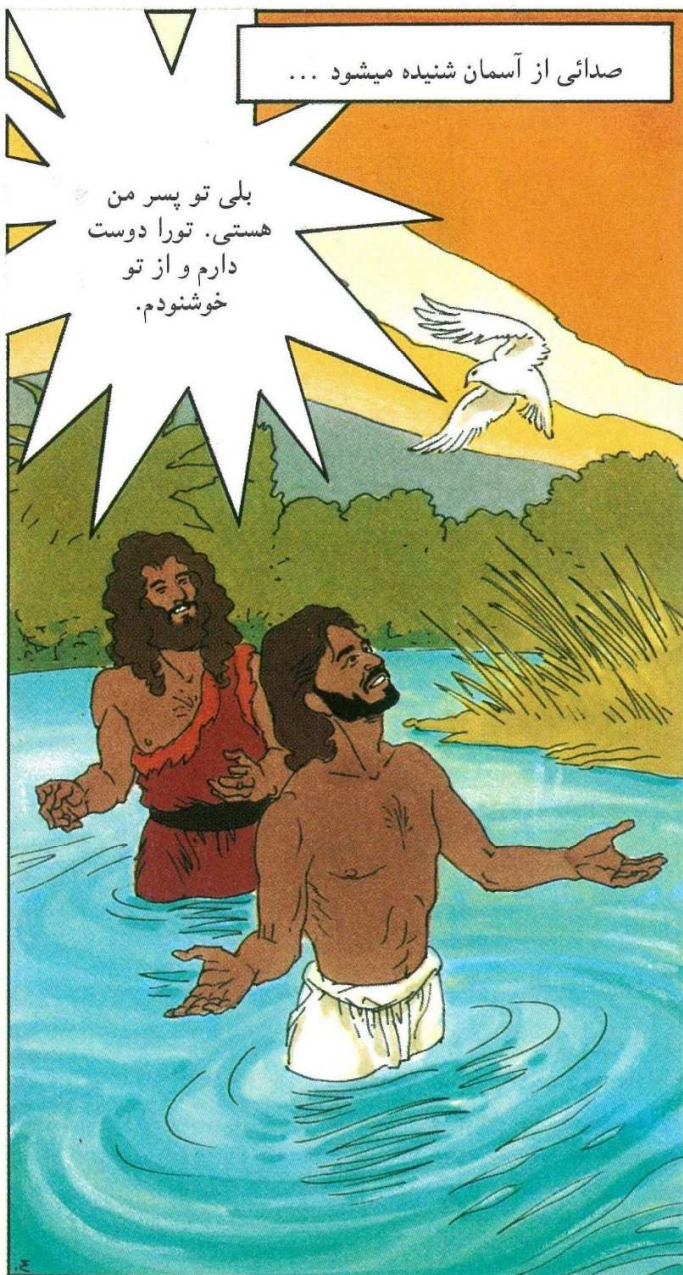




وخلصه ...

همه این واعظ کنار رودخانه را بنام
"یحیی تعمید دهنده" می شناسد.

من زیاد مهم نیستم.
وظیفه من این است
که راه را برای دیگری
آماده کنم. کسی که
راه خدارا به ما نشان
میدهد. او شمارا با
روح القدس و آتش
الهی تعمید خواهد داد
و بدین صورت شمارا
کاملاً عوض میکند.



صدائی از آسمان شنیده میشود ...

بلی تو پسر من
هستی. تورا دوست
دارم و از تو
خوشنودم.



این من هستم
که باید از تو
تعمید یابم!



این کار را بکن تا آنچه
که خواست خداست
انجام گیرد.



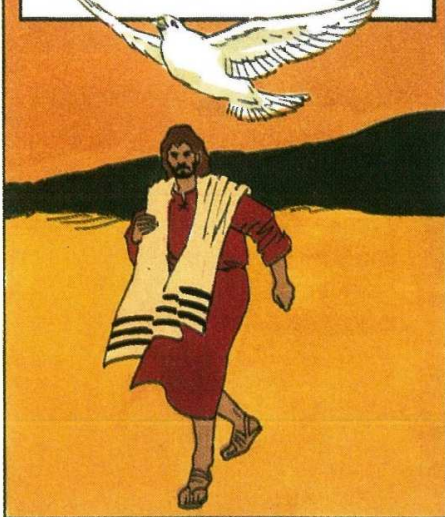
پدر بگذار که پادشاهی
تو بیاید و اراده تو
انجام گیرد!

وقتی که یحیی تعمید دهنده زمینة آمدن مسیح را آماده میکند کشور اسرائیل جزئی از حکومت امپراطوری روم به حساب می آید.



مردم يهود مأيوس وغمگين هستند و در انتظار آمدن مسیح که قرار است بيايد بسر ميبرند. او نجات دهنده است که کتابهای قديمی يهودی آمدنش را پيشگوئی نمود و گفته است که او پیروزی و عظمت خدارا به انجام خواهد رسانيد.

عیسی بعد از تعمید، توسط روح خدا به بیابان برده میشود.



در ساحل رودخانه اردن یحیی تعمید دهنده به سوی عیسی اشاره میکند.

نگاه کنید! او بره خداست که گناه جهان را بر میدارد.



برای پیروزی بر شیطان لازم است که عیسی اراده خدارا به انجام برساند. نقشه خدا این است که انسانها را از چنگال مرگ آزاد کند.

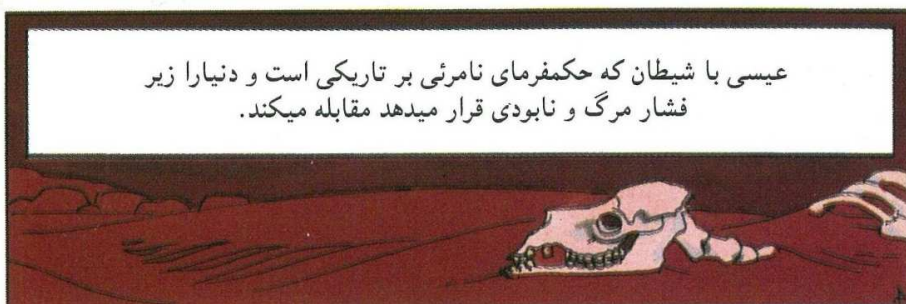


بلی پدر، اراده تورا انجام میدهم!

در آنجا مدت ۴۰ شبانه روز روزه میگیرد و در این مدت از اراده خدا برای کار خود آگاه میشود.



عیسی با شیطان که حکمفرمای نامرئی بر تاریکی است و دنیا را زیر فشار مرگ و نابودی قرار میدهد مقابله میکند.



ولی شیطان با سوء قصد تلاش میکند عیسی را از اجرای اراده خدا منحرف کند.

کتاب مقدس میفرماید که زندگی انسان فقط بسته به نان نیست بلکه به هر کلمه ای که خدا میفرماید.

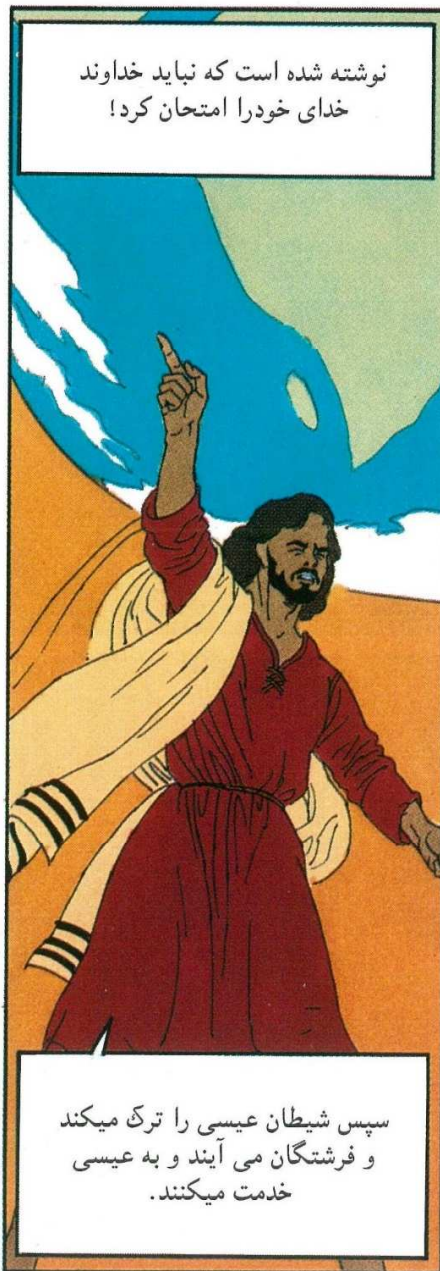
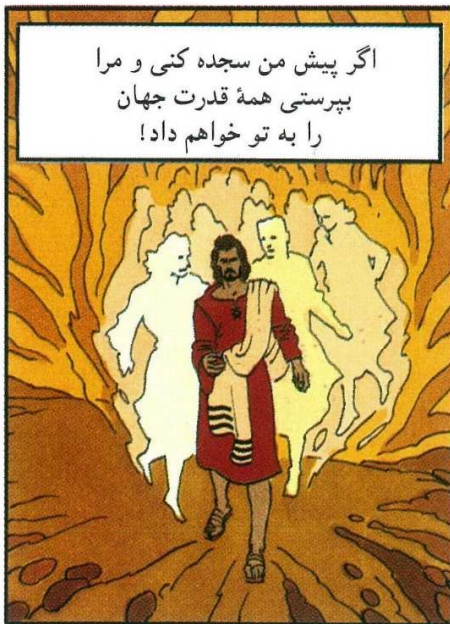
اگر تو پسر خدا هستی بگو تا این سنگها نان شود.



اگر پیش من سجده کنی و مرا بپرستی همه قدرت جهان را به تو خواهم داد!

نوشته شده است که نباید خداوند خدای خود را امتحان کرد!

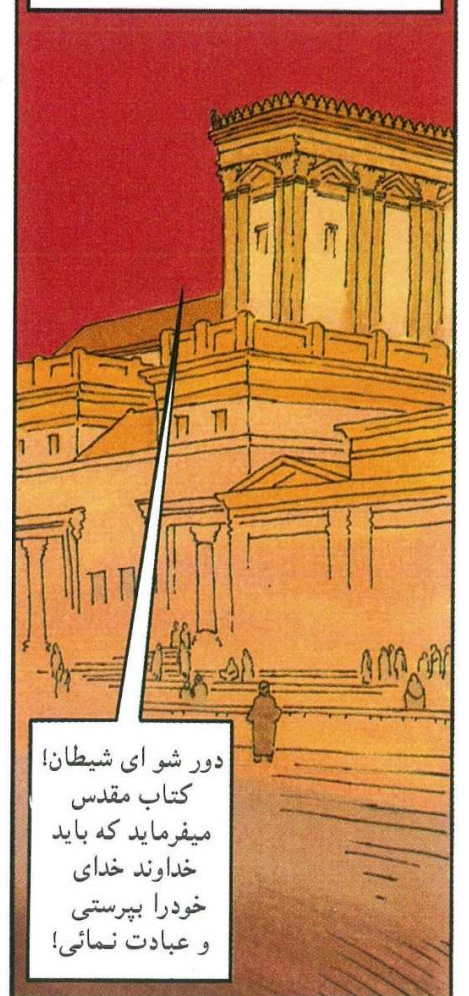
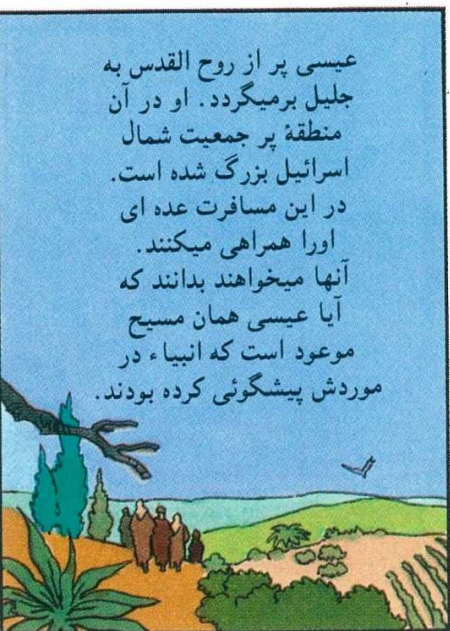
اگر تو پسر خدا هستی خود را از بام معبد پائین بینداز زیرا کتاب مقدس میفرماید که فرشتگان خدا ترا در دستهای خود نگاه خواهند داشت تا مبادا پایت به سنگی بخورد.



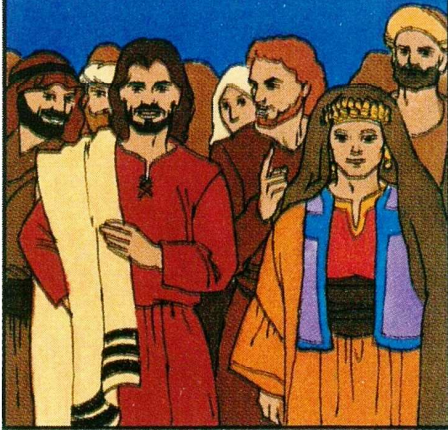
عیسی پر از روح القدس به جلیل برمیگردد. او در آن منطقه پر جمعیت شمال اسرائیل بزرگ شده است. در این مسافرت عده ای او را همراهی میکنند. آنها میخواهند بدانند که آیا عیسی همان مسیح موعود است که انبیاء در موردش پیشگویی کرده بودند.

سپس شیطان عیسی را ترک میکند و فرشتگان می آیند و به عیسی خدمت میکنند.

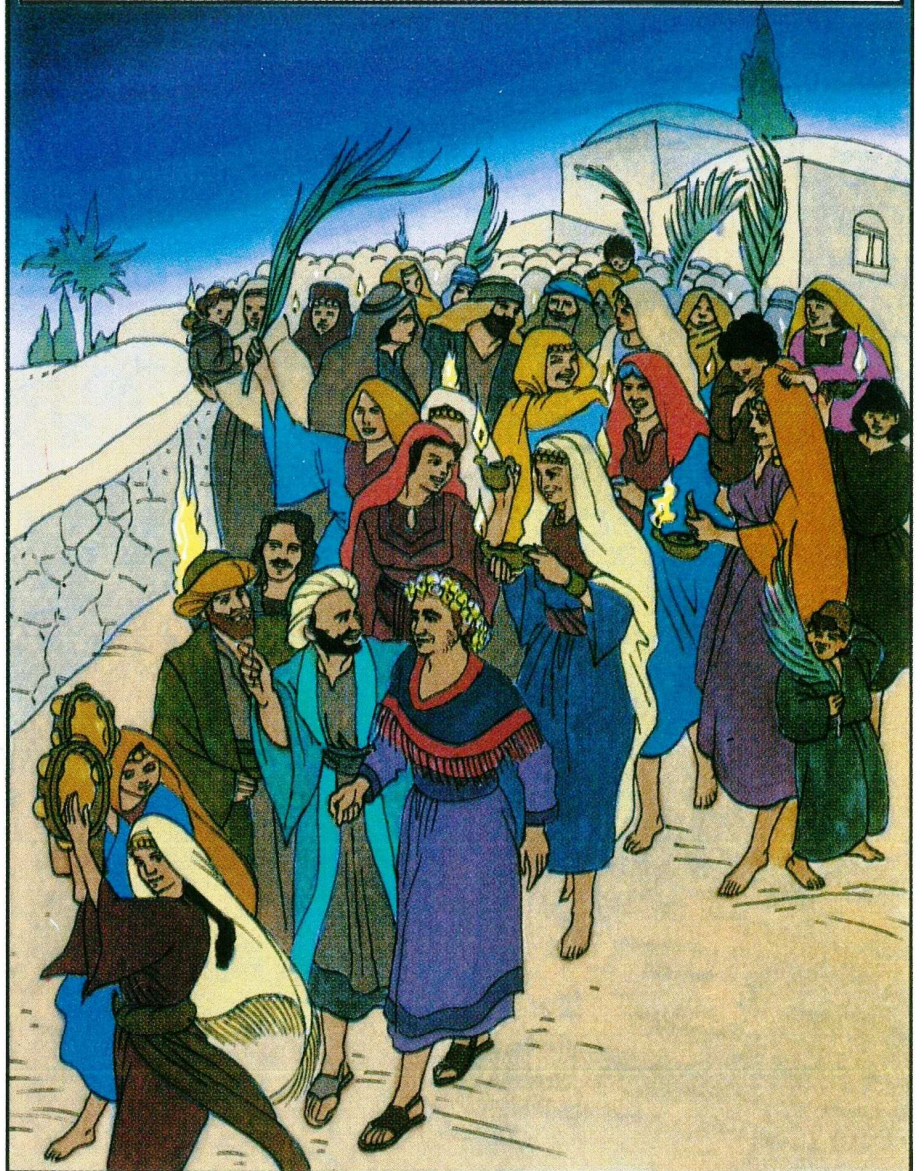
دور شو ای شیطان! کتاب مقدس میفرماید که باید خداوند خدای خود را پرستی و عبادت نمائی!

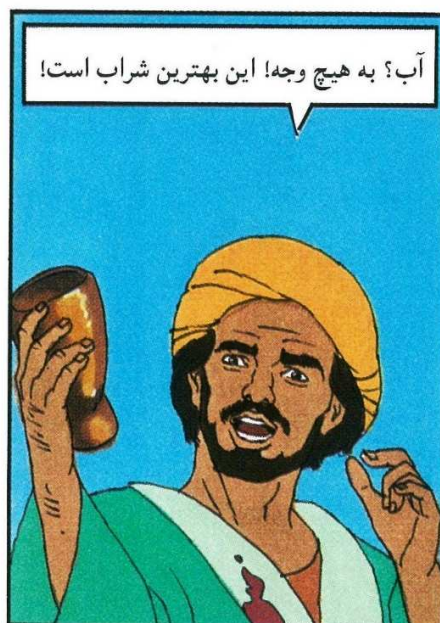
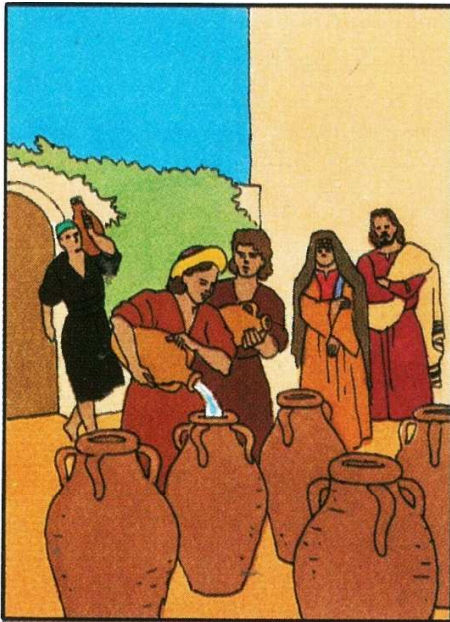


...عیسی هم در آنجا با مادر
و بعضی از دوستانش
حضور دارد.

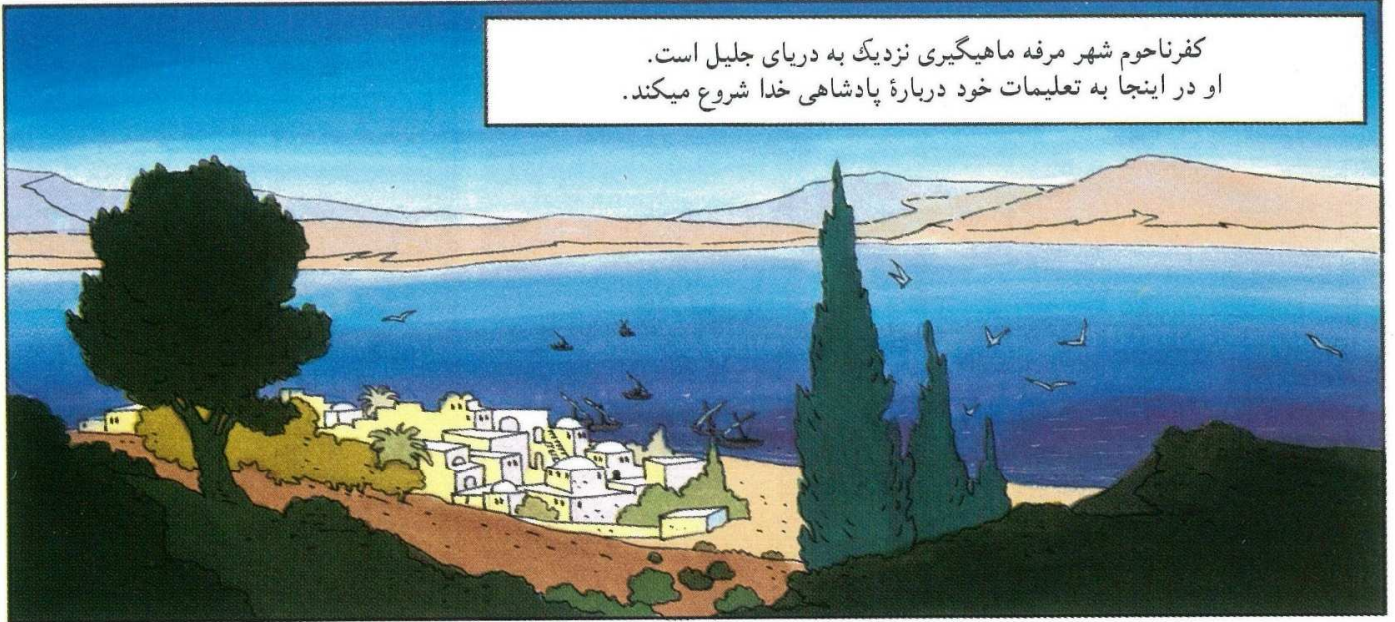


در قانای جلیل جشن عروسی برپاست ...

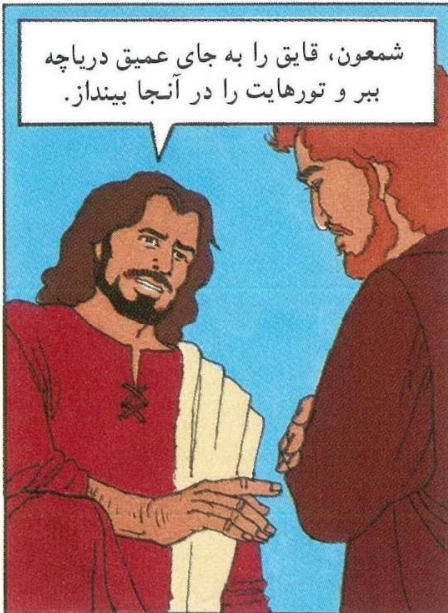




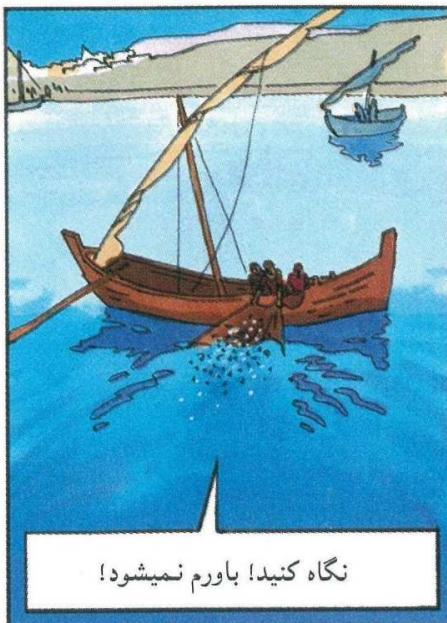
کفرناحوم شهر مرفه ماهیگیری نزدیک به دریای جلیل است.
او در اینجا به تعلیمات خود درباره پادشاهی خدا شروع میکند.



شمعون، قایق را به جای عمیق دریاچه
ببر و تورهایت را در آنجا بینداز.

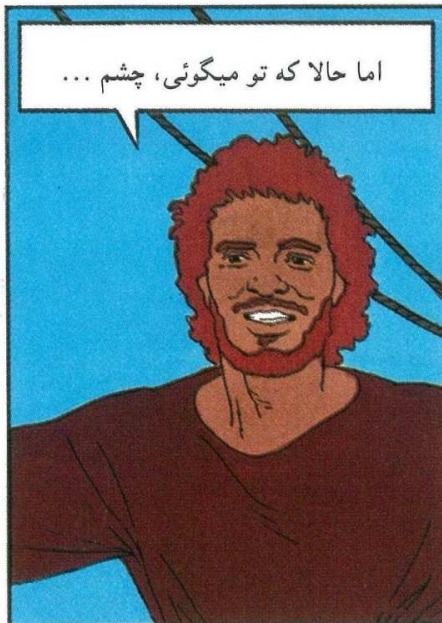


و اینجا نخستین شاگردانش
را انتخاب میکند.

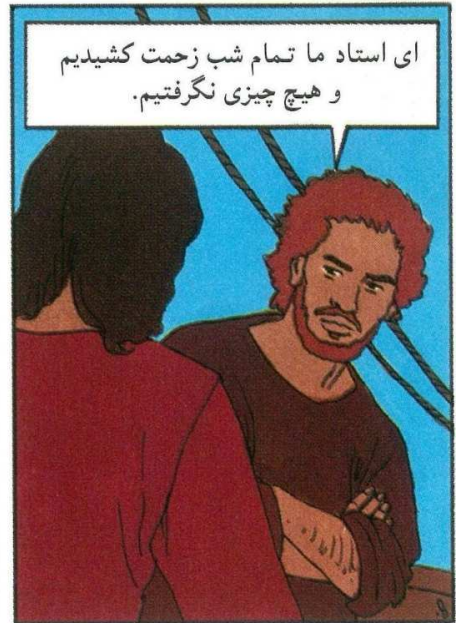


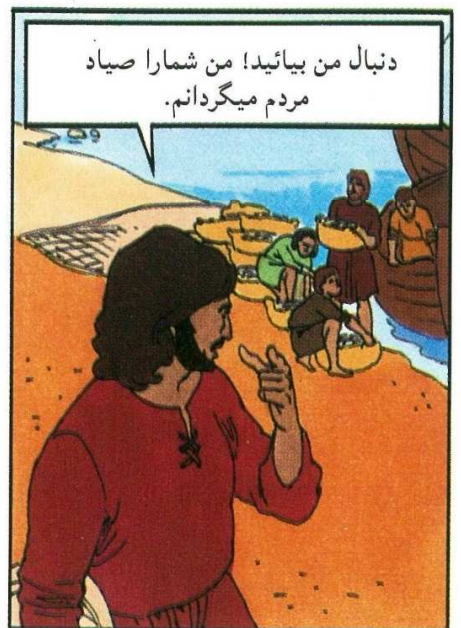
نگاه کنید! باورم نمیشود!

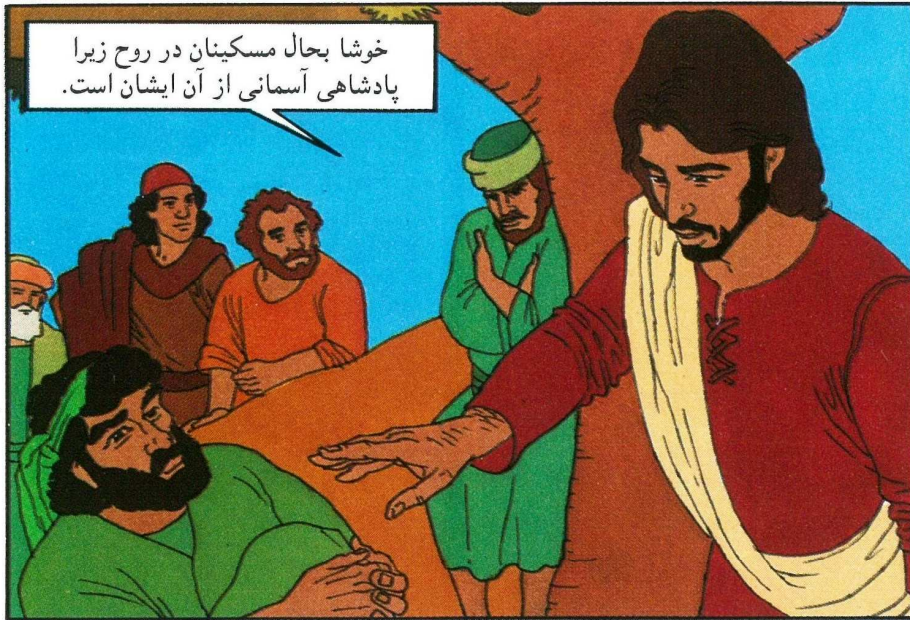
اما حالا که تو میگوئی، چشم ...



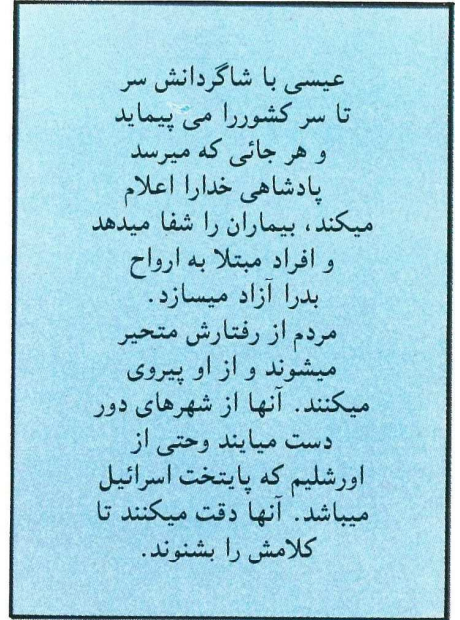
ای استاد ما تمام شب زحمت کشیدیم
و هیچ چیزی نگرفتیم.



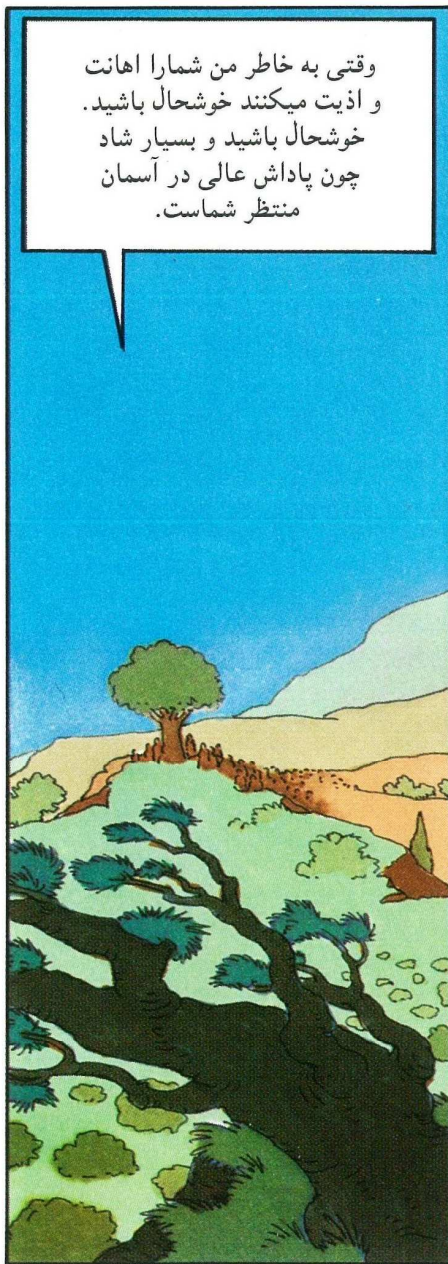




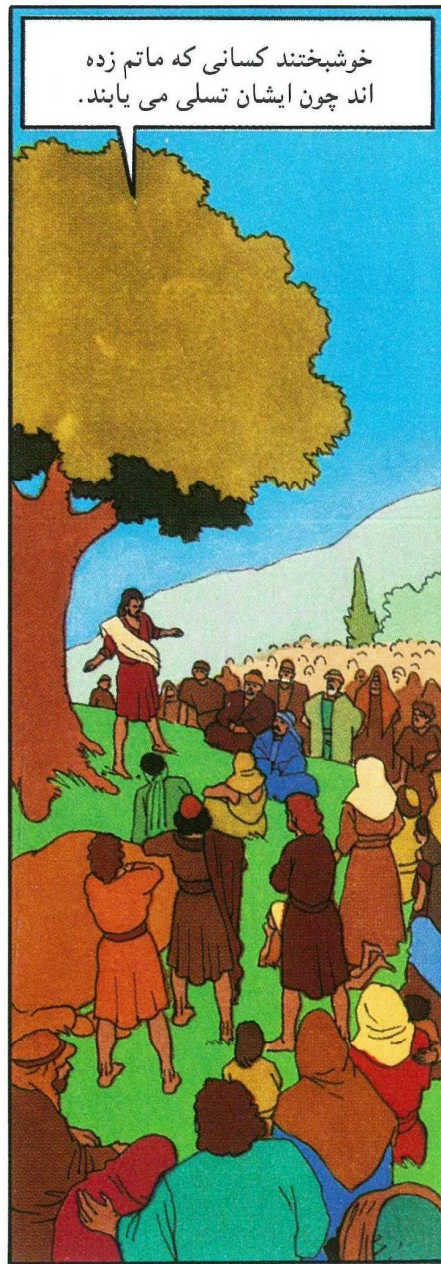
خوشا بحال مسکینان در روح زیرا
پادشاهی آسمانی از آن ایشان است.



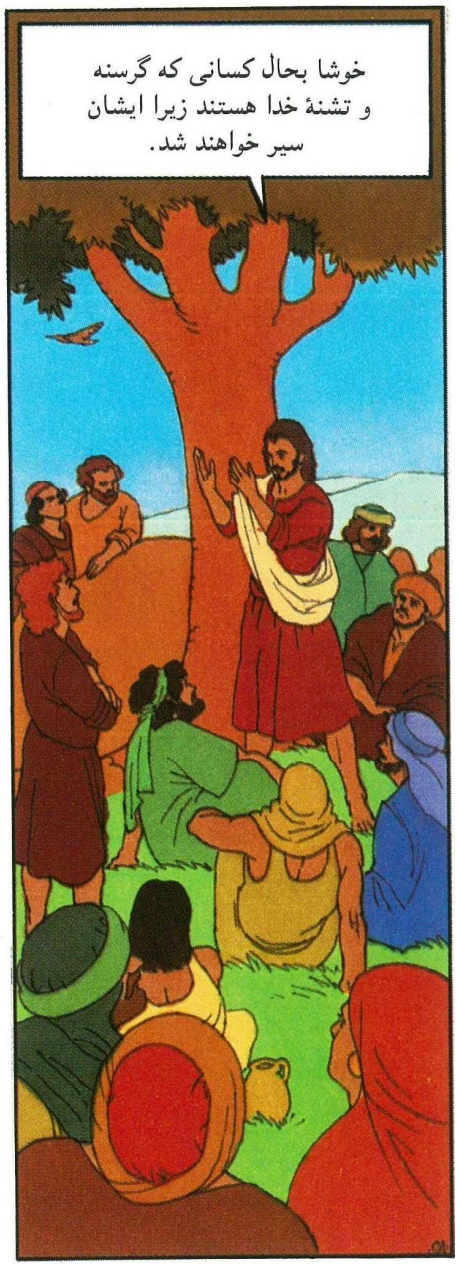
عیسی با شاگردانش سر
تا سر کشور را می پیماید
و هر جایی که میرسد
پادشاهی خدا را اعلام
میکند، بیماران را شفا میدهد
و افراد مبتلا به ارواح
بد را آزاد میسازد.
مردم از رفتارش متحیر
میشوند و از او پیروی
میکند. آنها از شهرهای دور
دست میایند و حتی از
اورشلیم که پایتخت اسرائیل
میباشد. آنها دقت میکنند تا
کلامش را بشنوند.



وقتی به خاطر من شمارا اهانت
و اذیت میکنند خوشحال باشید.
خوشحال باشید و بسیار شاد
چون پاداش عالی در آسمان
منتظر شماست.

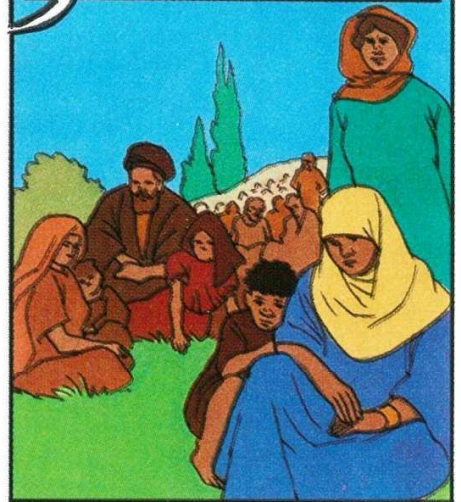


خوشبختند کسانی که ماتم زده
اند چون ایشان تسلی می یابند.

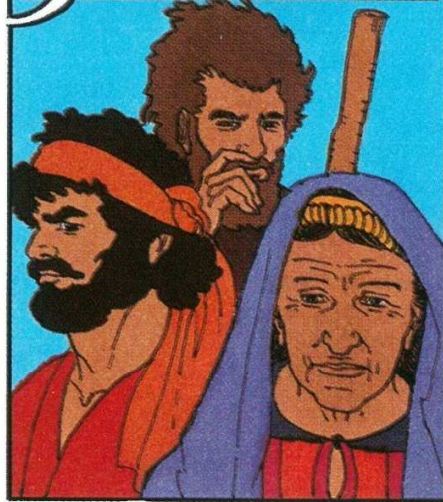


خوشا بحال کسانی که گرسنه
و تشنه خدا هستند زیرا ایشان
سیر خواهند شد.

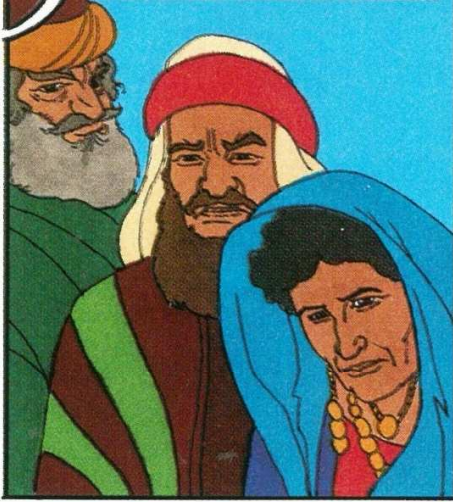
با دیگران همانطور رفتار کنید که
انتظار دارید با شما رفتار کنند.



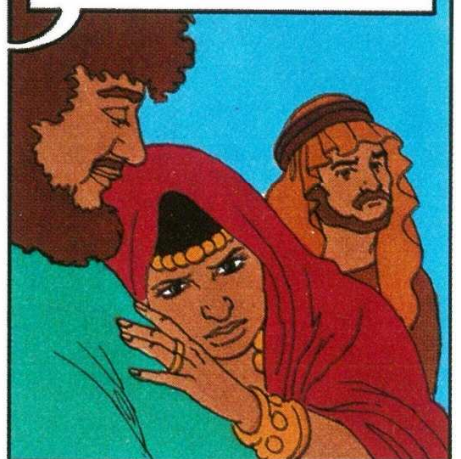
دشمنانتان را دوست بدارید و برای
آنها دعا کنید.



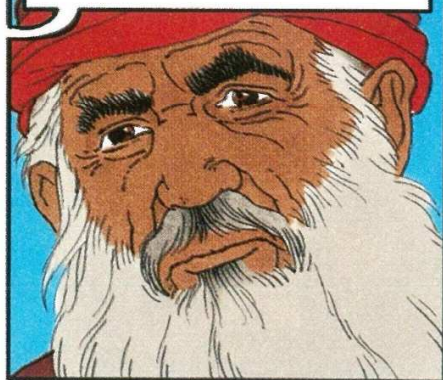
کار نیک را در پنهان بکنید مبادا
توجه مردم را جلب کنید.



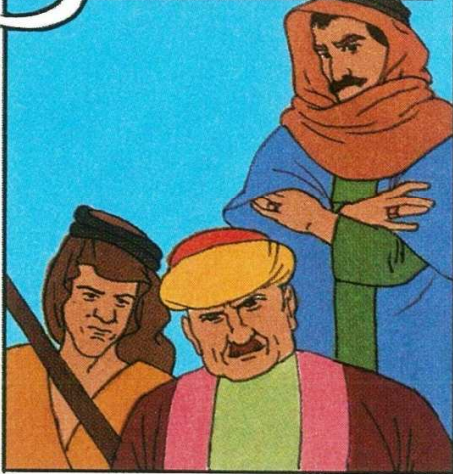
هر کس که با نظر شهوت آلود به
زنی نگاه کند همان وقت در دلش
با او زنا کرده است.



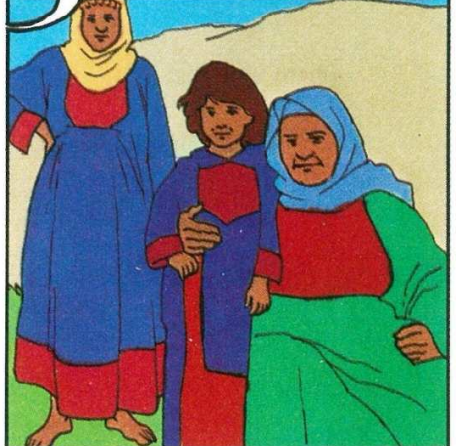
هیچوقت قسم نخورید. نه به آسمان که
تخت سلطنت خداست و نه به زمین که
پای انداز اوست. به سر خودتان هم قسم
نخورید چون شما نمیتوانید موئی از
سرتان را سیاه یا سفید کنید.



نمیتوانید به دو ارباب خدمت
کنید. نمیتوانید هم بنده خدا
باشید و هم بنده پول.



غصه فردارا نخورید. قبل از هر چیز
برای بدست آوردن پادشاهی خدا و انجام
خواسته های او بکوشید پس همه
چیزهای لازمه به شما داده خواهد شد.



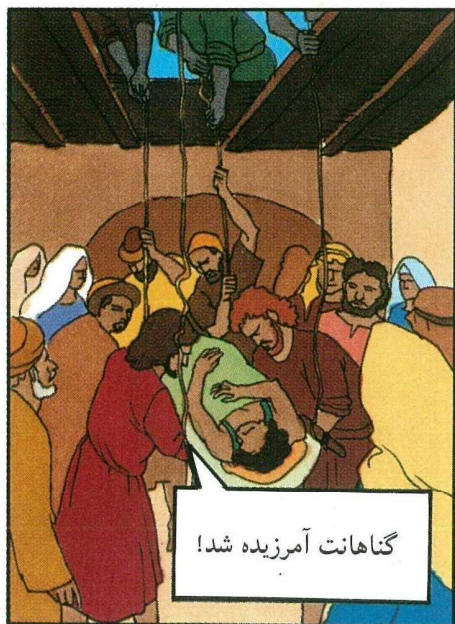
کلام مرا انجام دهید، تا مثل مرد عاقلی باشید که خانه
اش را روی صخره محکم میسازد، و اگر نه مثل مردی
می باشید که خانه اش را روی ریگ میسازد.



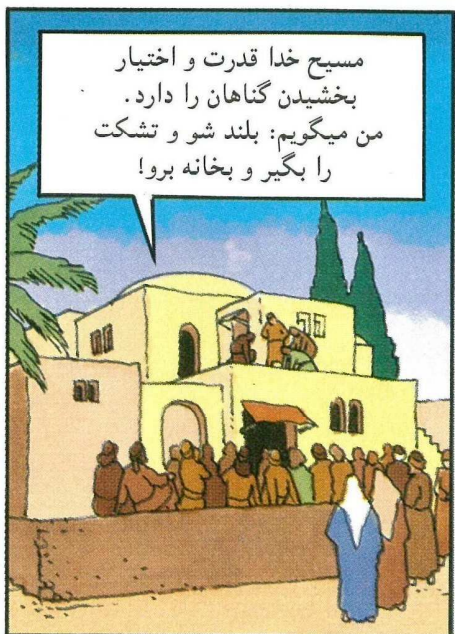


چه شده آن بالا؟
چکار میکنند؟

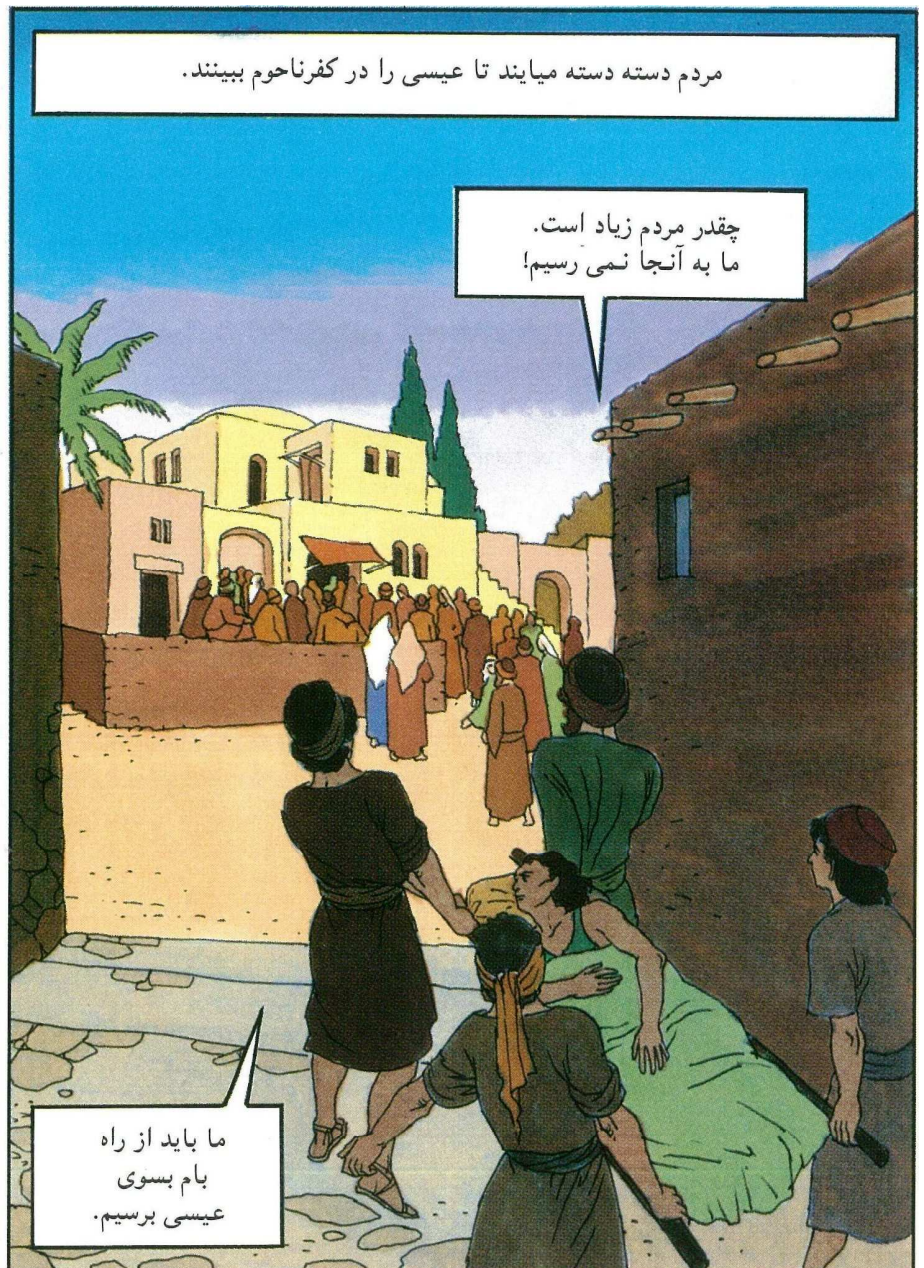
اذیتشان نکنید! ایمان آنها
بسیار قوی است.



گناهانت آمرزیده شد!



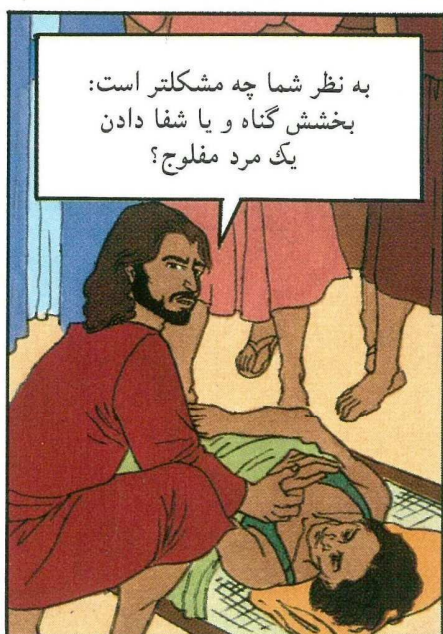
مسیح خدا قدرت و اختیار
بخشیدن گناهان را دارد.
من میگویم: بلند شو و تشک
را بگیر و بخانه برو!



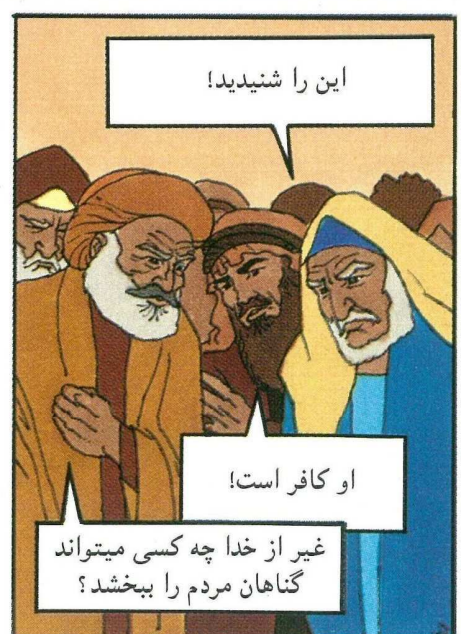
مردم دسته دسته میآیند تا عیسی را در کفرناحوم ببینند.

چقدر مردم زیاد است.
ما به آنجا نمی‌رسیم!

ما باید از راه
بام بسوی
عیسی برسیم.



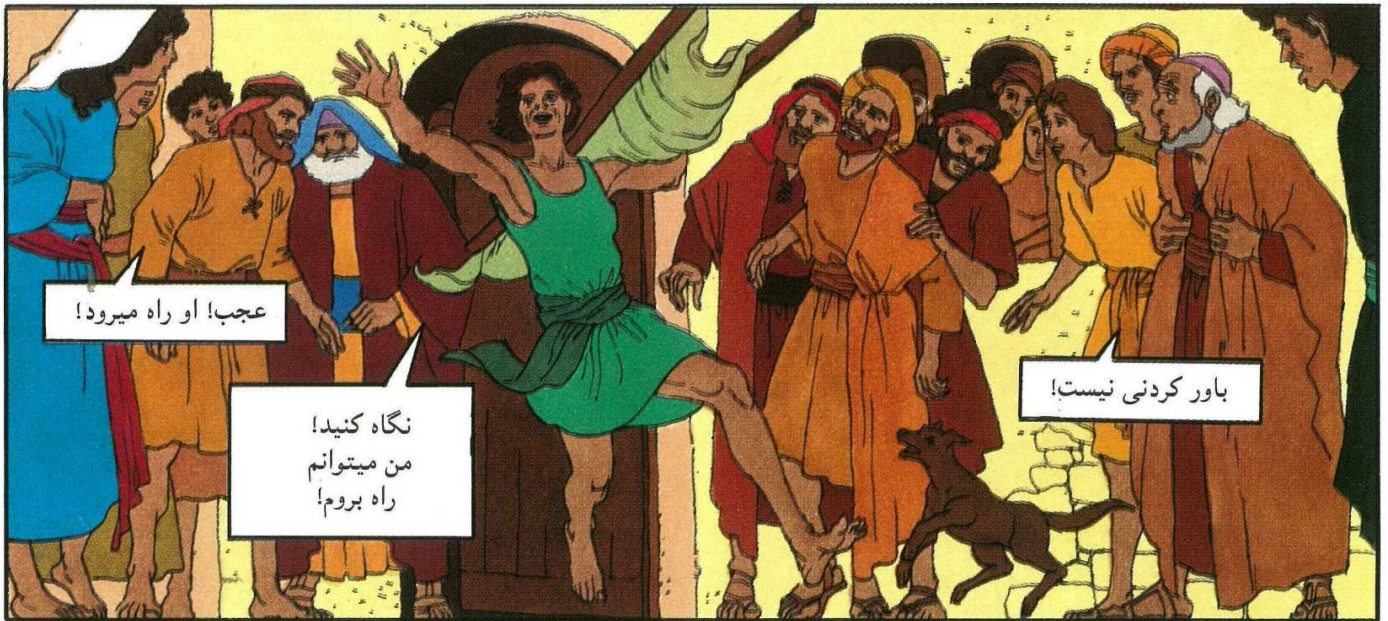
به نظر شما چه مشکلتر است:
بخشش گناه و یا شفا دادن
یک مرد مفلوج؟



این را شنیدید!

او کافر است!

غیر از خدا چه کسی میتواند
گناهان مردم را ببخشد؟



عجب! او راه می‌رود!

نگاه کنید!
من میتوانم
راه بروم!

باور کردنی نیست!



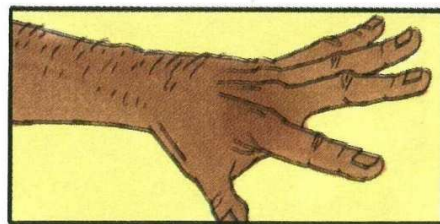
دست این مرد خشک است.
آیا مجاز است که امروز
شفایش بدهی؟

ولی همه از کارهای عیسی
خوششان نمیاید.
رهبران مذهبی خیلی
دقت میکنند که آیا
عیسی به دستورات
و مقررات قانونی توجه
می کند منجمله:
روز سبت که روز
استراحت یهودی
است. در این روز
هر نوع کار در
اسرائیل اصلاً
ممنوع است.

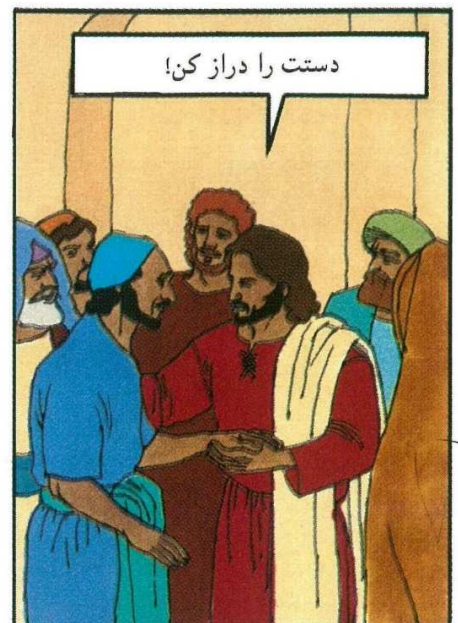


به رهبران در
اورشلیم باید
خبر بدهیم
که او مردم
را منحرف
میکند!

ما باید خود را از
دست او خلاص
کنیم!

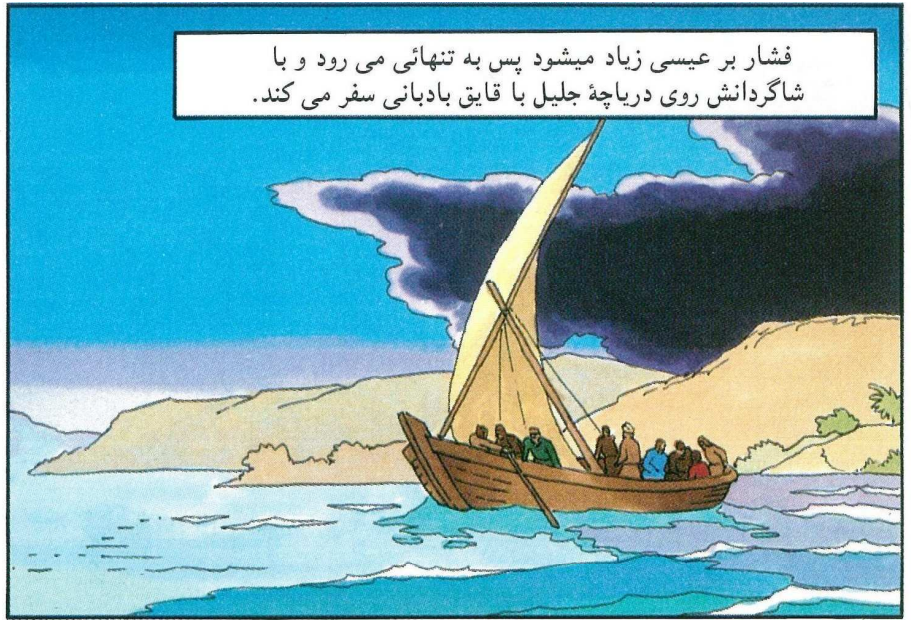
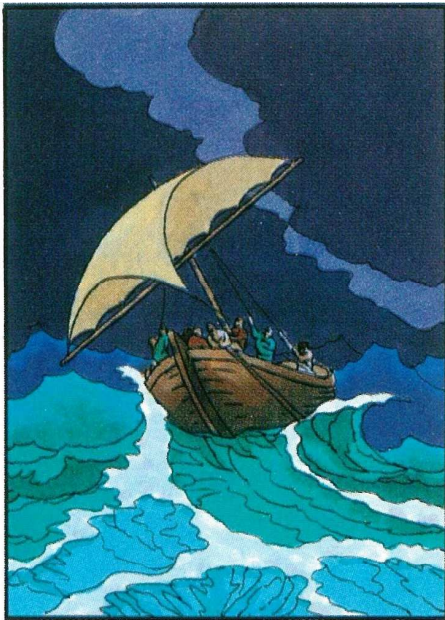


ببینید! شفا یافتم!



دستت را دراز کن!

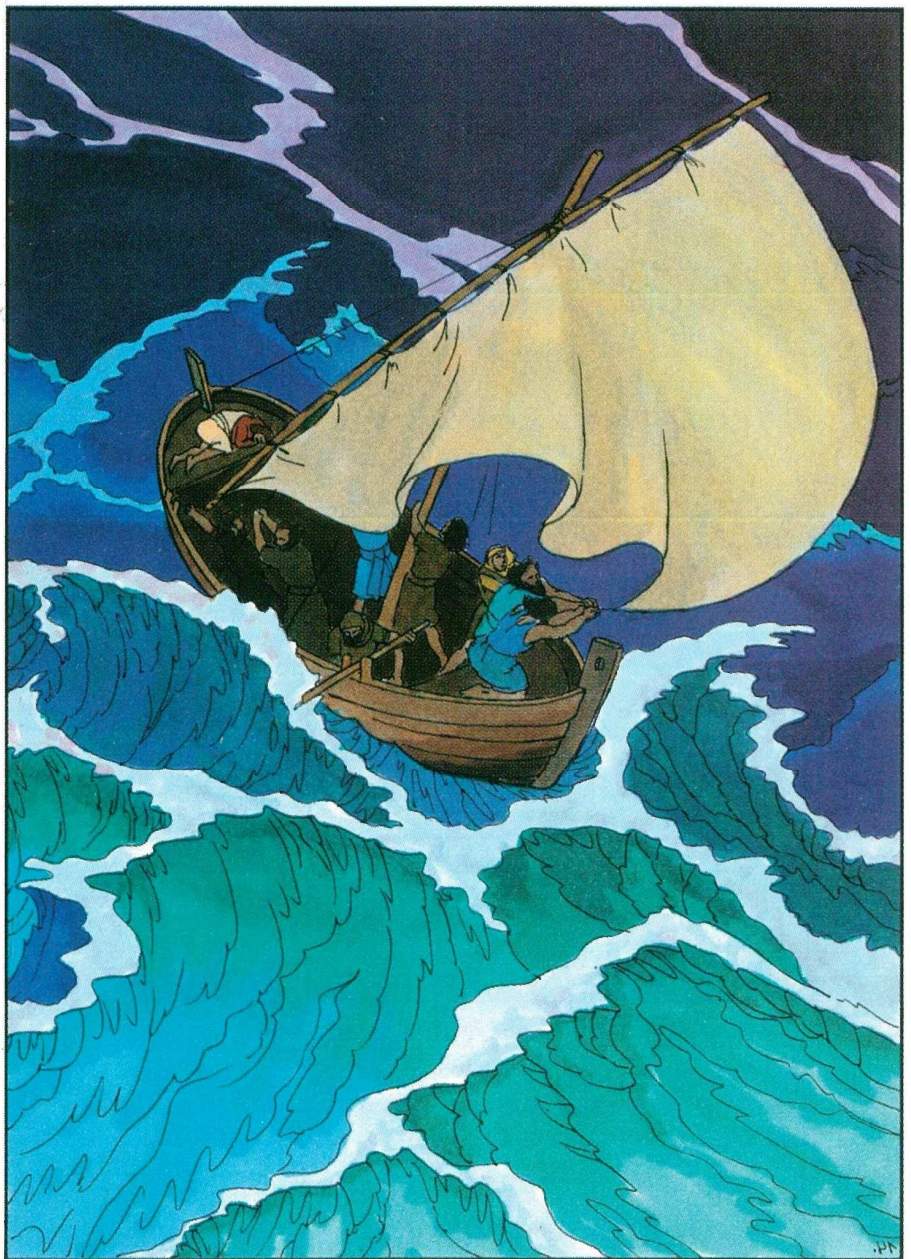
فشار بر عیسی زیاد میشود پس به تنهائی می رود و با شاگردانش روی دریاچه جلیل با قایق بادبانی سفر می کند.

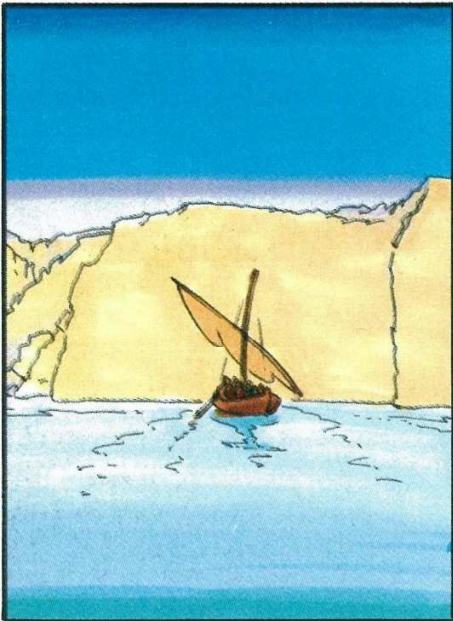
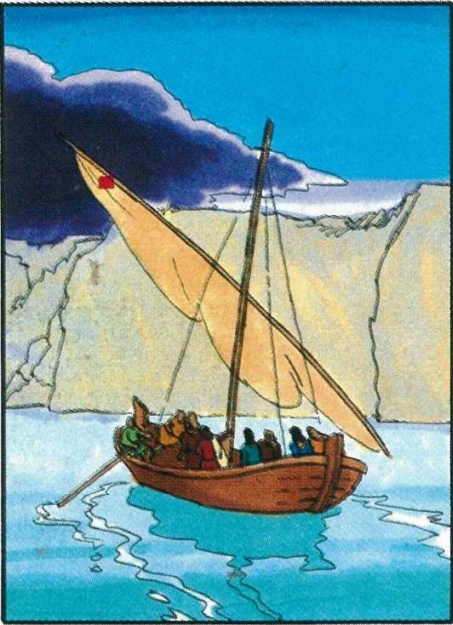


استاد! کمک کن!
نزدیک است غرق شویم!



چرا میترسید؟
ایمان شما کجاست؟



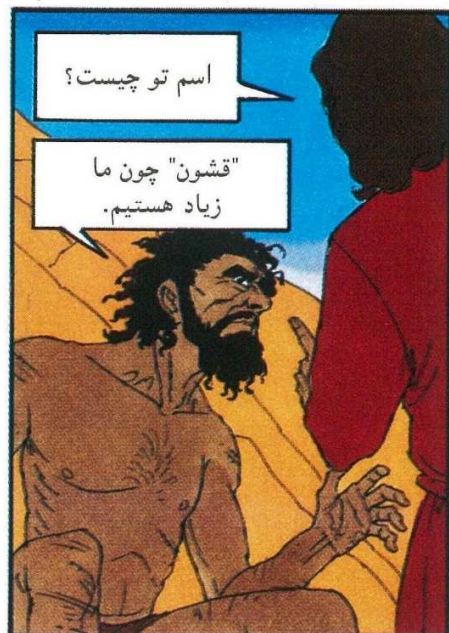
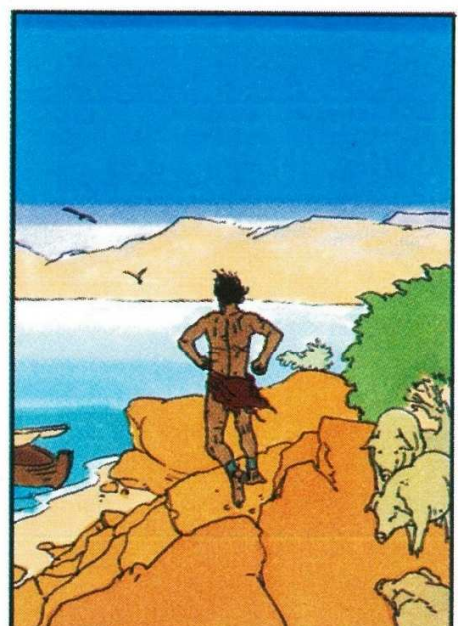
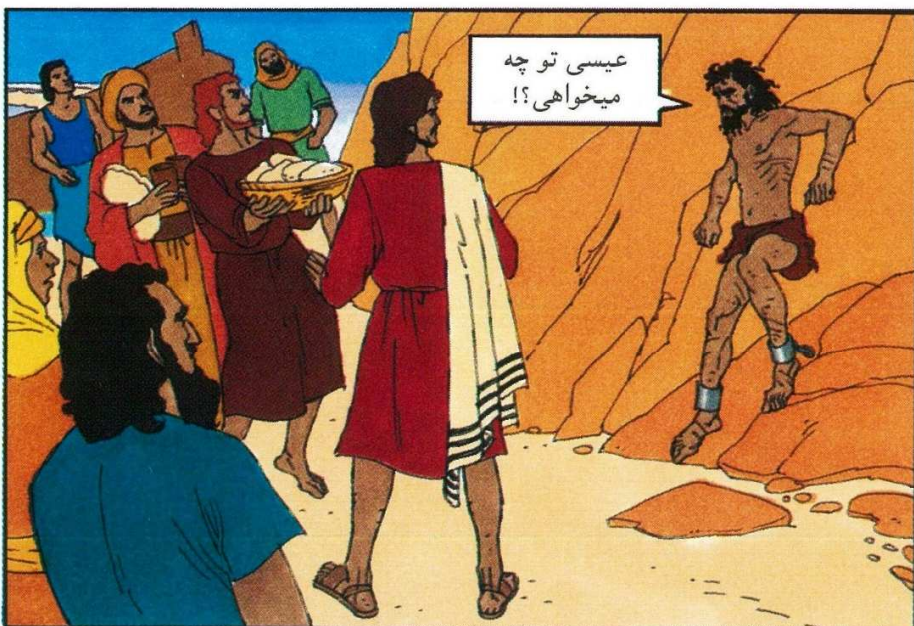
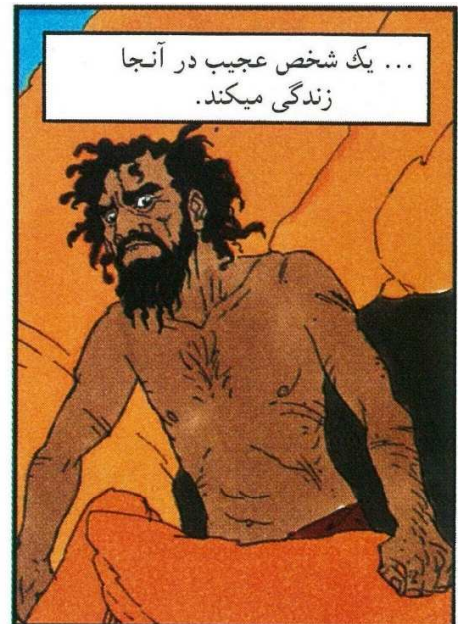


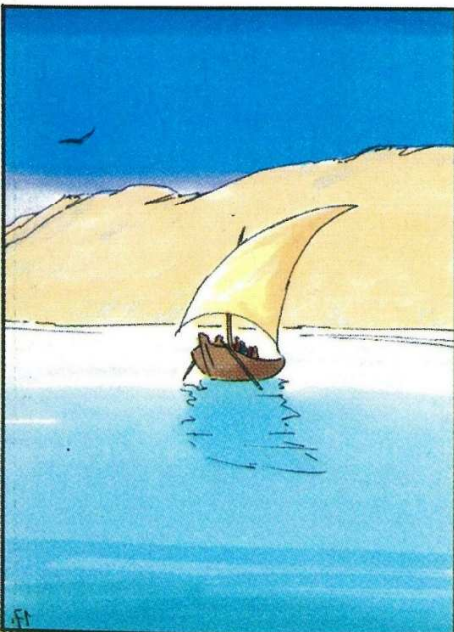
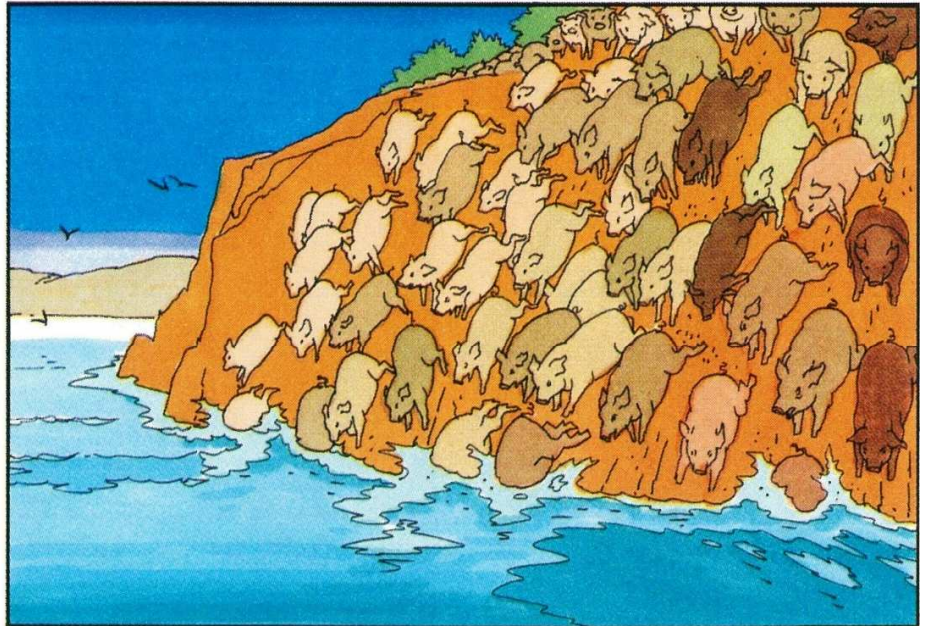
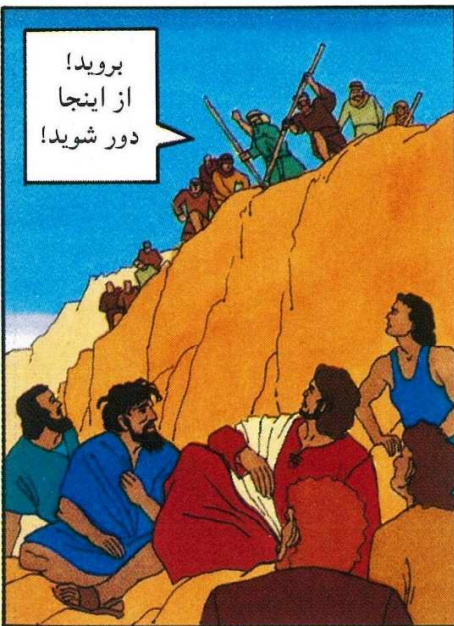
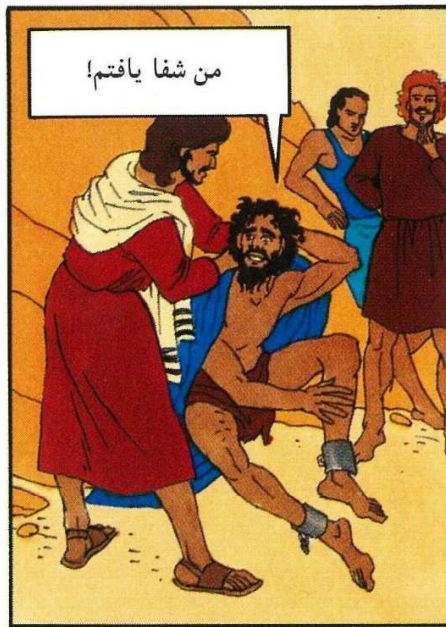
ساکت شو!

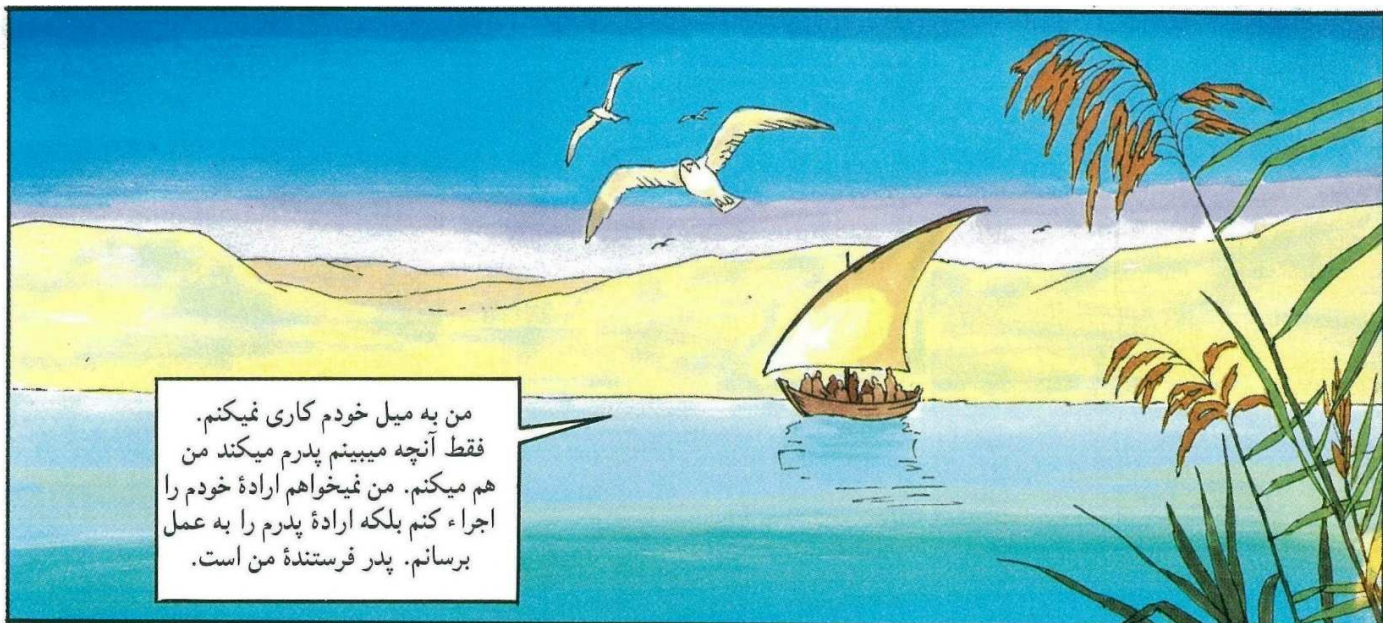


آنها در جای خلوت لنگر می اندازند و قایق را محکم می بندند. ولی در کوه ها ...

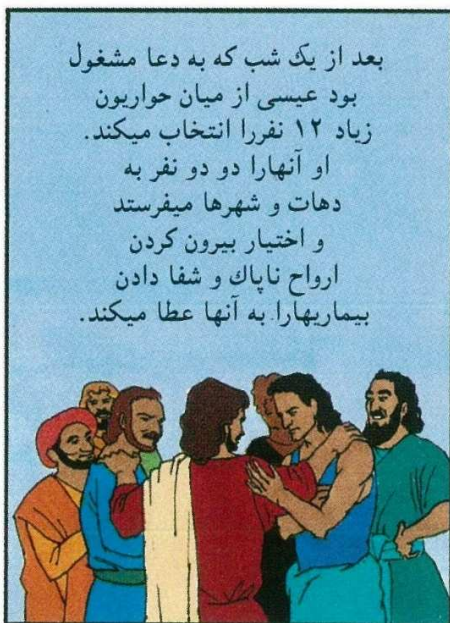
غر غر غر غر غر!



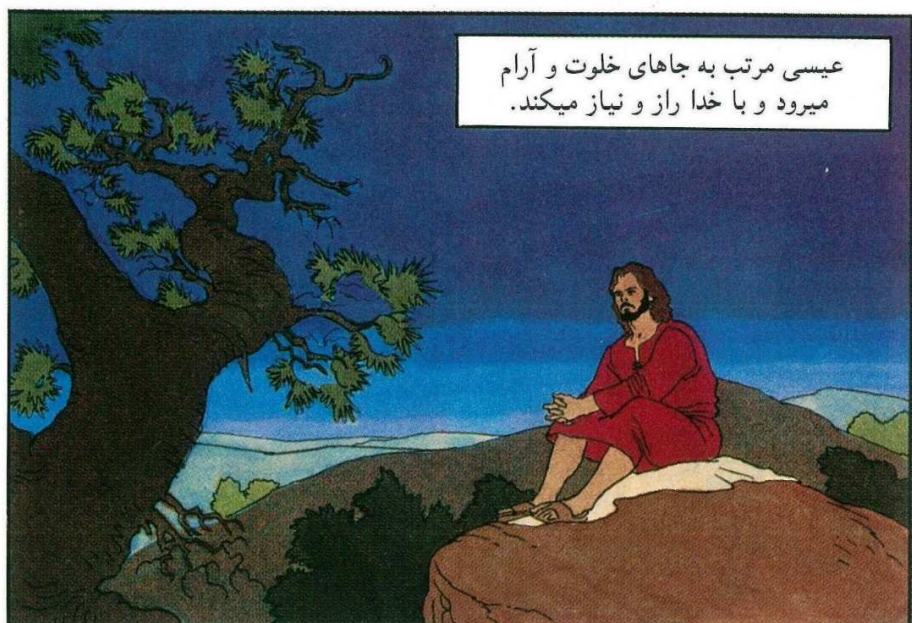




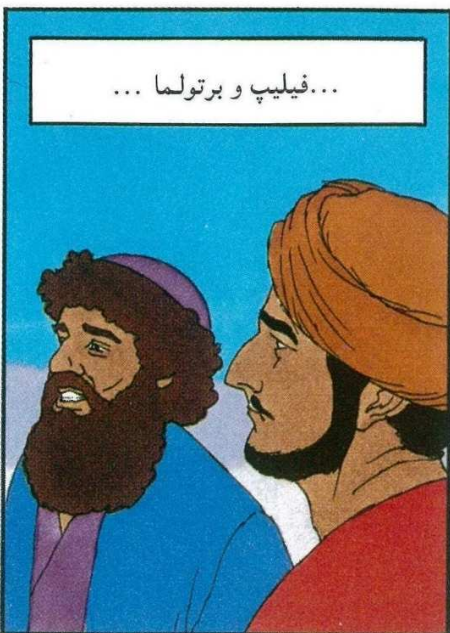
من به میل خودم کاری نمیکنم.
فقط آنچه میبینم پدرم میکند من
هم میکنم. من نمیخواهم اراده خودم را
اجراء کنم بلکه اراده پدرم را به عمل
برسانم. پدر فرستنده من است.



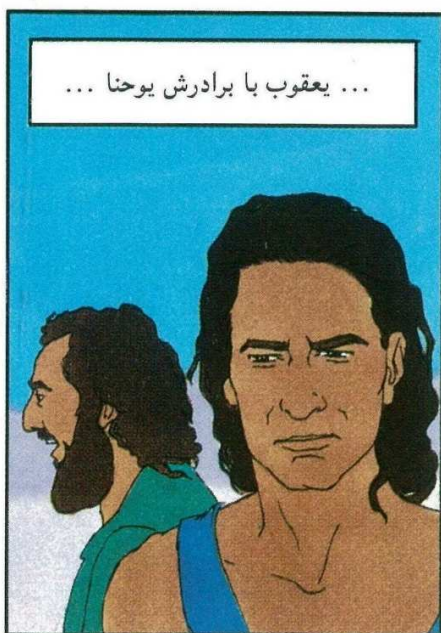
بعد از یک شب که به دعا مشغول
بود عیسی از میان حواریون
زیاد ۱۲ نفر را انتخاب میکند.
او آنها را دو دو نفر به
دهات و شهرها میفرستد
و اختیار بیرون کردن
ارواح ناپاک و شفا دادن
بیماریها را به آنها عطا میکند.



عیسی مرتب به جاهای خلوت و آرام
میروید و با خدا راز و نیاز میکند.



... فیلیپ و برتولما ...

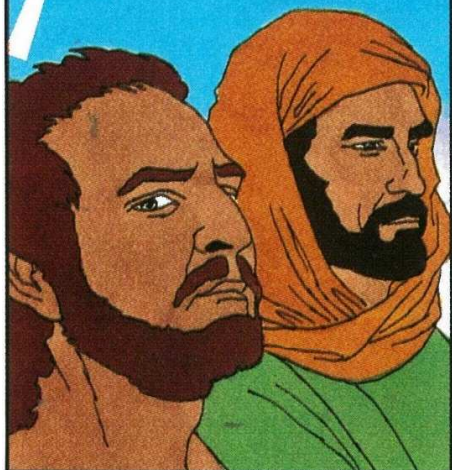


... یعقوب با برادرش یوحنا ...

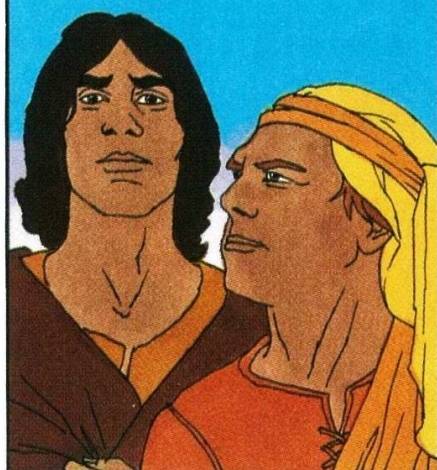


آنها شاگردان عیسی هستند:
پطرس و برادرش اندریاس ...

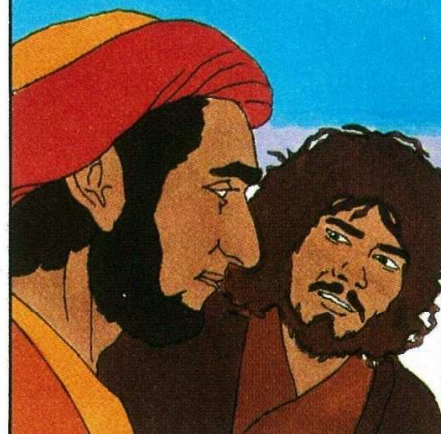
...شمعون (عضو حزب غیوران)
و یهودای اسخریوطی.



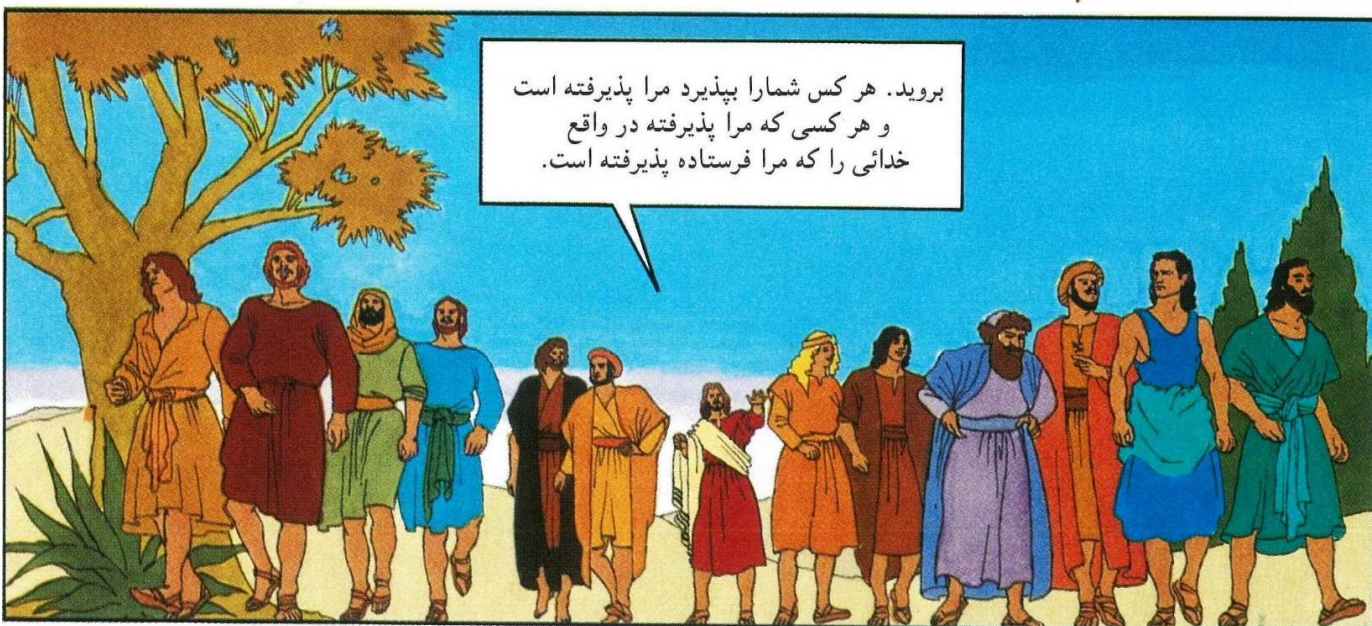
تدی و یعقوب دیگر ...



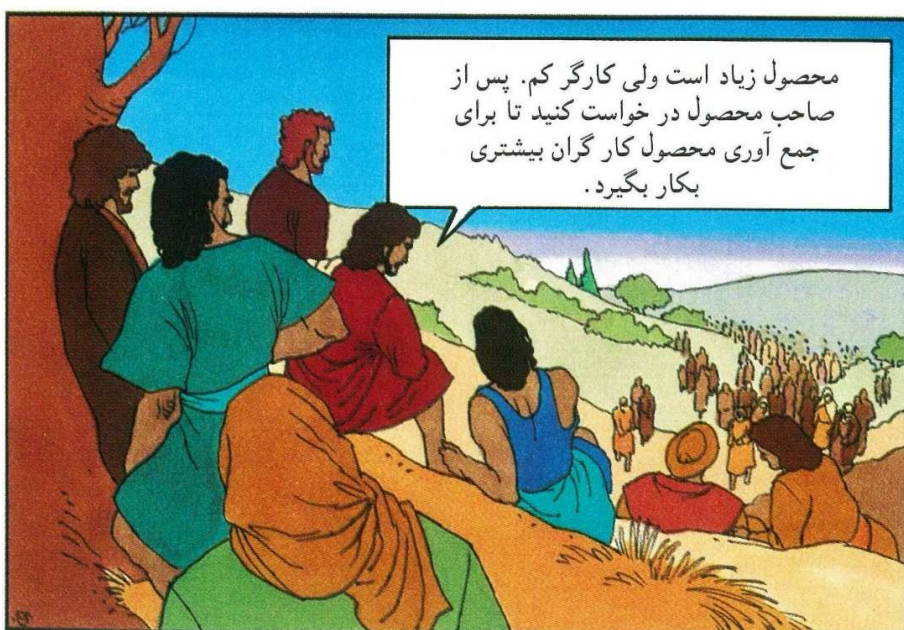
توما و متی (که در سابق
باجگیر و در خدمت
اشغالگران رومی بود) ...



بروید. هر کس شمارا بپذیرد مرا پذیرفته است
و هر کسی که مرا پذیرفته در واقع
خدائی را که مرا فرستاده پذیرفته است.



محصول زیاد است ولی کارگر کم. پس از
صاحب محصول در خواست کنید تا برای
جمع آوری محصول کارگران بیشتری
بکار بگیرد.



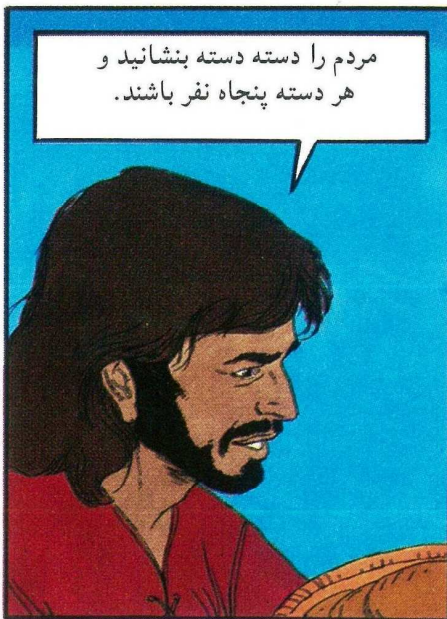
شاگردانش با خوشی
بر میگردند.
بعدها عیسی با آنها به
صحرا میرود تا تنها
باشند ولی مردم از
تصمیم اش با خبر
میشوند و دنبالش
میروند.

عیسی به سخنانی و شفا دادن مشغول است. شب نزدیک میشود ...

فیلیپ، ما از کجا میتوانیم نان بخریم
و این مردم را سیر کنیم؟
چرا شما چیزی به ایشان نمیدهید؟



مردم را دسته دسته بنشانید و
هر دسته پنجاه نفر باشند.

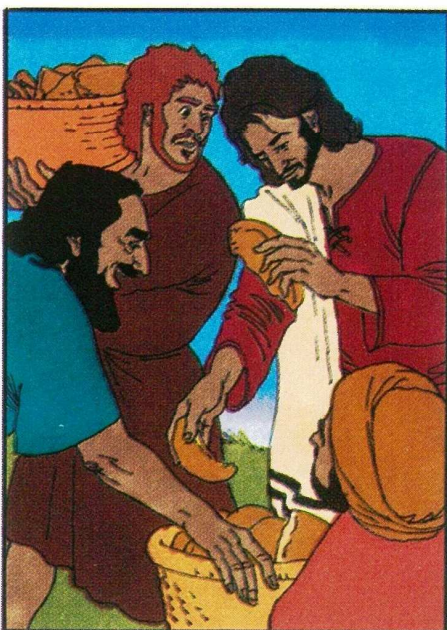


پسری اینجاست که پنج تا نان و دو ماهی
دارد. این به چه درد این جمعیت میخورد؟

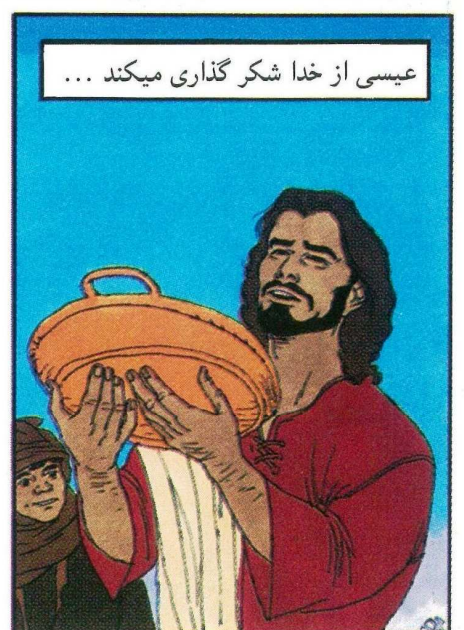
خوارها نان لازم است تا بتوانیم
این جمعیت را سیر کنیم.

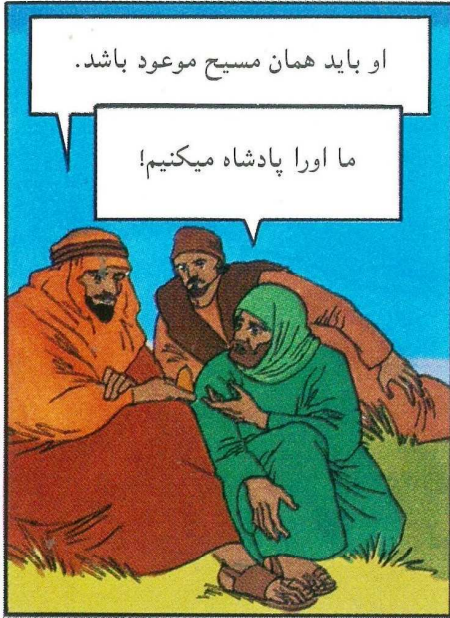


... و دائم نان و ماهی در میان
مردم پخش میکند!



عیسی از خدا شکر گذاری میکند ...



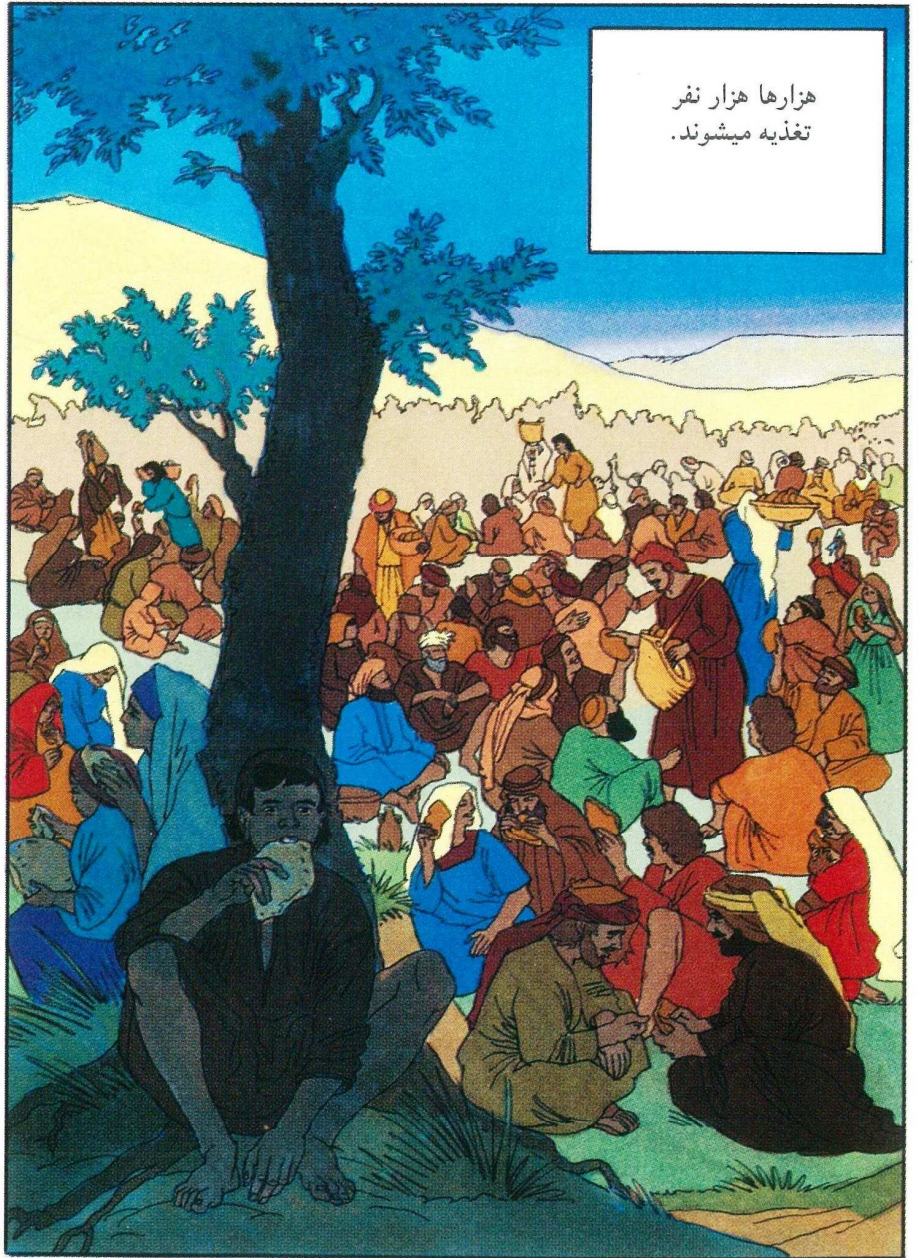


او باید همان مسیح موعود باشد.

ما اورا پادشاه میکنیم!



نگاه کنید! دوازده
سبد از خرده های
نان اضافه آمد!



هزارها هزار نفر
تغذیه میشوند.

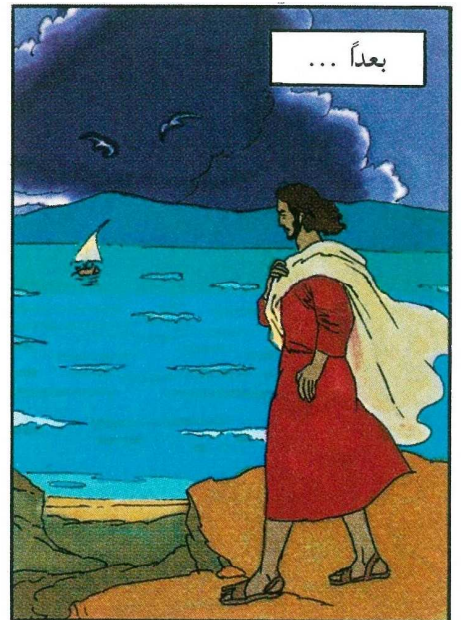


حالا مردم را رخصت کنید و سوار قایق شوید تا به آن
طرف دریا بروید. من در اینجا میمانم و دعا میکنم.



کمک! شبح هست!
روح یک مرده!

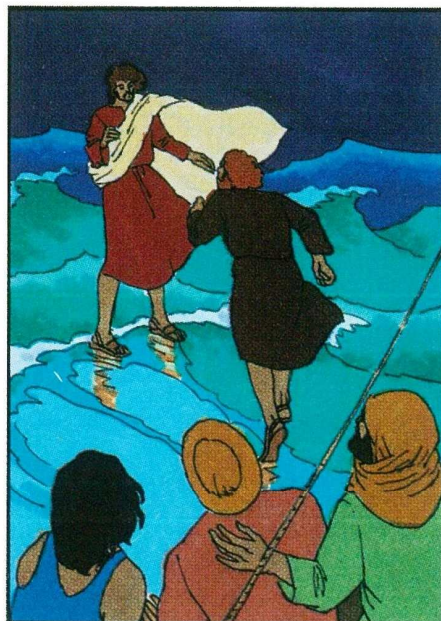
نترسید!



بعداً ...

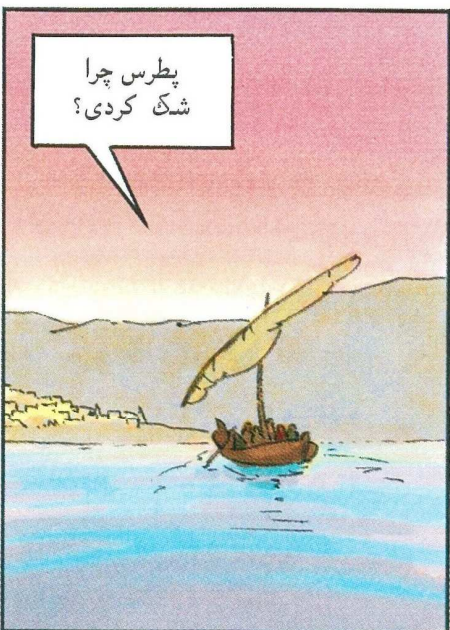


خداوندا
نجاتم بده!



بیا!

ای خداوند اگر تو هستی
به من دستور بده تا متهم
بر روی آب نزد تو بیایم.



پطرس چرا
شک کردی؟

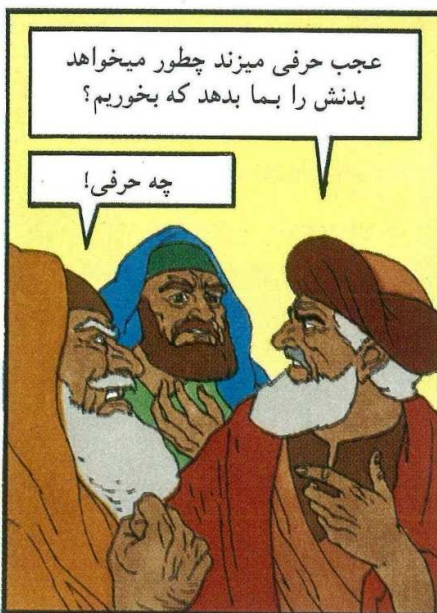




بسراغ من آمدید چون
به شما نان دادم؟

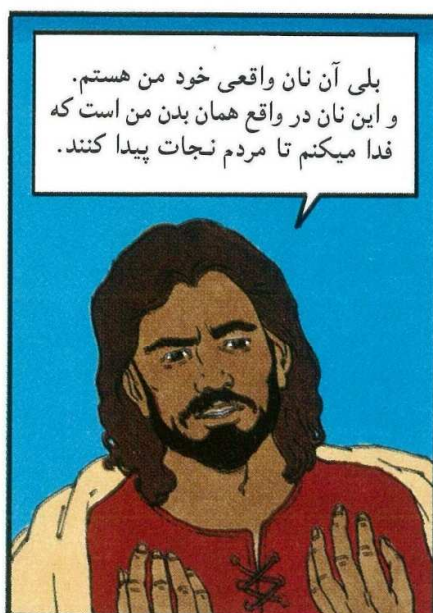
استاد، چطور
اینجا آمدی؟

عده ای هستند که میخواهند عیسی را بزور پادشاه کنند. آنها امید دارند که عیسی با قدرت سلطنت خویش اشغالگران رومی را از کشور بیرون بیندازد. اما افراد دیگری با عیسی مقابله و پیوسته مخالف او عمل میکنند و در صدد برانگیختن قوم به او هستند.

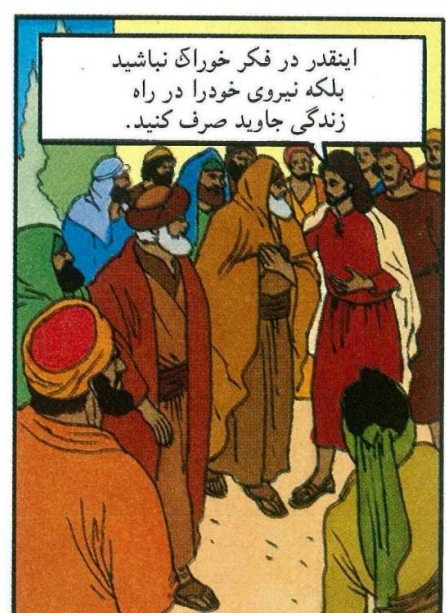


عجب حرفی میزند چطور میخواهد بدنش را بسما بدهد که بخوریم؟

چه حرفی!



بلی آن نان واقعی خود من هستم. و این نان در واقع همان بدن من است که فدا میکنم تا مردم نجات پیدا کنند.



اینقدر در فکر خوراکی نباشید بلکه نیروی خود را در راه زندگی جاوید صرف کنید.



شما هم میخواهید بروید؟

استاد پیش کی برویم؟ کلمات حیات جاودانی نزد تو است.

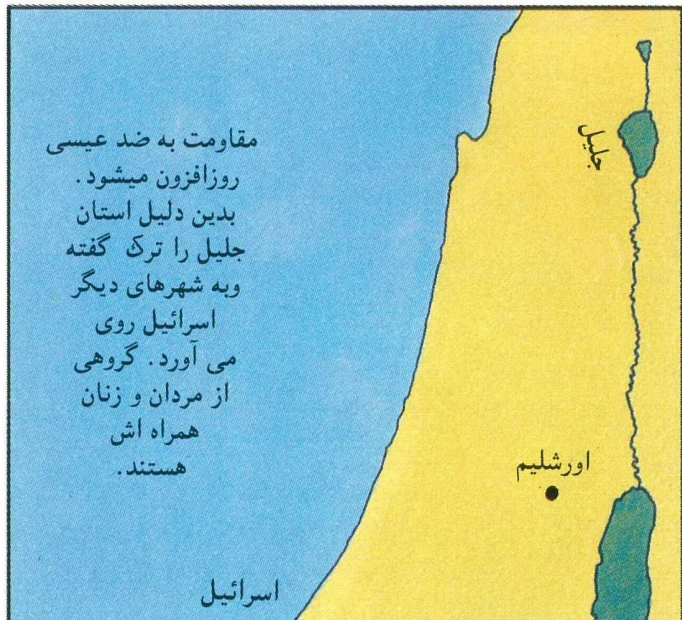


بریم! ولش کن!

او همه ما را مسخره میکند!

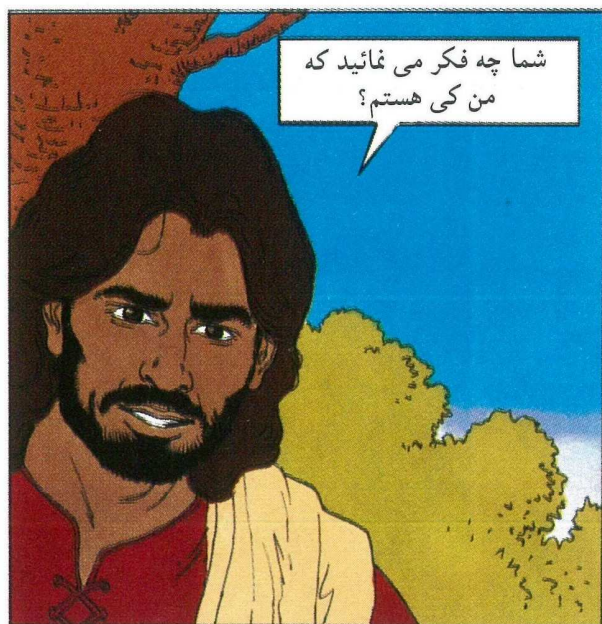


بعداً رو میاورد به اورشلیم.

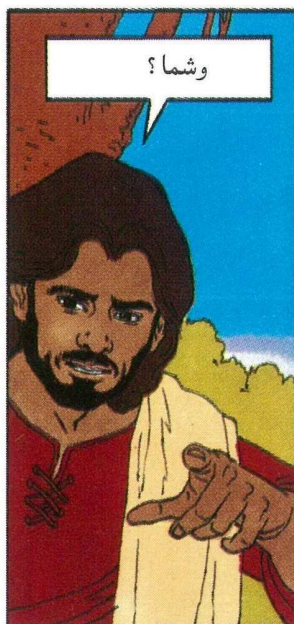


مقاومت به ضد عیسی
روزافزون میشود.
بدین دلیل استان
جلیل را ترک گفته
و به شهرهای دیگر
اسرائیل روی
می آورد. گروهی
از مردان و زنان
همراه اش
هستند.

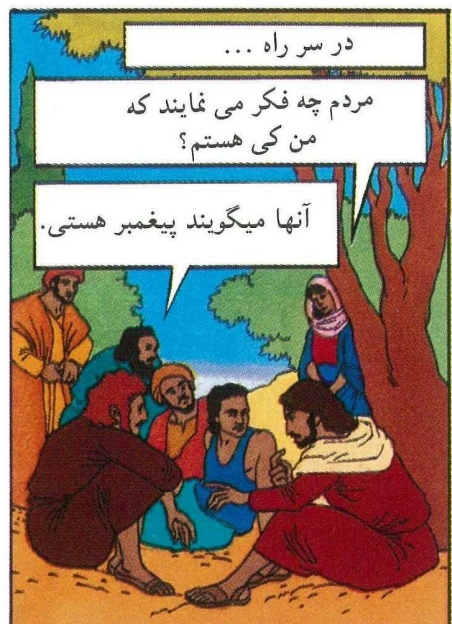
اسرائیل



شما چه فکر می نمائید که
من کی هستم؟



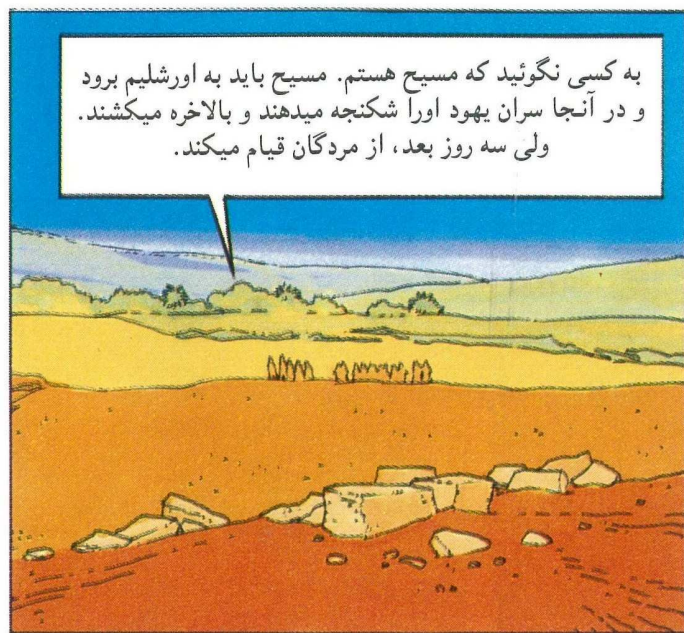
و شما؟



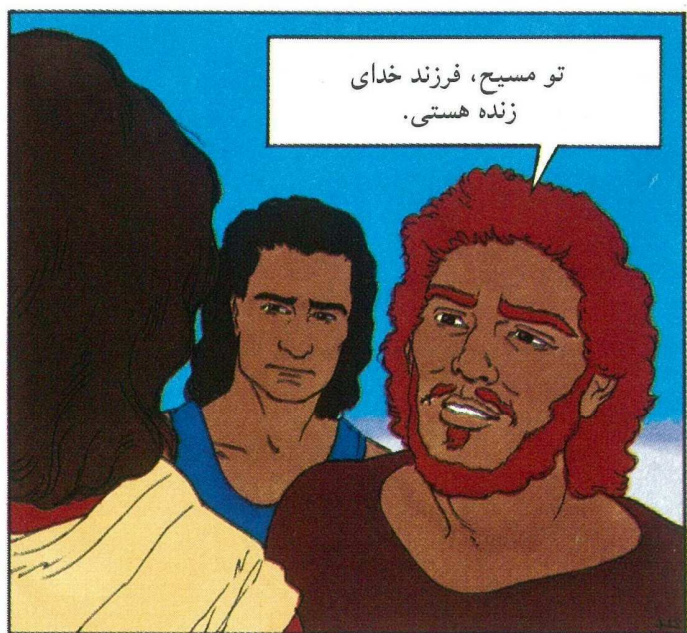
در سر راه ...

مردم چه فکر می نمائید که
من کی هستم؟

آنها میگویند پیغمبر هستی.



به کسی نگوئید که مسیح هستیم. مسیح باید به اورشلیم برود
و در آنجا سران یهود او را شکنجه میدهند و بالاخره میکشند.
ولی سه روز بعد، از مردگان قیام میکند.



تو مسیح، فرزند خدای
زنده هستی.



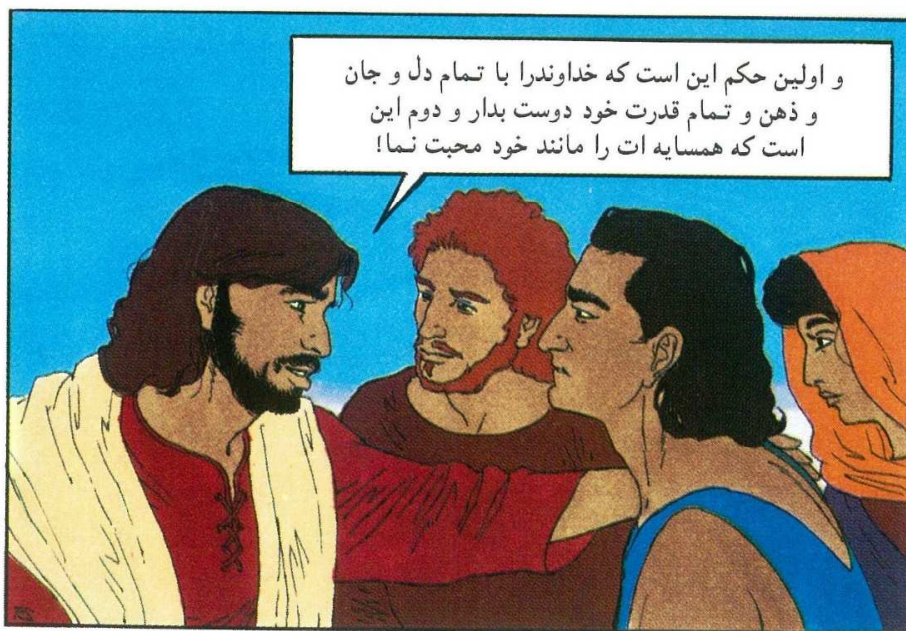
خارج از اورشلیم مردم متهم به اعدام کشته میشوند. آنها به نحو وحشیانه ای و برطبق قانون رومی بر صلیب میخکوب میشوند.



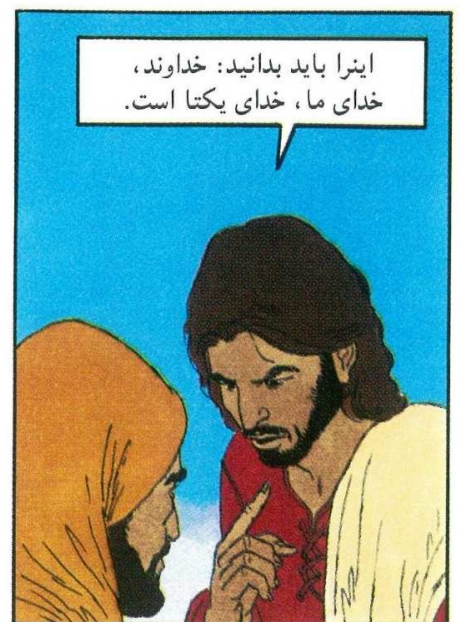
هر کس میخواهد جان خودش را حفظ کند آنرا از دست میدهد. ولی کسی که جانش را بخاطر من فدا کند آنرا دوباره بدست میآورد.



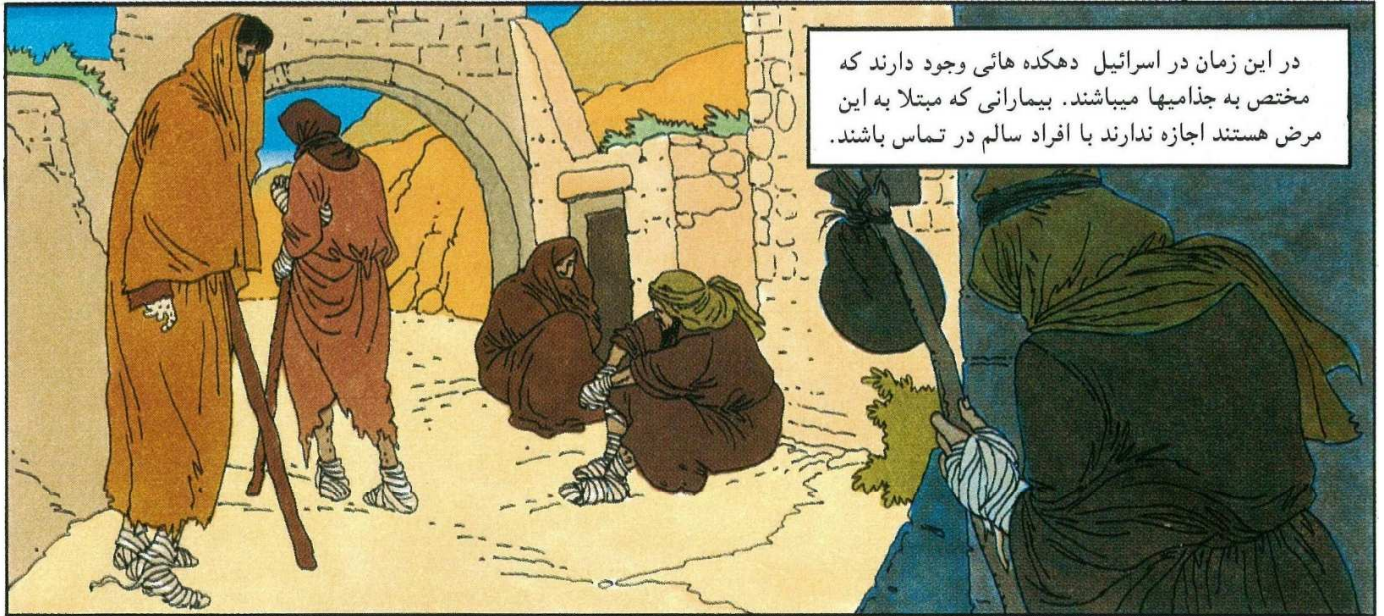
هر کس میخواهد پیرو من باشد باید خودش را فراموش کند، صلیب خودش را بردارد و مرا دنبال کند.



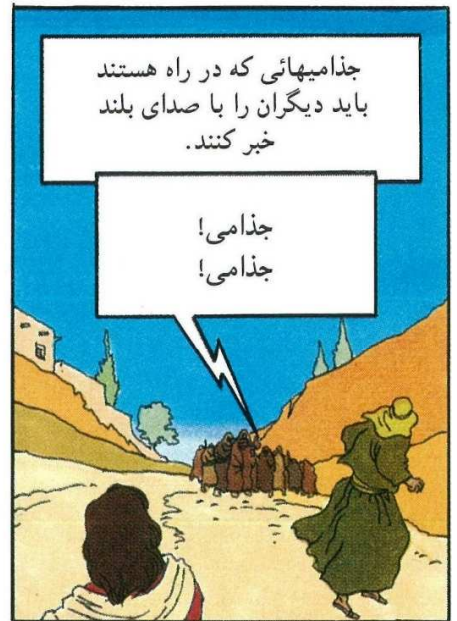
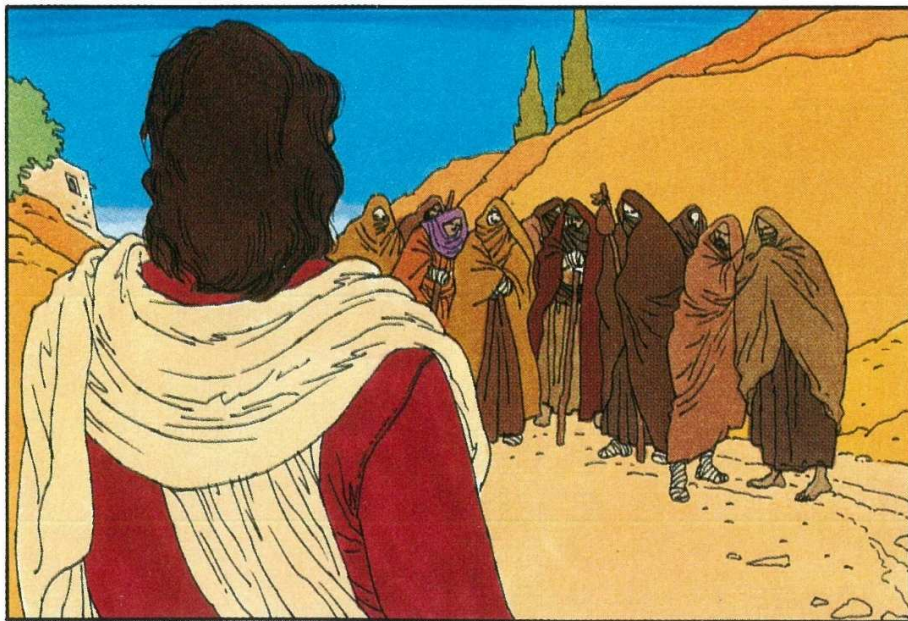
و اولین حکم این است که خداوند را با تمام دل و جان و ذهن و تمام قدرت خود دوست بدار و دوم این است که همسایه ات را مانند خود محبت نما!



اینرا باید بدانید: خداوند، خدای ما، خدای یکتا است.



در این زمان در اسرائیل دهکده هایی وجود دارند که مختص به جذامیها میباشند. بیمارانی که مبتلا به این مرض هستند اجازه ندارند با افراد سالم در تماس باشند.

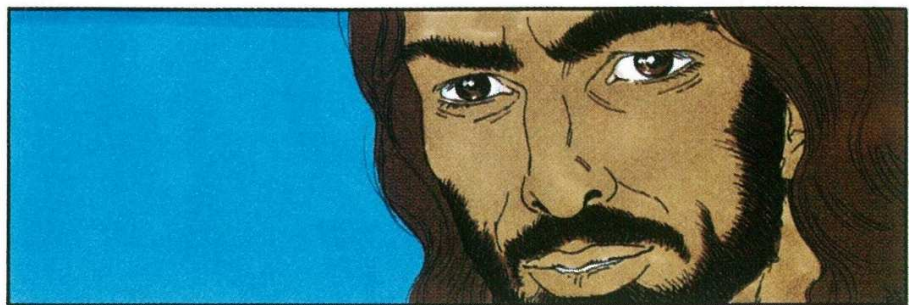


جذامیهایی که در راه هستند باید دیگران را با صدای بلند خبر کنند.

جذامی!
جذامی!



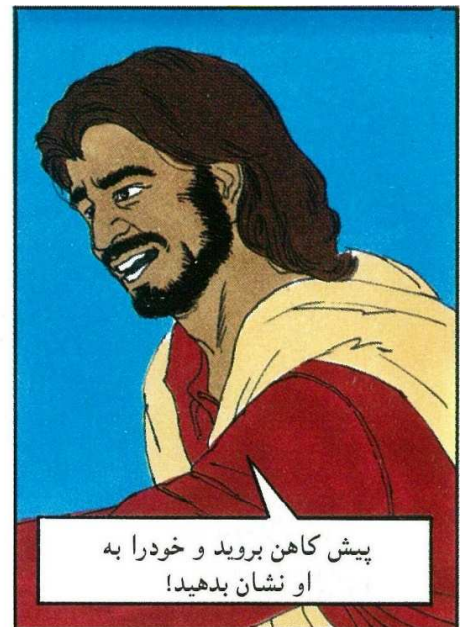
عیسی! استاد بر ما رحم کن!



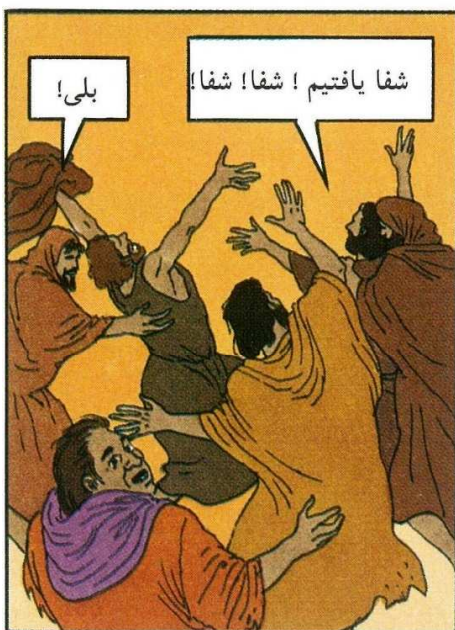


پیش کاهن؟ یعنی چه؟

منظورت این است که بعد از آنکه شفا یافتیم باید پیش کاهن برویم؟

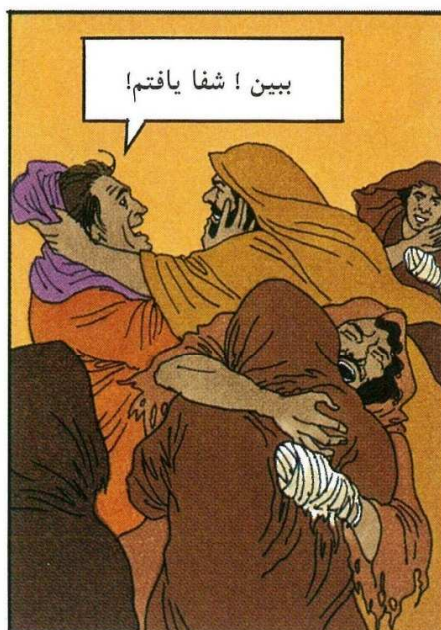


پیش کاهن بروید و خودرا به او نشان بدهید!

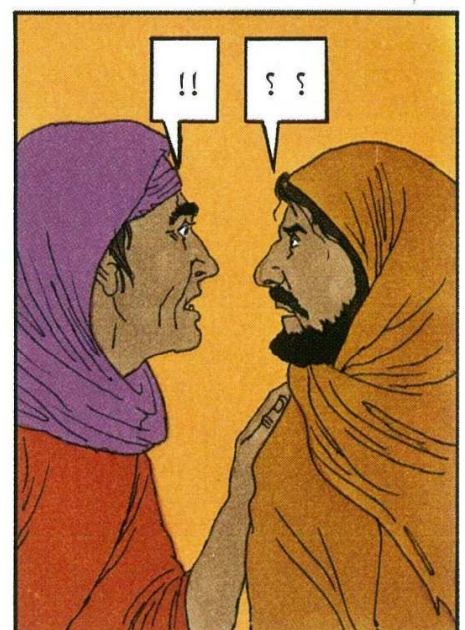


بلی!

شفا یافتیم! شفا! شفا!



ببین! شفا یافتیم!

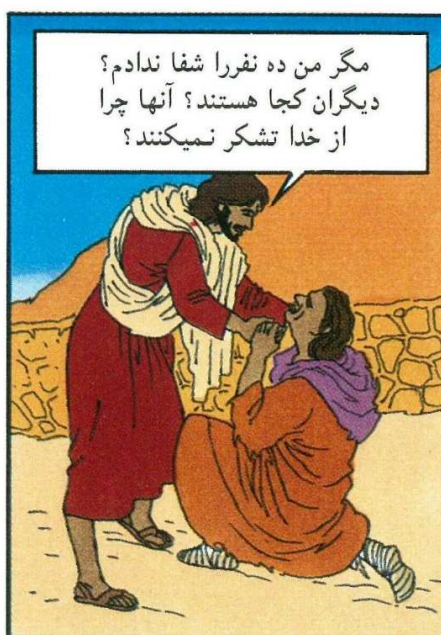


!!

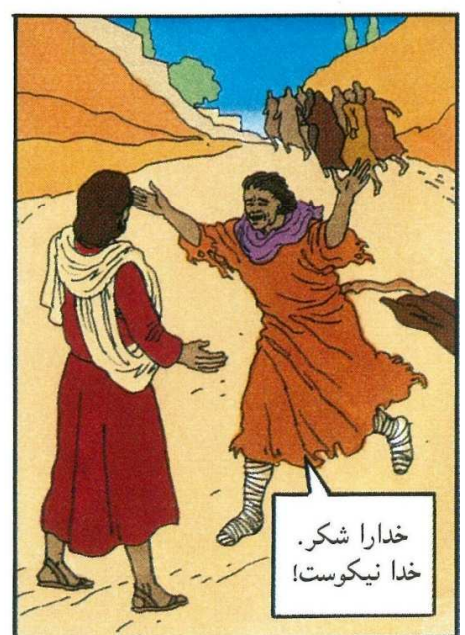
؟ ؟



بلند شو و برو! ایمانت ترا شفا داده است.



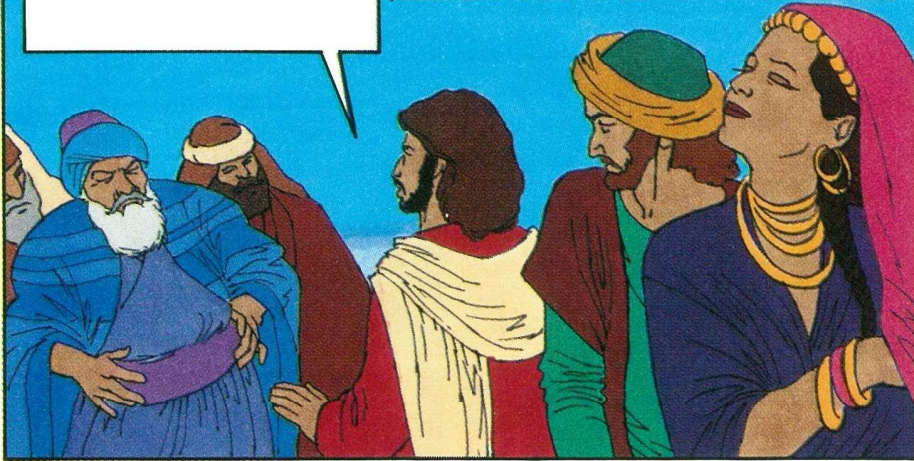
مگر من ده نفررا شفا ندادم؟ دیگران کجا هستند؟ آنها چرا از خدا تشکر نمیکنند؟



خدارا شکر. خدا نیکوست!

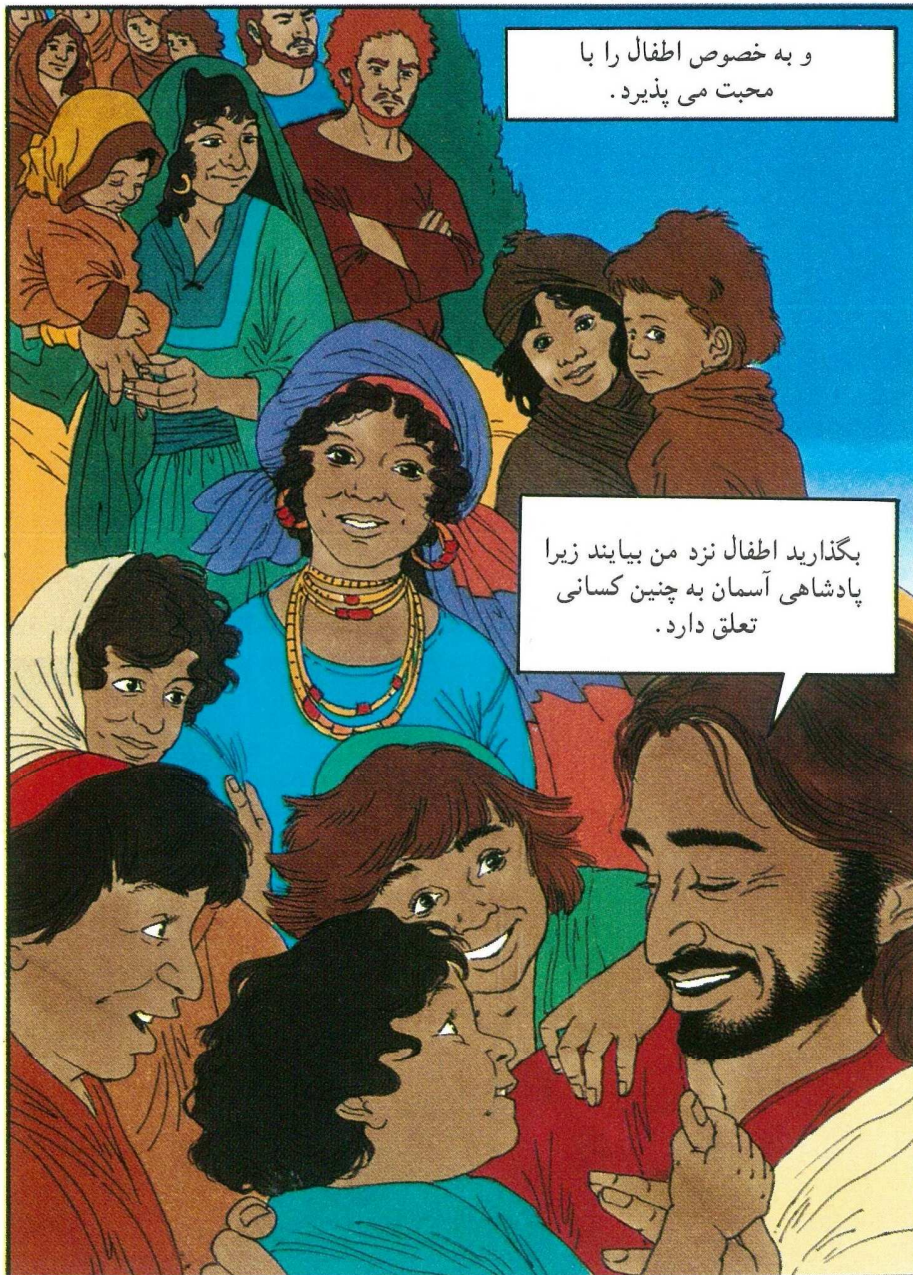
مسیح آمده است تا گمشدگان را پیدا کند و نجات دهد.

او با افراد بدنام از قبیل فواحش و باج گیران که با اشغالگران رومی همکاری میکنند هم صحبت میکند.



رهبران یهود به افراد حيله گر متوسل می شوند تا عیسی را زیر نظر قرار دهند. آنها اصلاً موافق کار و رفتار او نیستند.

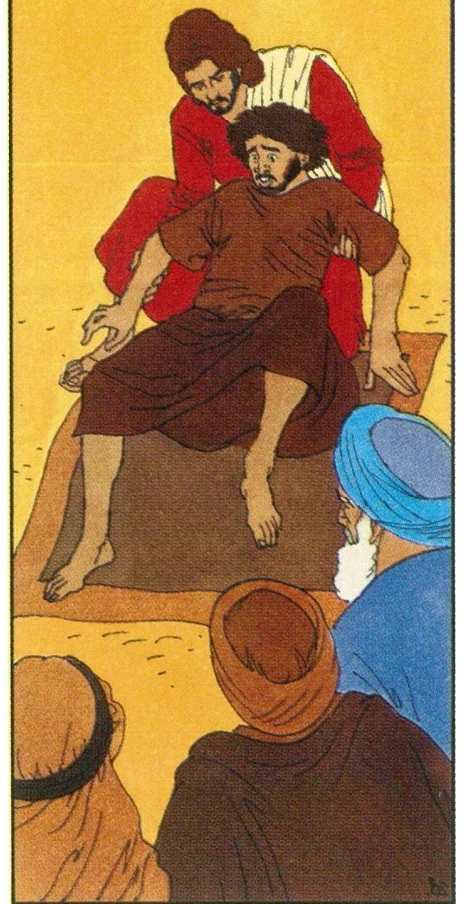
و به خصوص اطفال را با محبت می پذیرد.



بگذارید اطفال نزد من بیایند زیرا پادشاهی آسمان به چنین کسانی تعلق دارد.

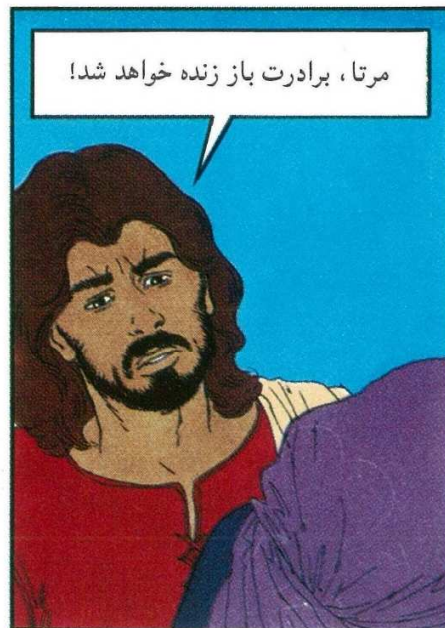
مسیح روز شنبه بیماران را شفا میدهد.

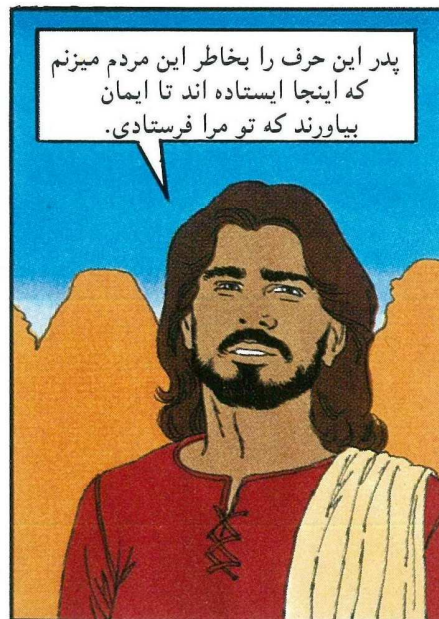
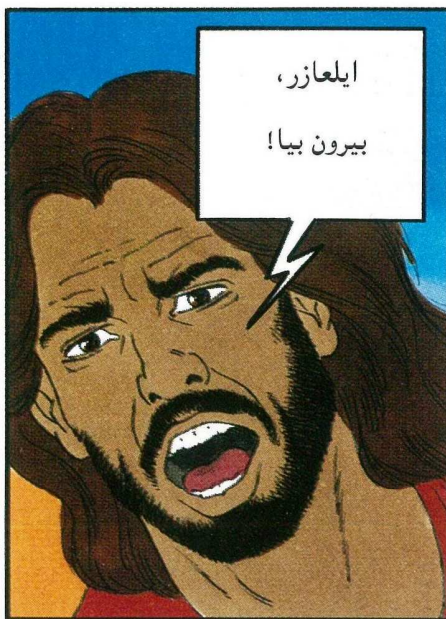
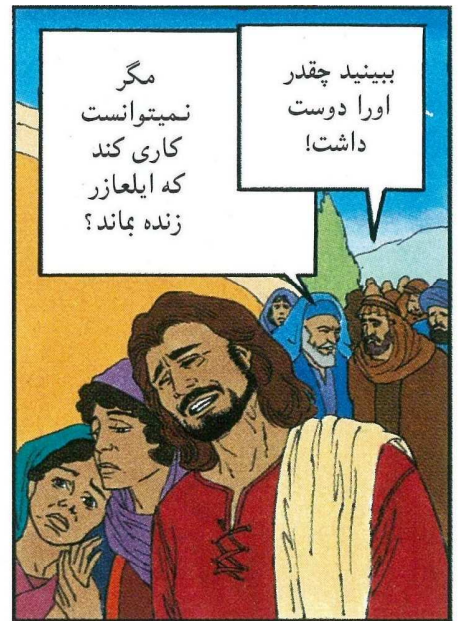
سالم شو!

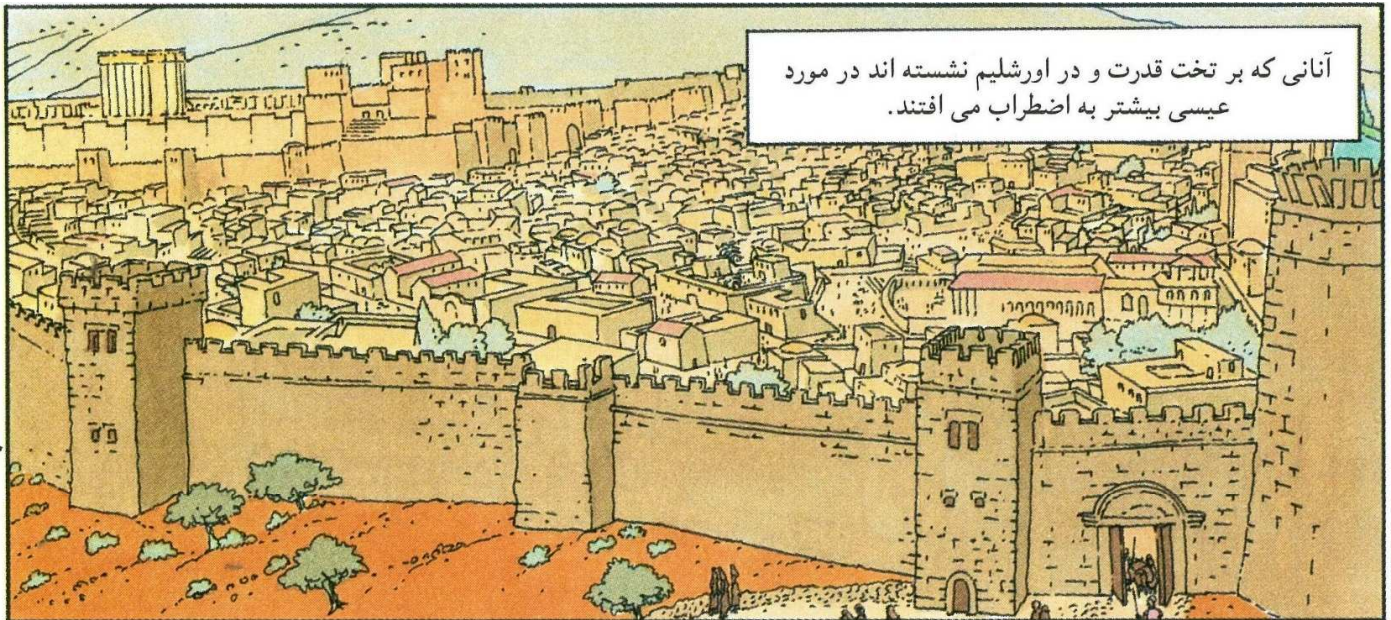




به عیسی پیغامی میفرستند و به بیت عنیا دعوتش میکنند. این قریه در نزدیکی اورشلیم قرار دارد و مردی بنام ایلعازر ساکن آنجاست. او مریض است و دو خواهرش به اسم مرتا و مریم با عیسی دوستند. وقتیکه عیسی وارد بیت عنیا میشود به او خبر میدهند که ایلعازر مدت چهار روز است که به خاک سپرده شده است.







آنانی که بر تخت قدرت و در اورشلیم نشسته اند در مورد عیسی بیشتر به اضطراب می افتند.

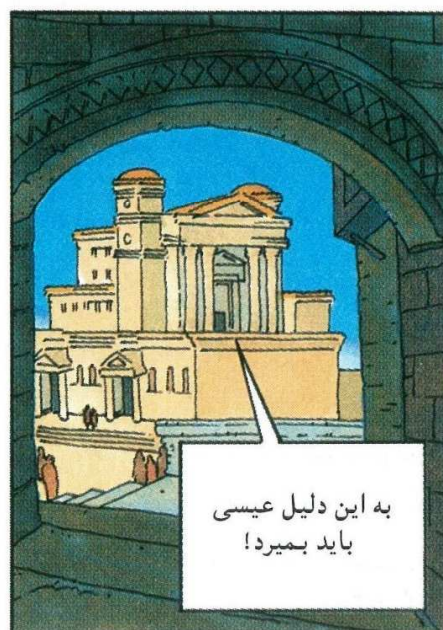


این شخص بسیار معجزه میکند.

اگر او را بحال خودش بگذاریم آنوقت دولت روم به اینجا لشکر کشی میکند!

آنها مارا میکشند و معبد اعظم را با خاک یکسان میکنند!

از همان لحظه روشن میشود که رهبران یهود دنبال فرصتی میگردند تا عیسی را به رومیان تحویل دهند تا او را به مرگ محکوم کنند.

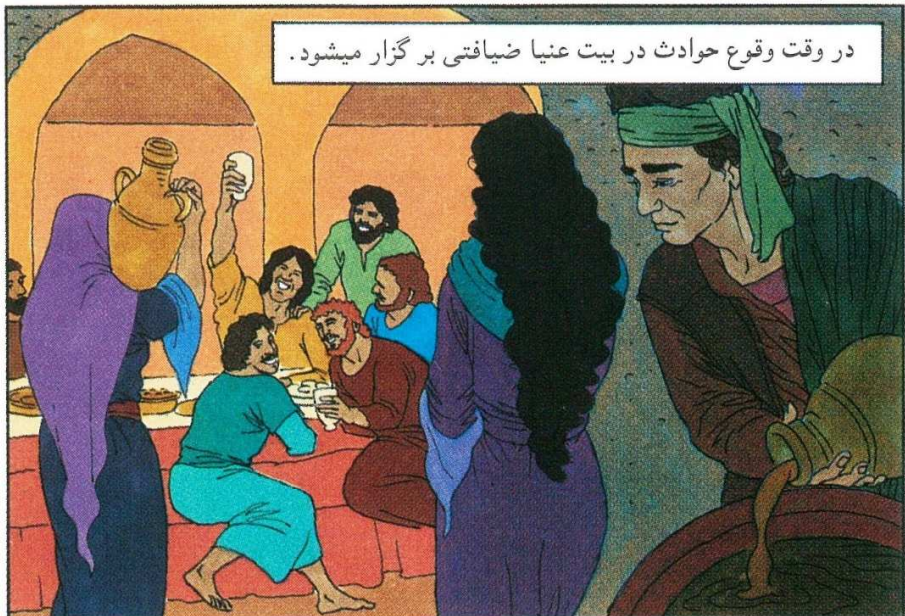


به این دلیل عیسی باید بمیرد!

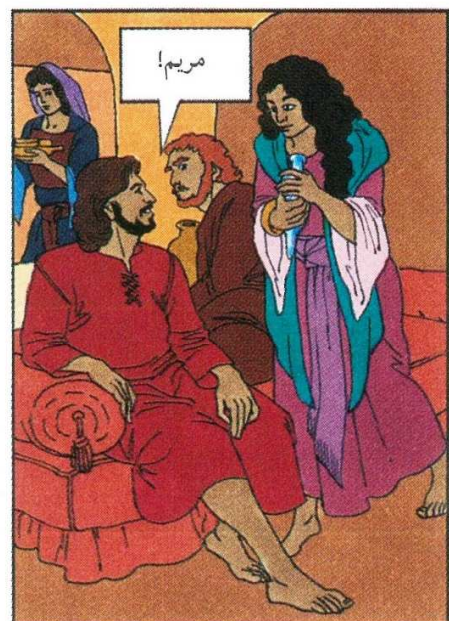


خاطر جمع باشید. بگذارید این یک نفر فدای مردم شود. چرا باید تمام ملت نابود شود؟

در وقت وقوع حوادث در بیت عنیا ضیافتی بر گزار میشود.



این عطر! آنقدر
گرانها است!



مریم!



یهودا، کاری به کارش نداشته
باش. او بدن مرا برای
دفن آماده می کند.

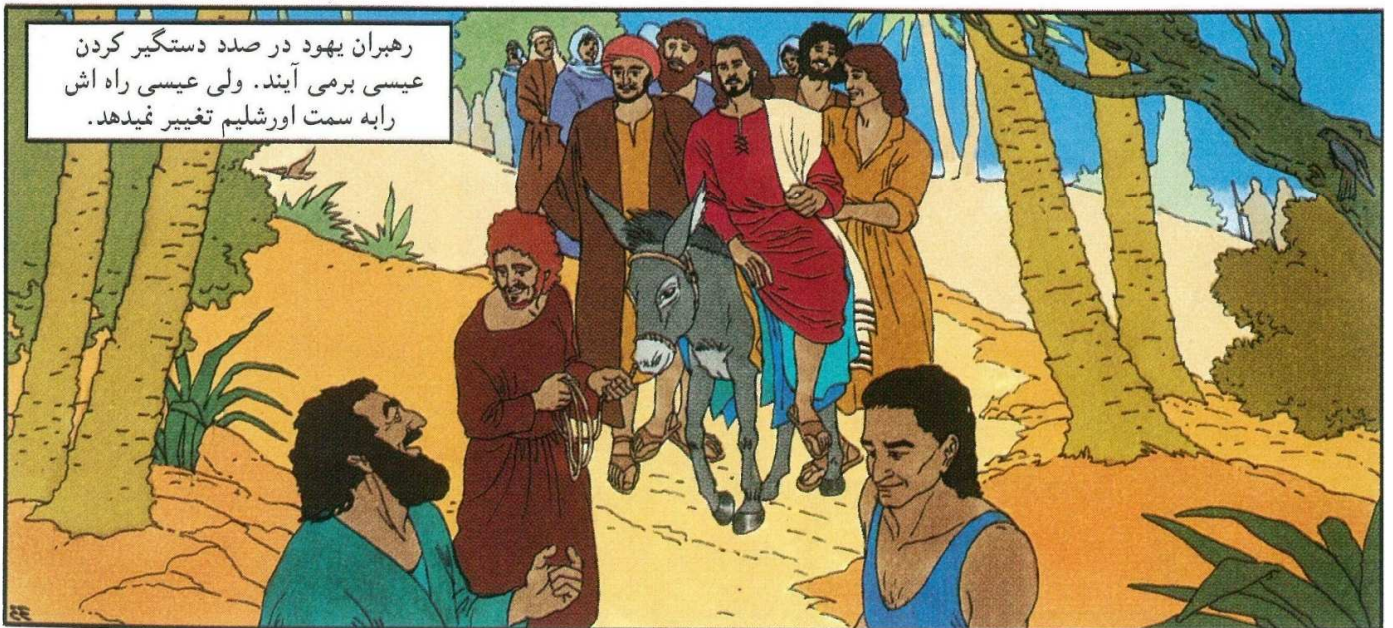


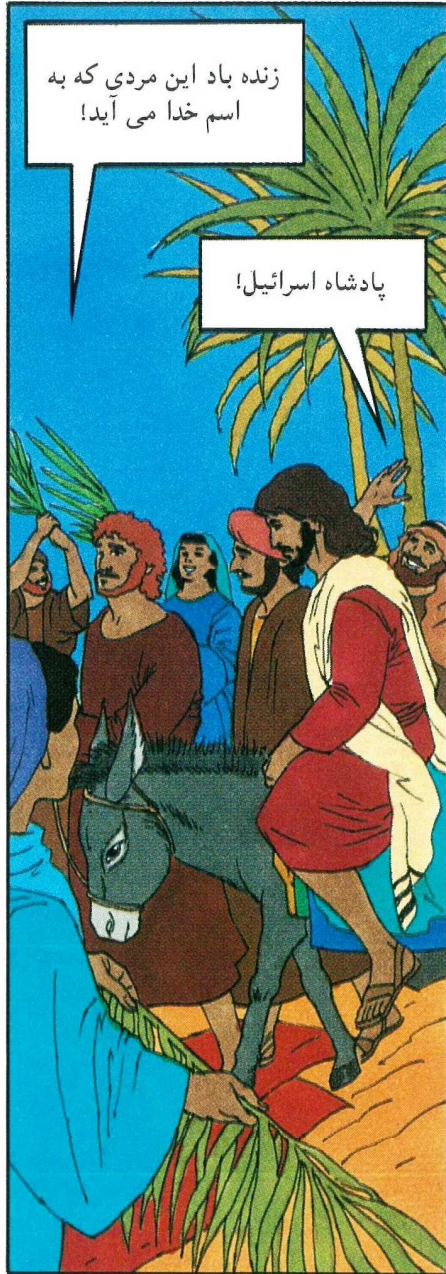
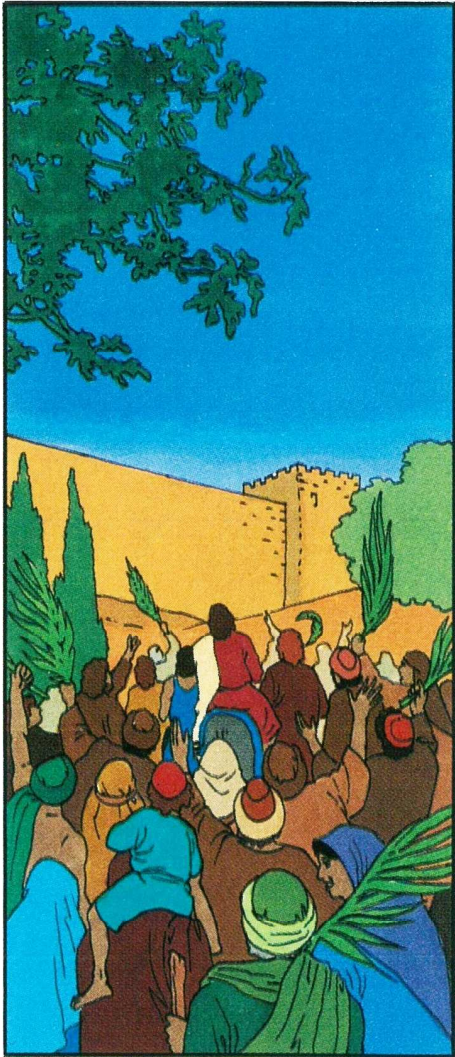
بهتر بود آنرا
می فروختیم
و پولش را به
فقرا میدادیم!

کم کم عید قربان نزدیک میشود، مردم از گوشه و کنار کشور در اورشلیم جمع میشوند.



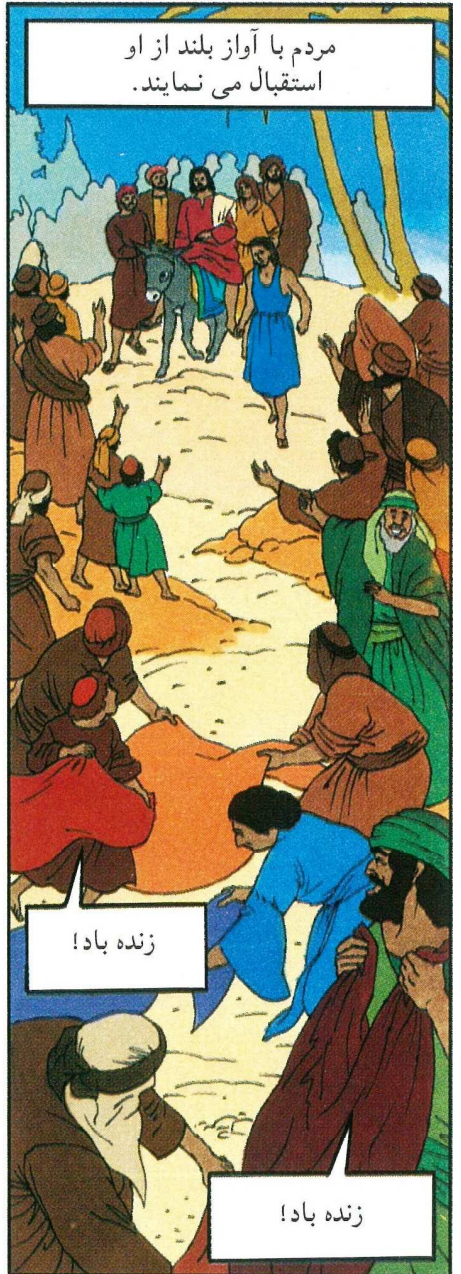
رهبران یهود در صدد دستگیر کردن عیسی برمی آیند. ولی عیسی راه اش را به سمت اورشلیم تغییر نمیدهد.





زنده باد این مردی که به اسم خدا می آید!

پادشاه اسرائیل!



مردم با آواز بلند از او استقبال می نمایند.

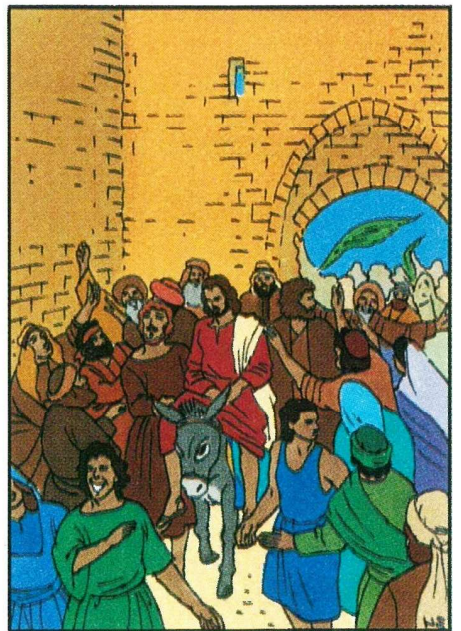
زنده باد!

زنده باد!

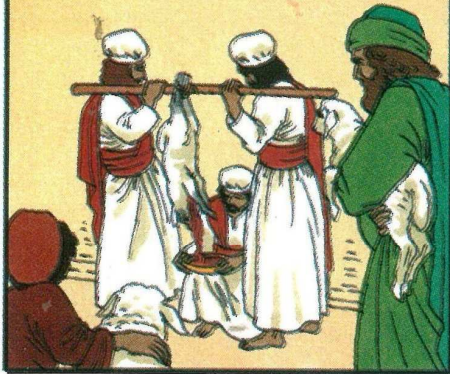


بینید تمام دنیا دنبال او می رود.

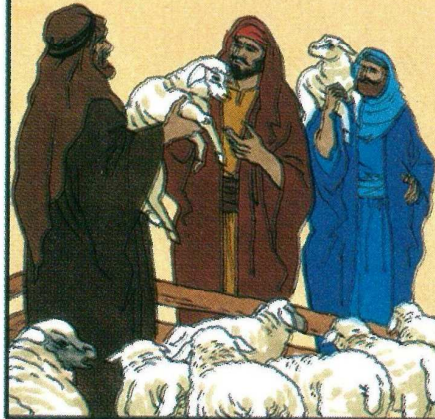
هیچ کاری از ما ساخته نیست.



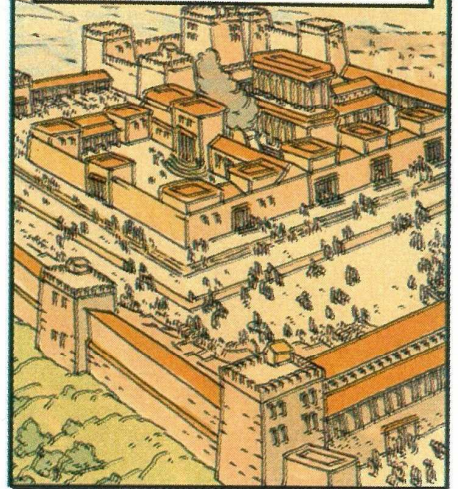
يك قسمت خاصی از گوسفند
بخاطر آشتی مردم با خدا
سوخته میشود.



در هنگام عيد قربان گوسفندها
قربانی میشود.



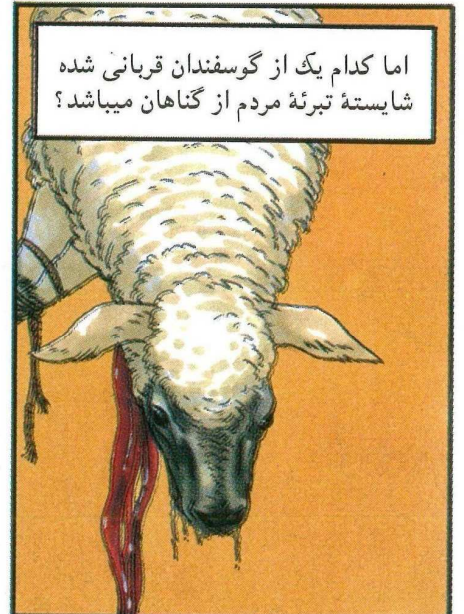
معبد در اورشليم،
مرکز عبادت است.



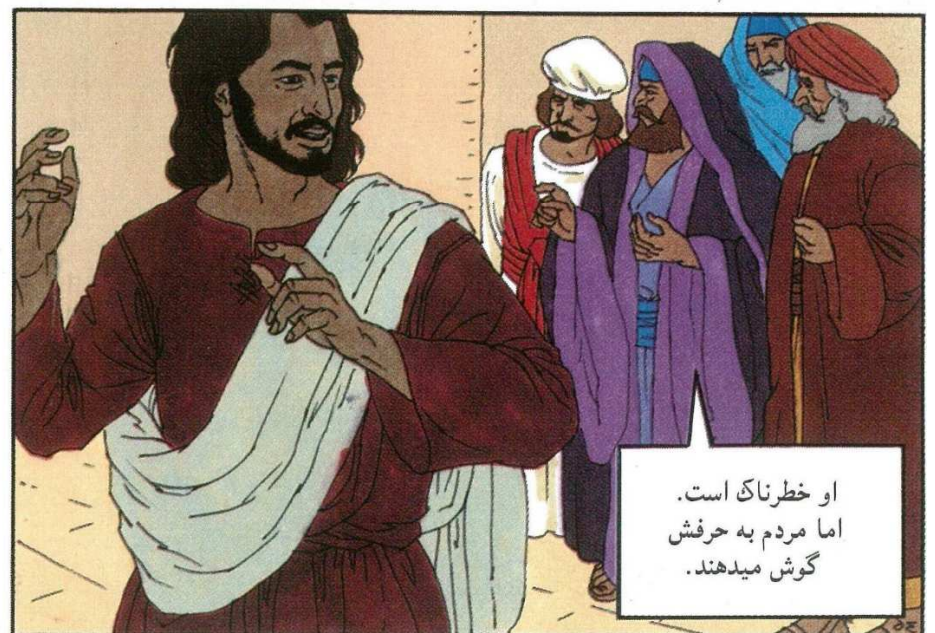
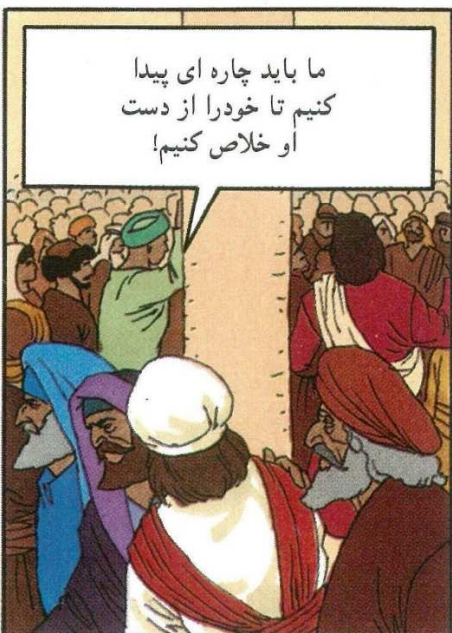
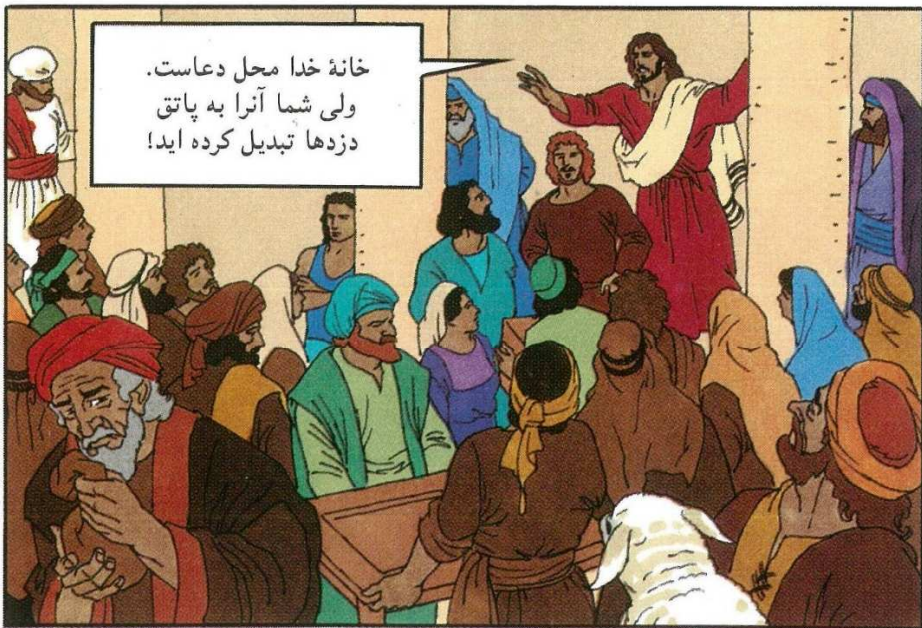
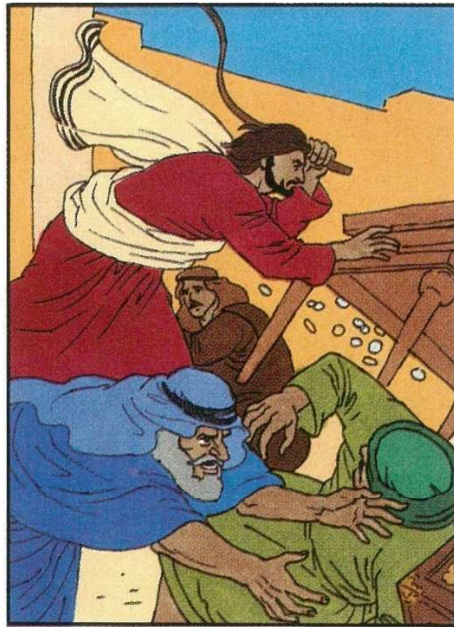
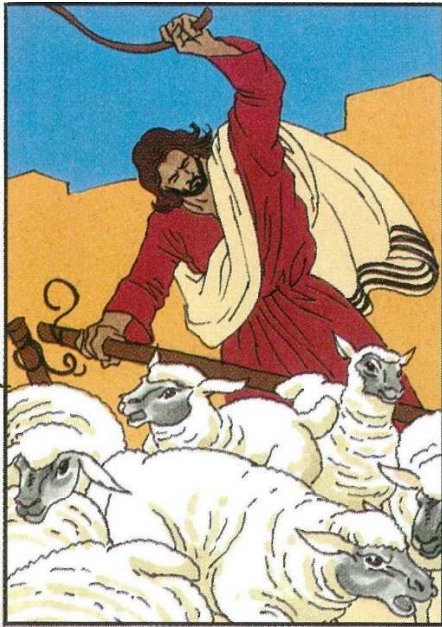
در محوطه معبد تاجران و صرافان به كسب
و كار خود مشغول هستند.

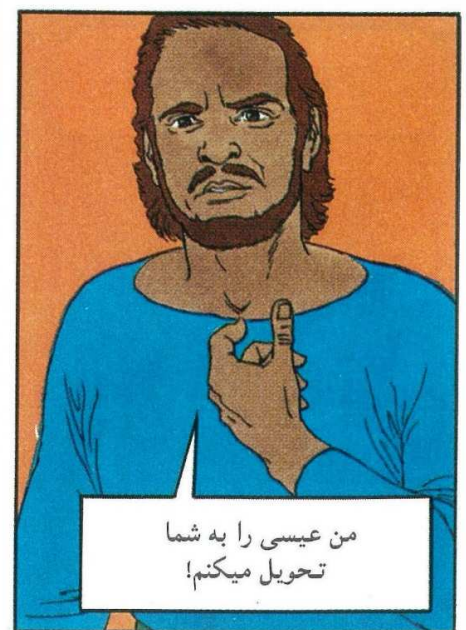
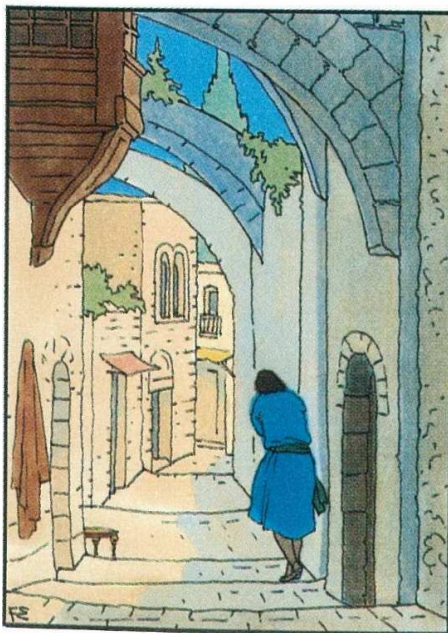
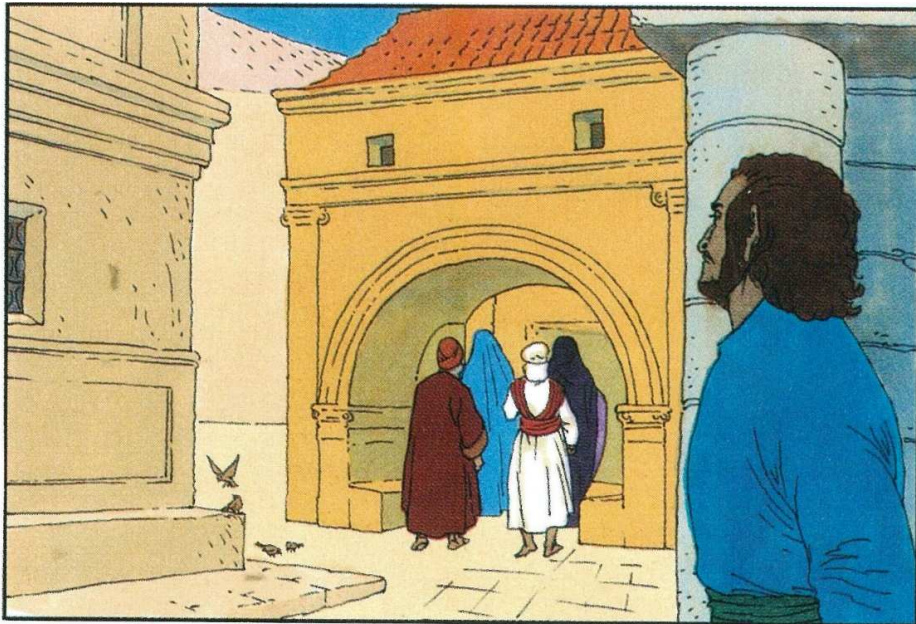


اما کدام يك از گوسفندان قربانی شده
شايسته تبریة مردم از گناهان میباشد؟



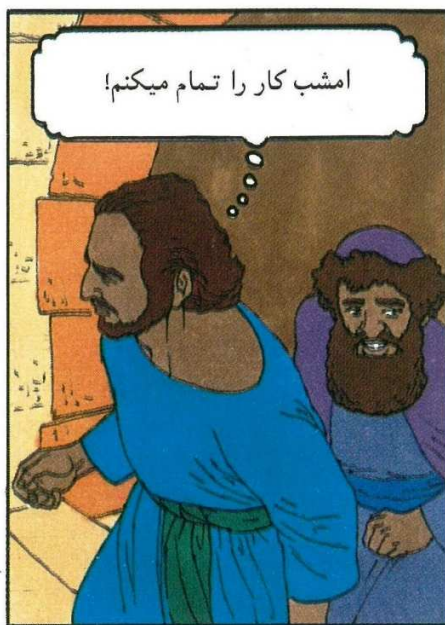
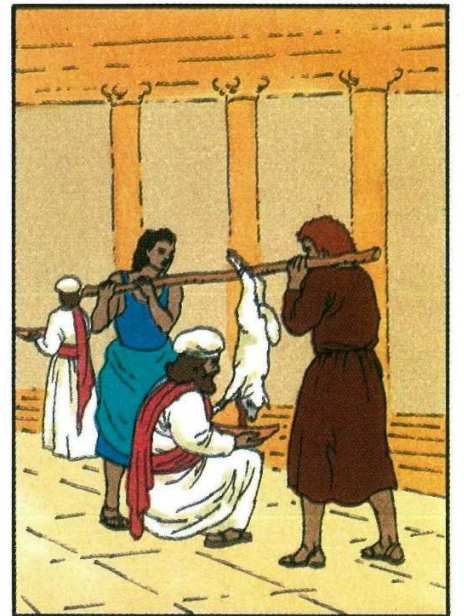
ناگهان عیسی وارد
صحنه میشود.







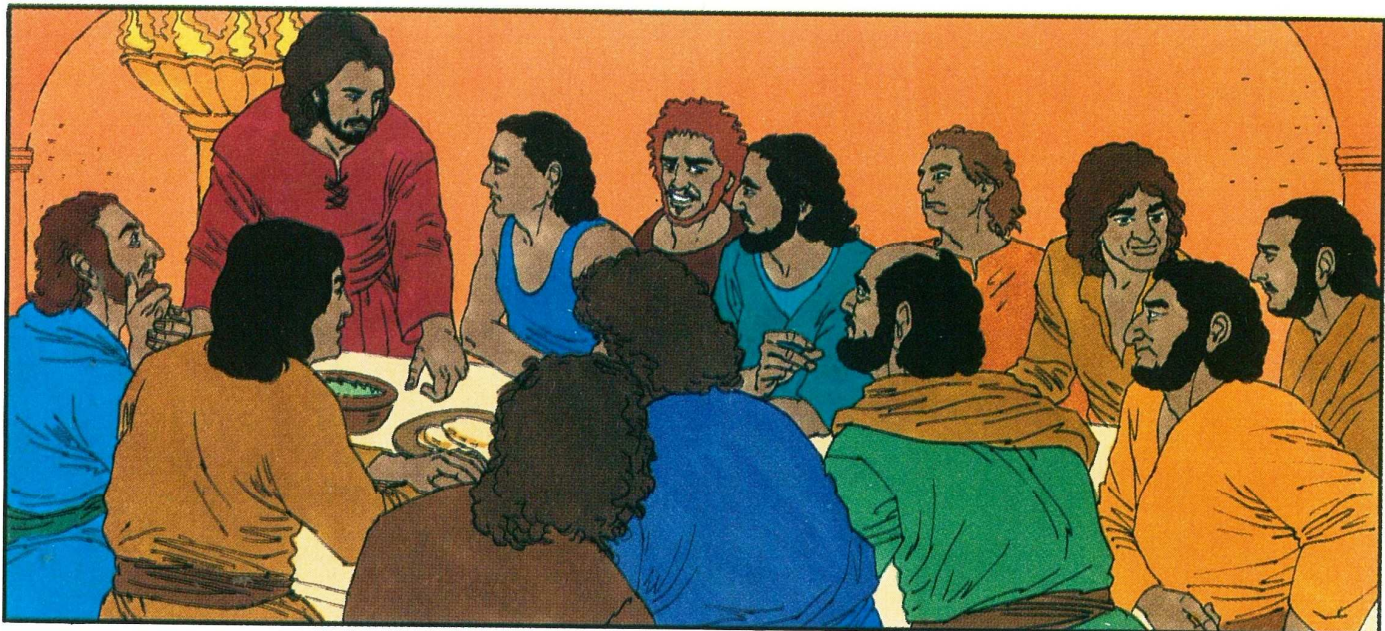
عیسی هر روز به معبد میرود
تا به مردم تعلیم بدهد با اینکه
رهبران مذهبی به سختی تلاش
میکنند زندگی او را تحت
فشار قرار بدهند.



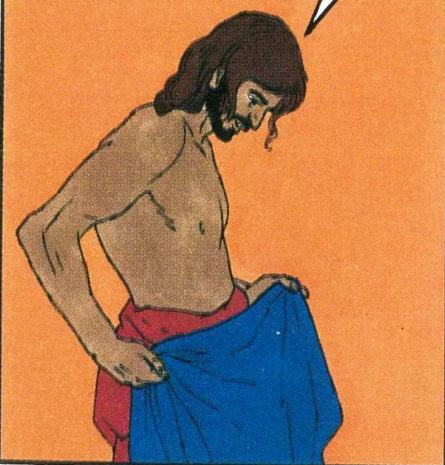
امشب کار را تمام میکنم!



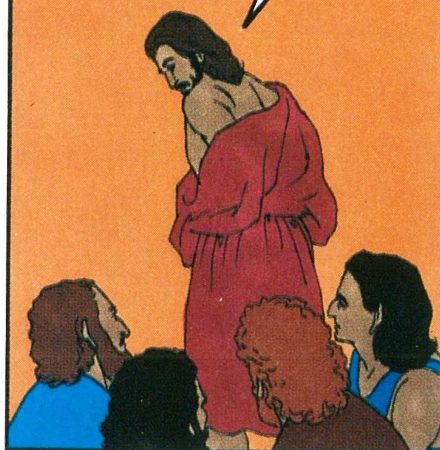
در این شب عیسی با دوازده شاگرد به شهر
میرود تا شام عیدرا با هم بخورند.



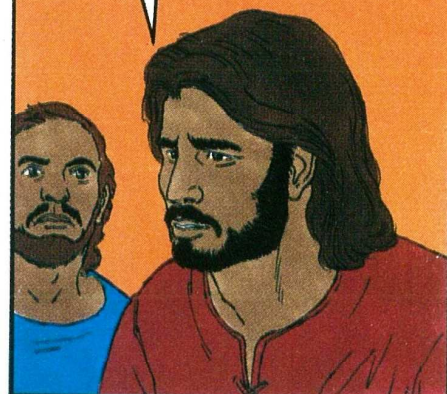
رهبر شما باید خدمتگزار باشد.



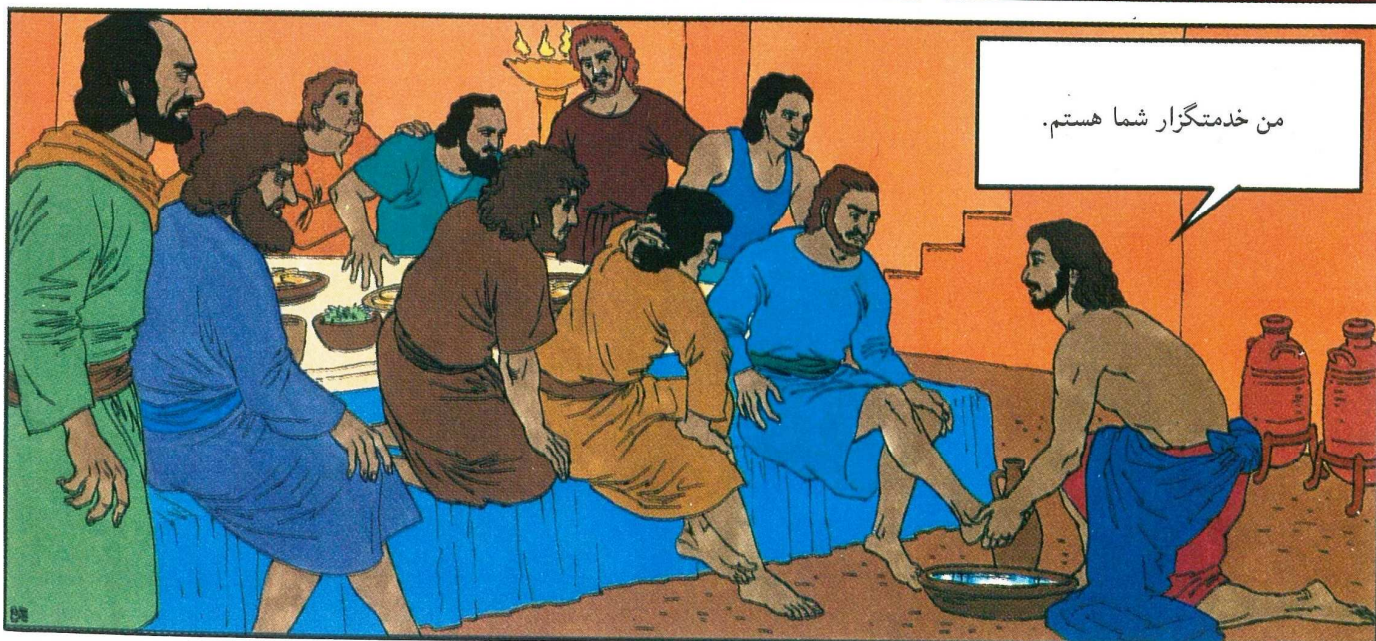
قدرتمندان مردم را با زور به خدمت میگیرند. اما شما نباید اینطور باشید.

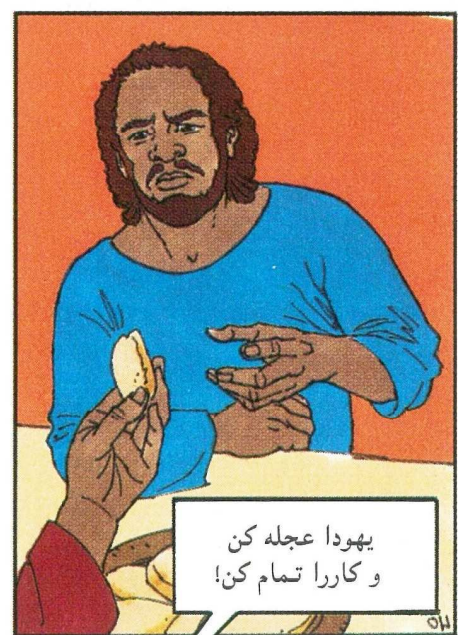
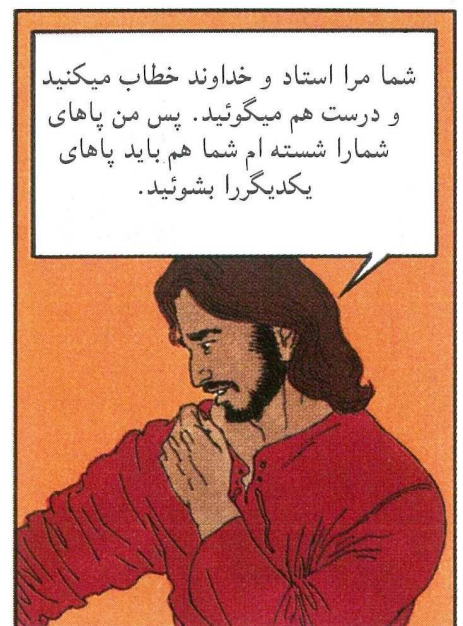
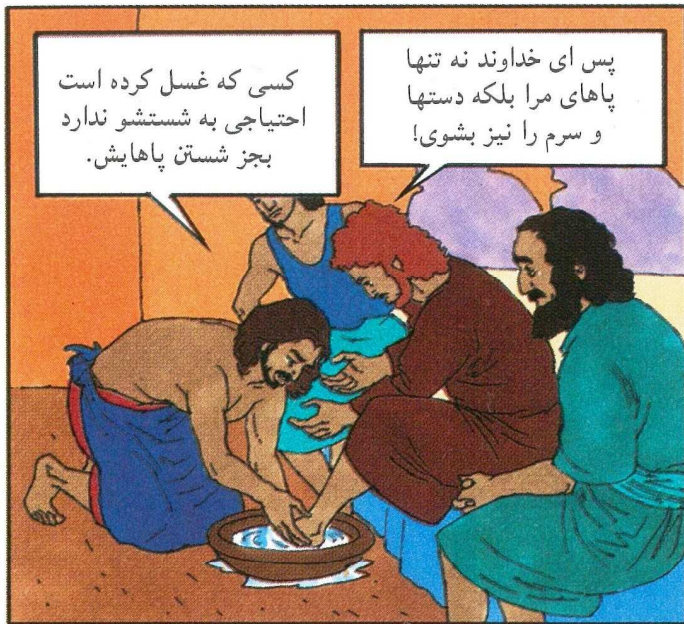


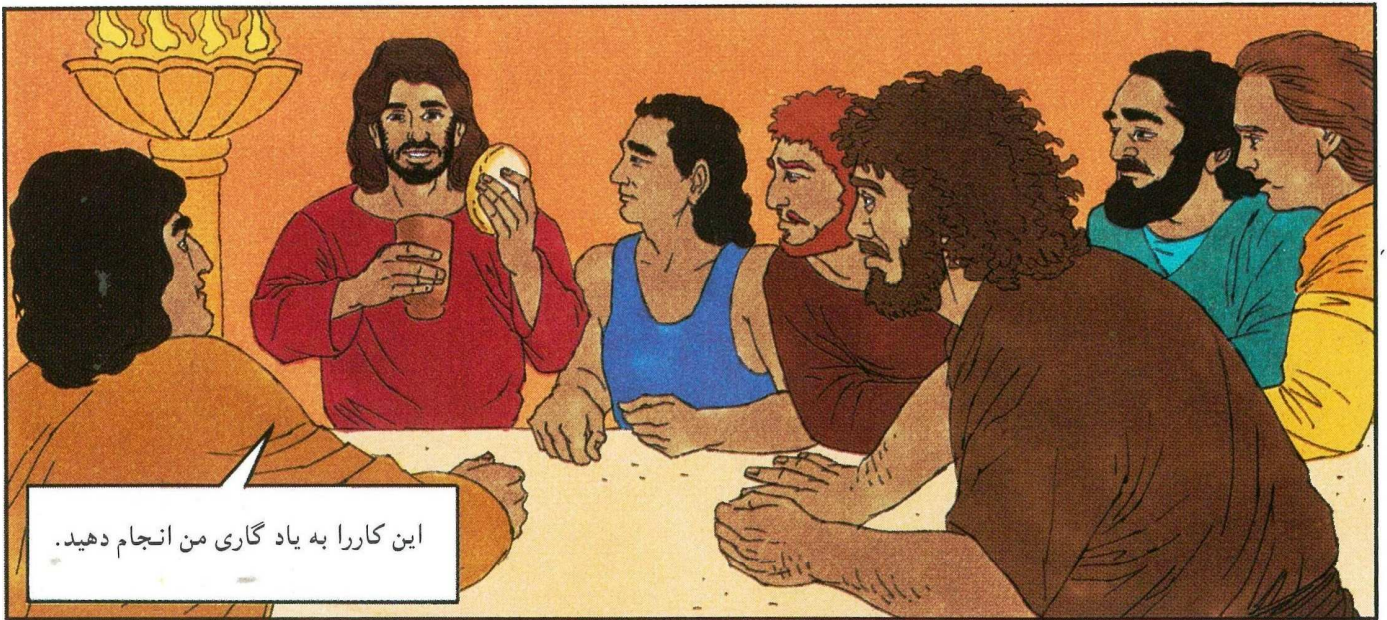
با اشتیاق زیاد در انتظار چنین وقتی بوده ام تا پیش از اینکه شکنجه و آزارم شروع شود این شام قربان را با شما بخورم.



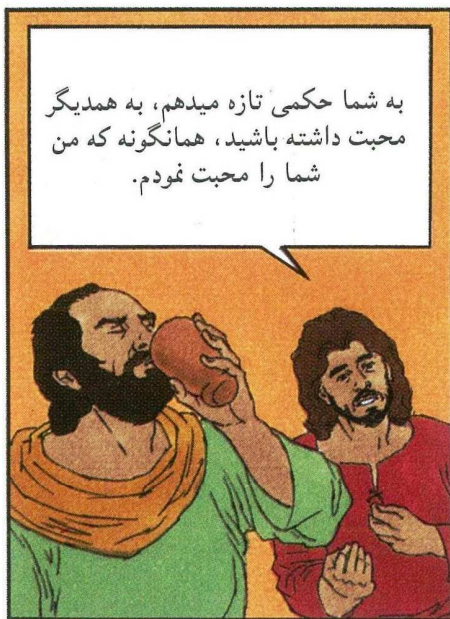
من خدمتگزار شما هستم.







این کار را به یاد گاری من انجام دهید.



به شما حکمی تازه میدهم، به همدیگر محبت داشته باشید، همانگونه که من شما را محبت نمودم.



این پیاله را بگیرید چون خون من است که برای شما ریخته میشود. به این ترتیب خدا پیمان تازه ای را با شما میبندد.

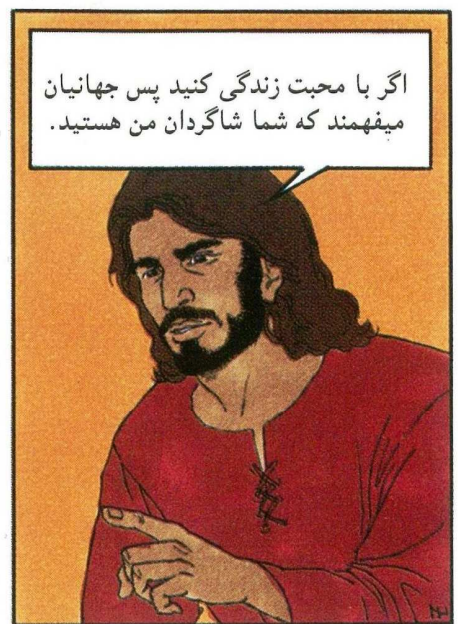


این نان بدن من است که برای شما تسلیم میشود.



پطرس، پیش از بانگ خروس تو سه بار مرا انکار خواهی کرد!

من حاضرم به هر جایی که میروی همراه تو باشم. من حاضرم برای تو بمیرم!



اگر با محبت زندگی کنید پس جهانیان میفهمند که شما شاگردان من هستید.

شب میشود و عیسی با شاگردانش از شهر خارج میشود.
یهودا همراه ایشان نیست.

من شما را ترک میکنم ولی پدر، روح القدس را برای شما
میفرستد. او به شما کمک میکند و پشتیبان شماست.

شما اینجا بمانید و من یک مقداری
جلو میروم و دعا میکنم.

من راه و راستی و حیات هستم.
هیچکس جز بوسیله من
نمیتواند نزد پدر بیاید.

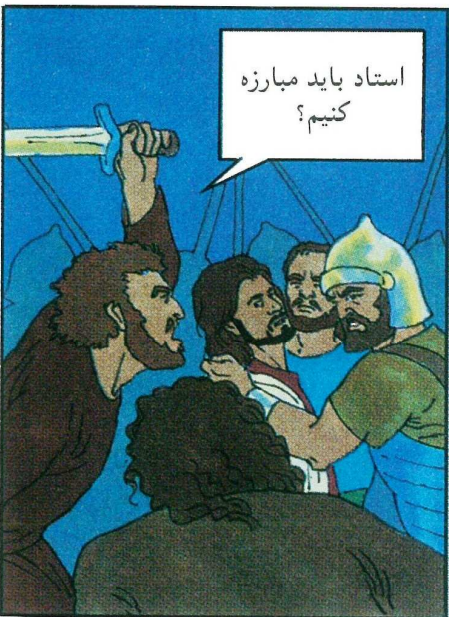
شما میدانید من کجا میروم.

ولی در این هم خواست ترا میخواهم نه
خواست خودم را.

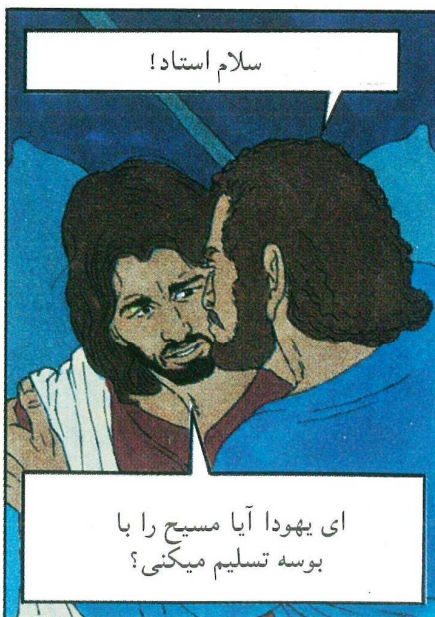
ای پدر اگر مایل هستی این زجر
و رنج را از من بردار.



چرا خوابتان برد؟
بلند شوید! خائن من آمد!

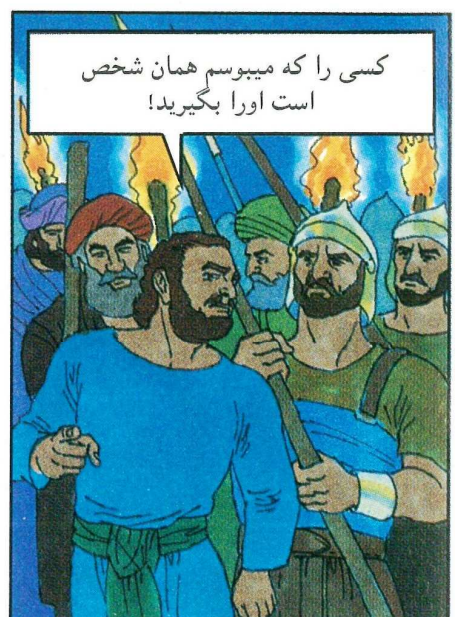


استاد باید مبارزه
کنیم؟



سلام استاد!

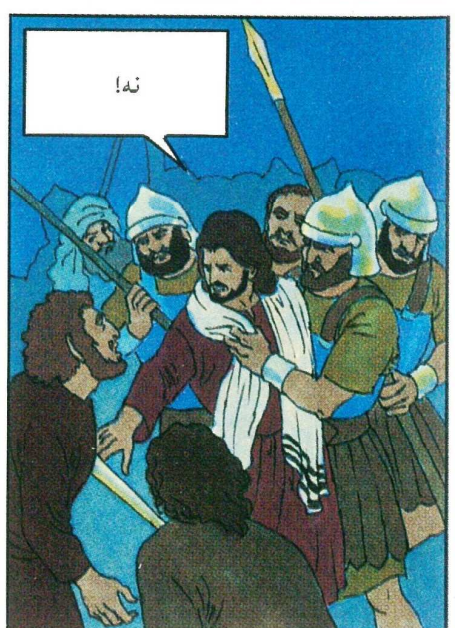
ای یهودا آیا مسیح را با
یوسه تسلیم میکنی؟



کسی را که میبوسم همان شخص
است او را بگیرید!



سربازها عیسی را میگیرند و دست بسته میبرند.
حواریونش به همه سو فرار میکنند.



نه!

عیسی را به خانه کاهن اعظم که رئیس رهبران یهودی است
میاورند. پطرس و یوحنا از دور بدنشان میایند.



تو هم با عیسی بودی؟

نخیر! من او را
نمی شناسم.



پطرس وارد محوطه میشود.



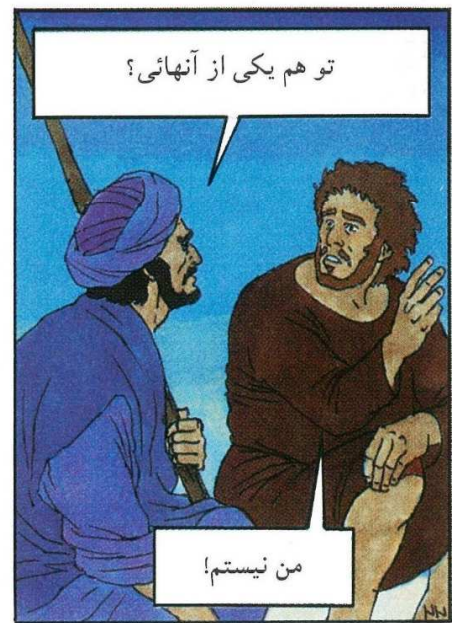
ای مرد من نمیدانم
تو چه میگوئی!

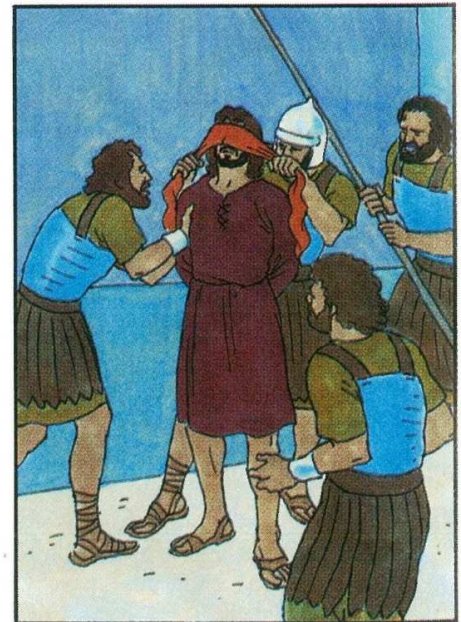
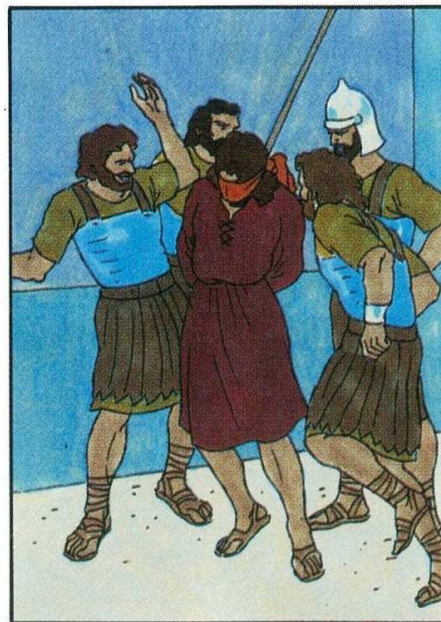
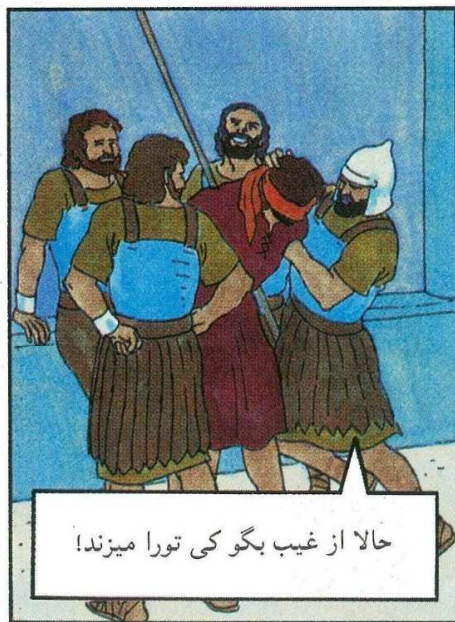
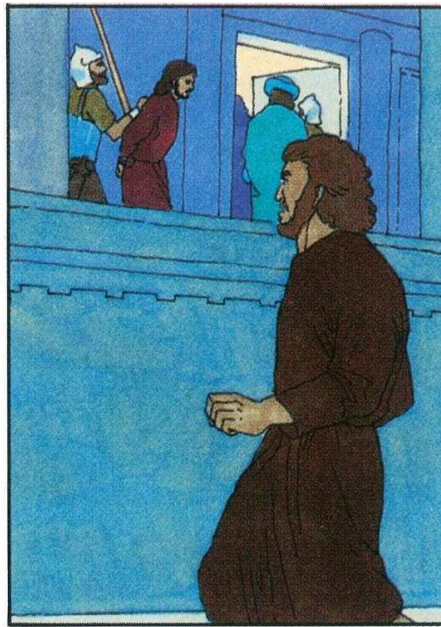
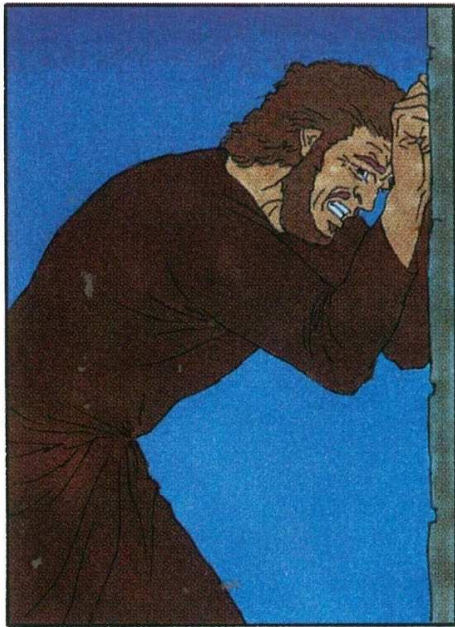
البته تو با عیسی بودی.
تو اهل جلیل هستی.

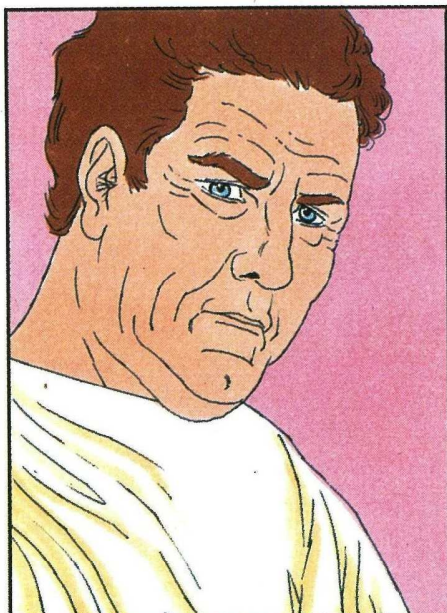


تو هم یکی از آنهائی؟

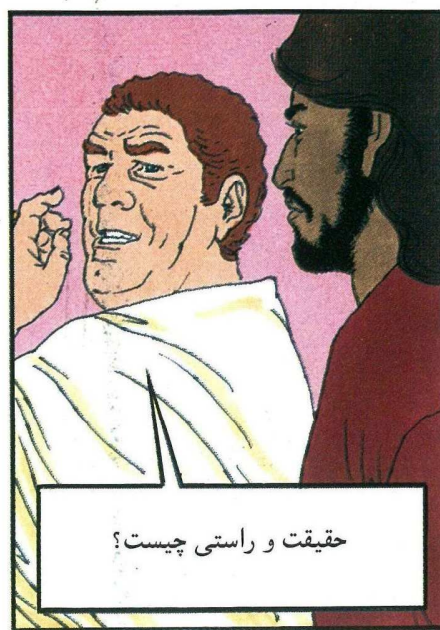
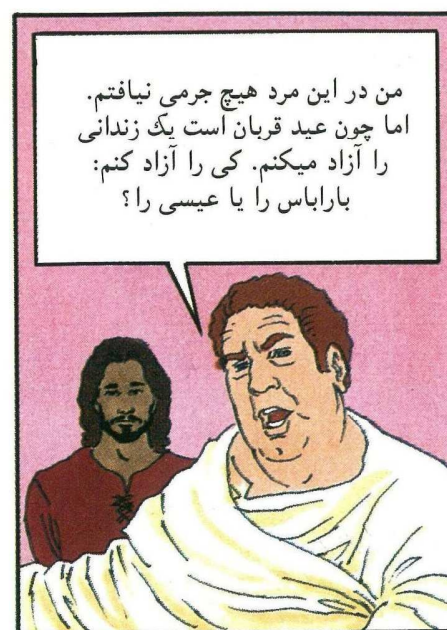
من نیستم!

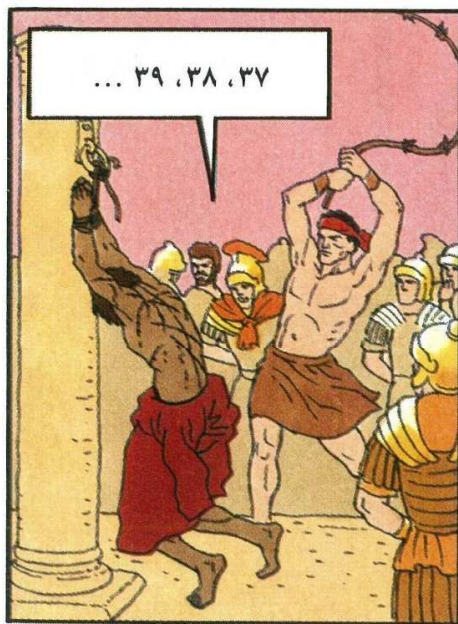
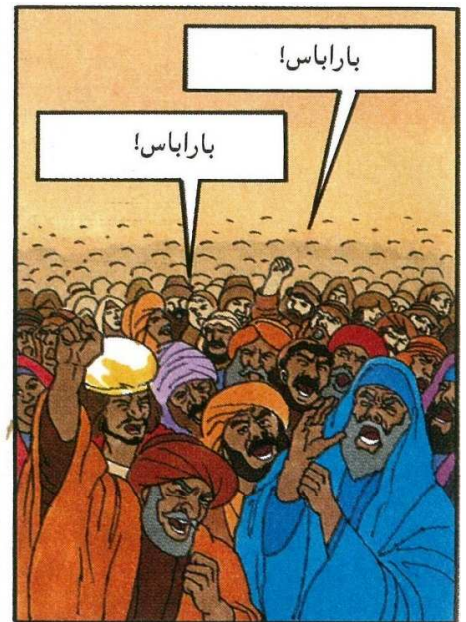






عیسی را به حضور فرماندار رومی به اسم پیلاتس می آورند.
 رهبران یهودی مردم را علیه عیسی بر می انگیزند و هر نوع تهمت
 و توهین را ضد عیسی میگویند.







مصلوبش کنید!

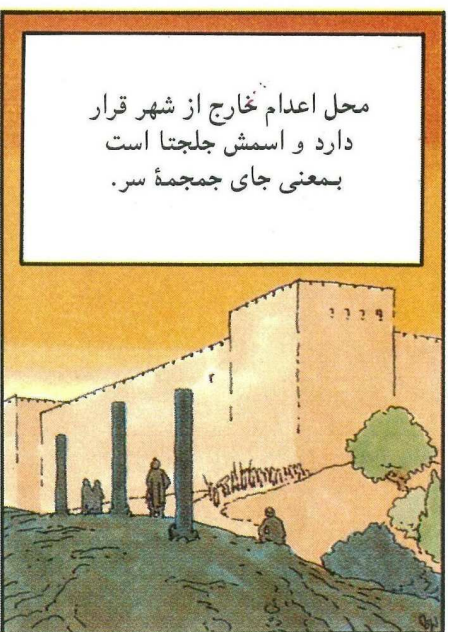
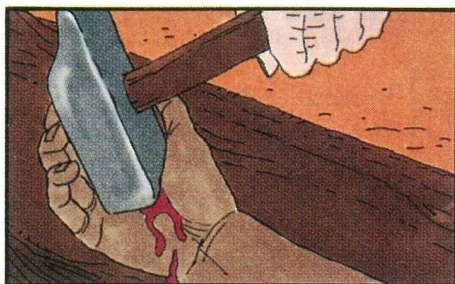
مصلوبش کنید!

اینگ آن انسان!

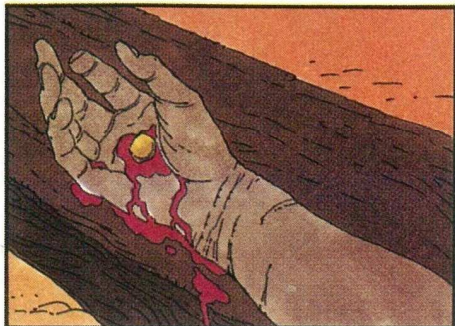
مصلوبش کنید!



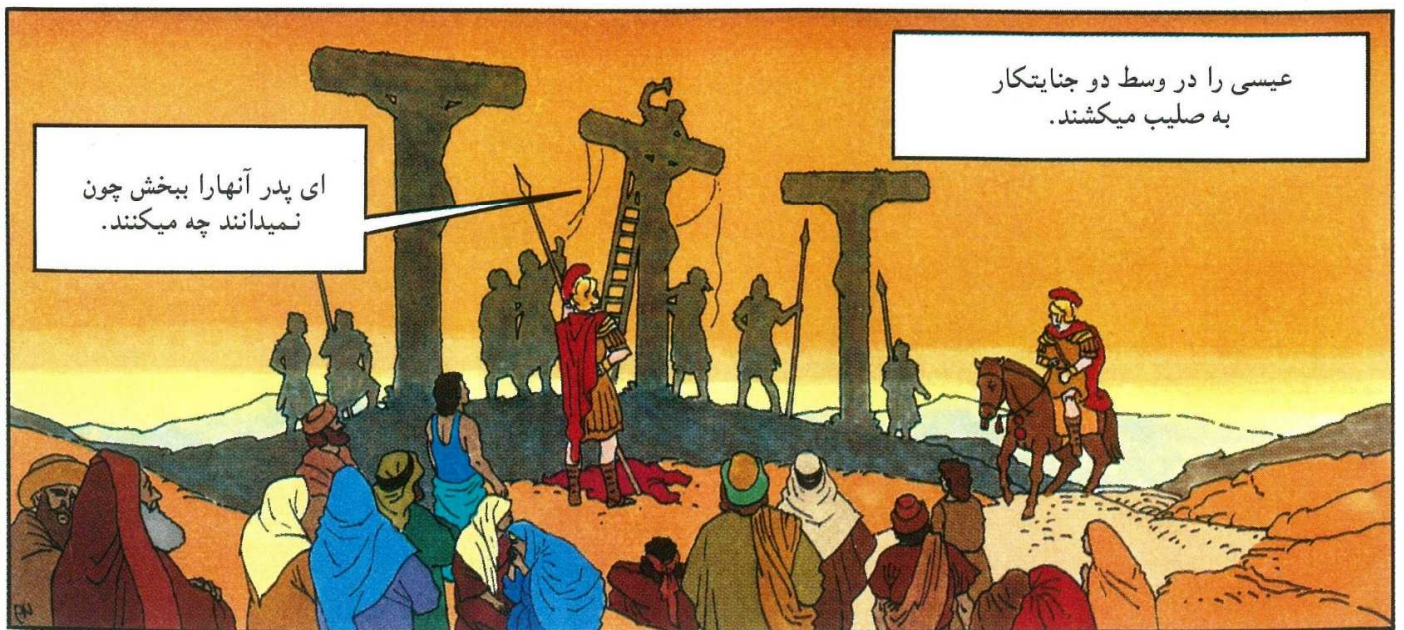
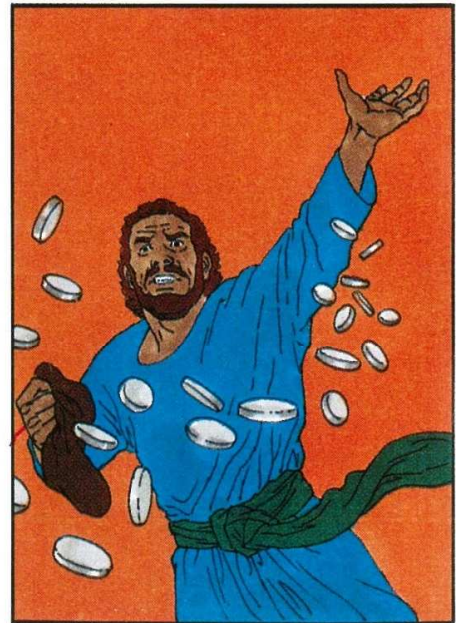
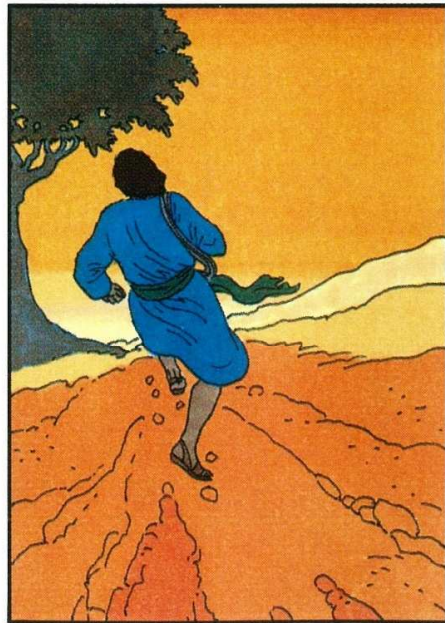
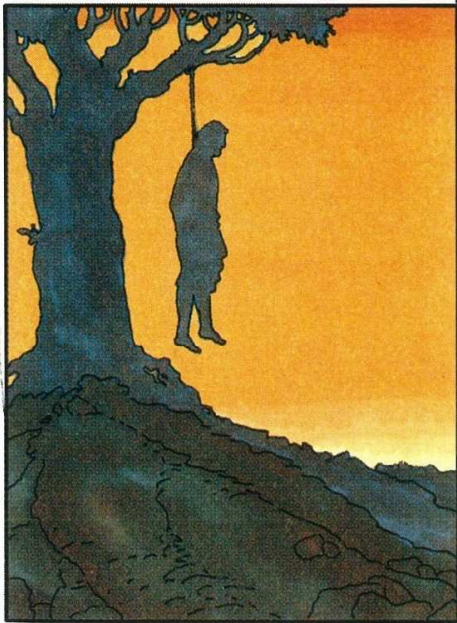
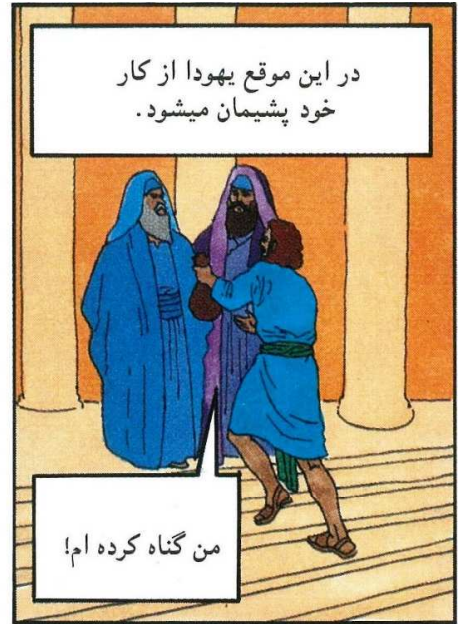
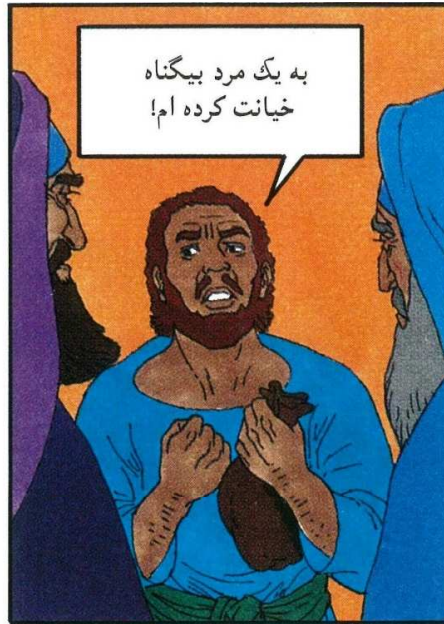
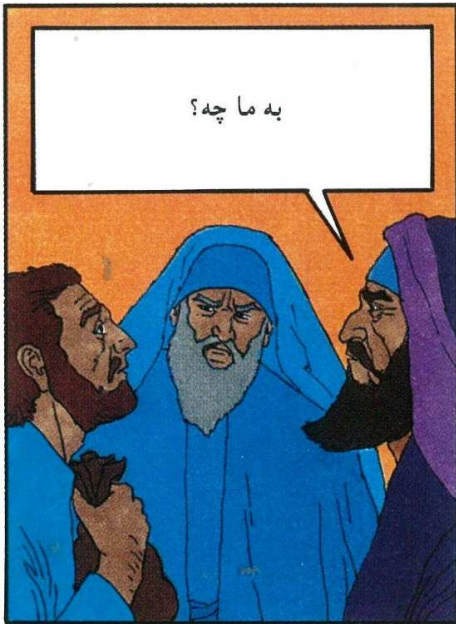
پس پیلطس بنا به درخواست ایشان حکم اعدام را امضاء میکند. مرگ روی صلیب مجازات سختی است. عیسی را مجبور میکنند چوب صلیب را بر دوش خود برداشته و در میان مردم اورشلیم به سمت محل اعدام حرکت کند.



محل اعدام خارج از شهر قرار دارد و اسمش جلجتا است بمعنی جای جمجمه سر.



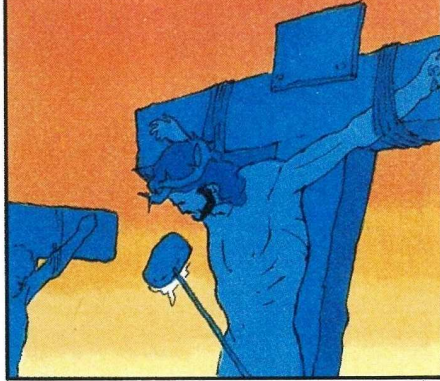
سربازان عیسی را به صلیب میخکوب میکنند!



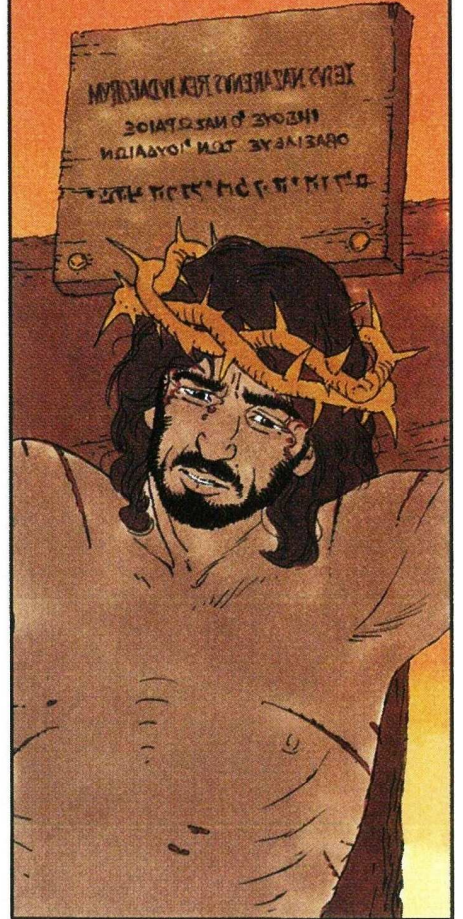
سربازان برای لباس اوقره میندازند.



عیسی از نوشیدن مشروب ضد درد صرفنظر میکند.



تخته ای بالای سر او بر صلیب می‌کوبند که روی آن به سه زبان نوشتند: "این است پادشاه یهود".



دیگران را نجات میداد ولی نمیتواند خودش را نجات بدهد!



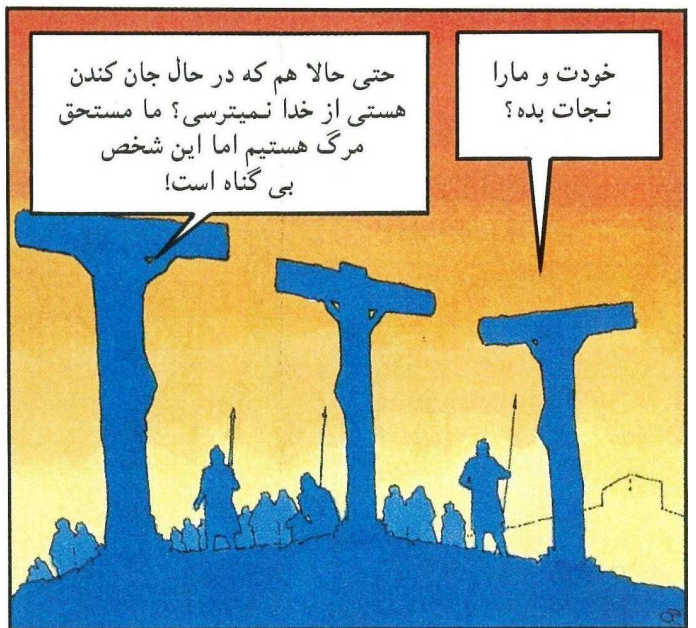
اگر واقعاً فرزند خدائی از بالای صلیب پائین بیا و خودت را نجات بده!

ای عیسی وقتی به سلطنت خود رسیدی مرا به یاد داشته باش!



خاطر جمع باش امروز با من در فردوس خواهی بود.

حتی حالا هم که در حال جان کندن هستی از خدا نمیترسی؟ ما مستحق مرگ هستیم اما این شخص بی گناه است!

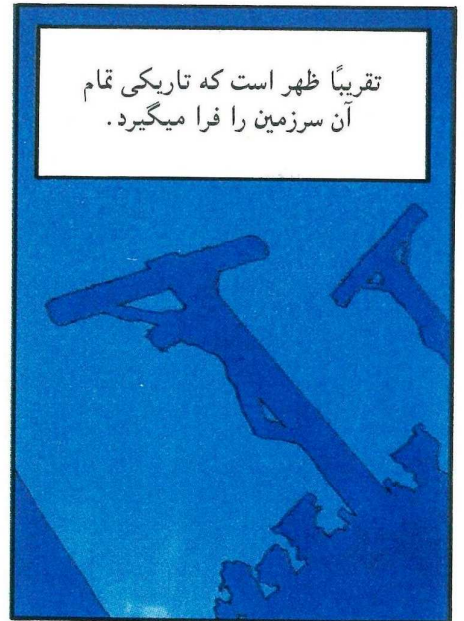


خودت و مارا نجات بده؟



نزدیک صلیب مادر عیسی به اتفاق
یوحنا شاگرد عیسی می ایستند.

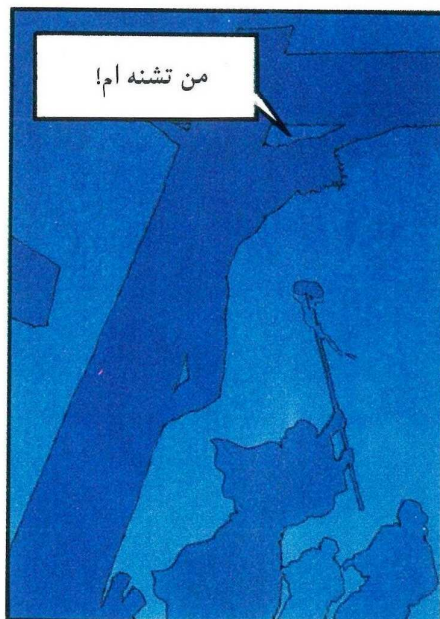
از همین حالا شما مادر
و پسر هستید.



تقریباً ظهر است که تاریکی تمام
آن سرزمین را فرا میگیرد.



ای پدر روح خود را به تو تسلیم میکنم.



من تشنه ام!



خدای من خدای من چرا
مرا ترک کردی؟



تمام... شد.



عیسی ساعت سه بعد از ظهر جان میدهد. یکی از سربازان نیزه ای پهلوی او فرو میکند و خون و آب از بدنش جاری میشود.



آیا او مسیح بود که در انتظارش بودیم یا نه؟



او گناهان ما را بر دوش گرفته و آنها را بر صلیب برد. حالا جان داد.



در کتاب نوشته شده: او مانند گوسفند است که به کشتار گاه میبرند.



یوسف رامه ای و نیکو دیموس جسد عیسی را از صلیب پائین کرده بدنش را در پارچه کتانی با داروهای معطر می پیچند و داخل قبری که با سنگ بزرگ بسته میشود میگذارند.

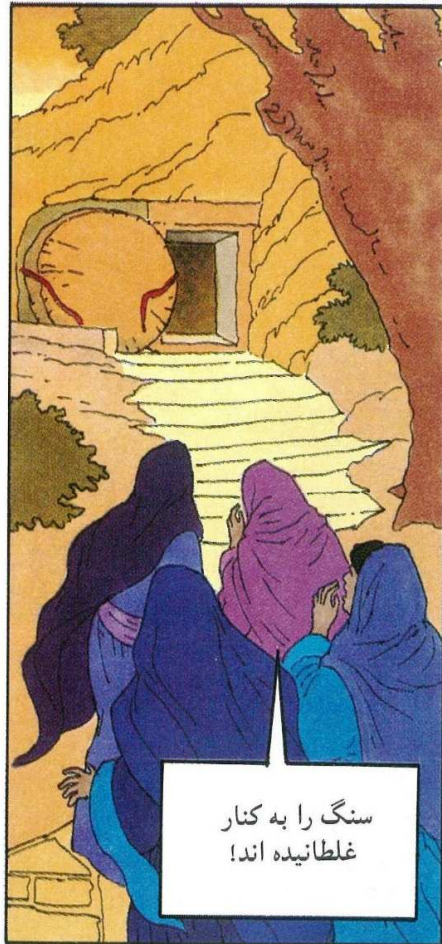


بیائید و برویم. سؤال کنیم که اجازه دفن کردن او را به ما بدهند.

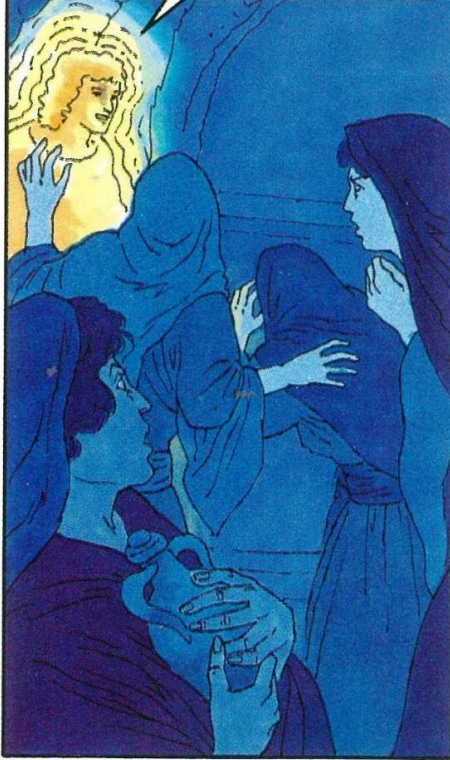
بعد از زمان استراحت که جزو عید
قربان است تعداد زنان غمگین
و افسرده خاطر به نزد قبر
مهر شده میایند...



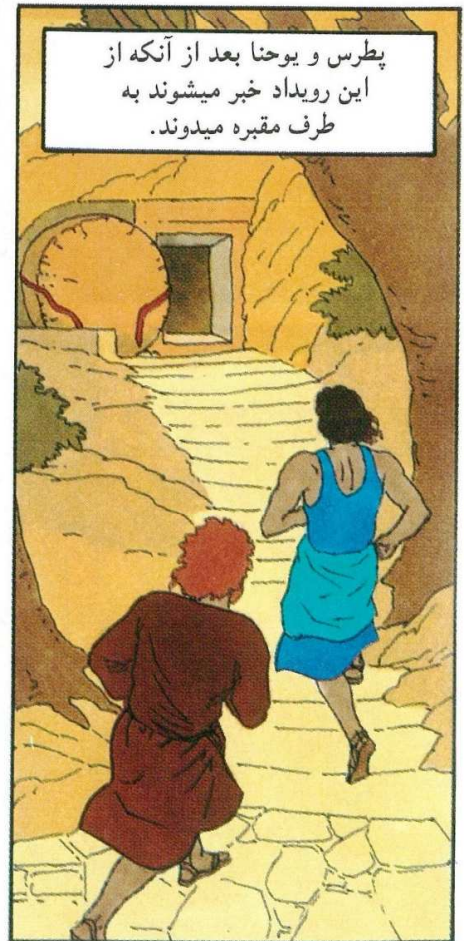
سنگ را به کنار
غلطانیده اند!



چرا زنده را در میان مردگان می جوئید؟
او قیام کرده است! بروید
و اینرا به شاگردانش بگوئید!



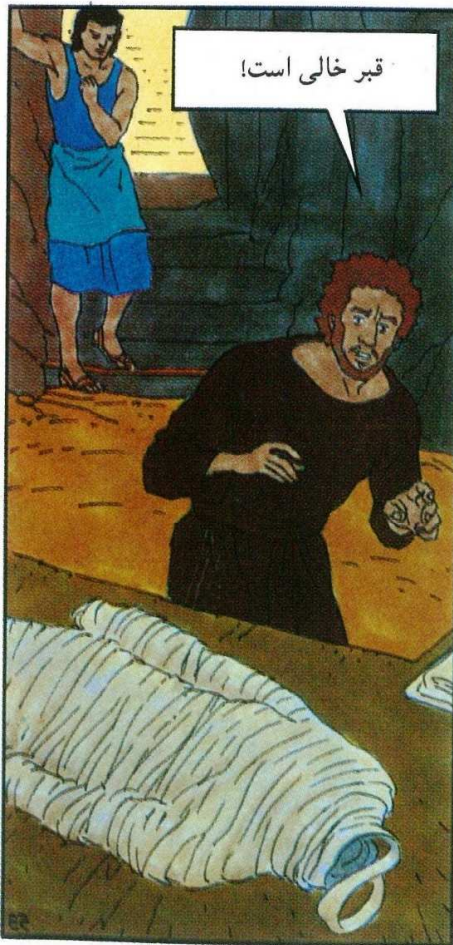
پطرس و یوحنا بعد از آنکه از
این رویداد خبر میشوند به
طرف مقبره میدوند.

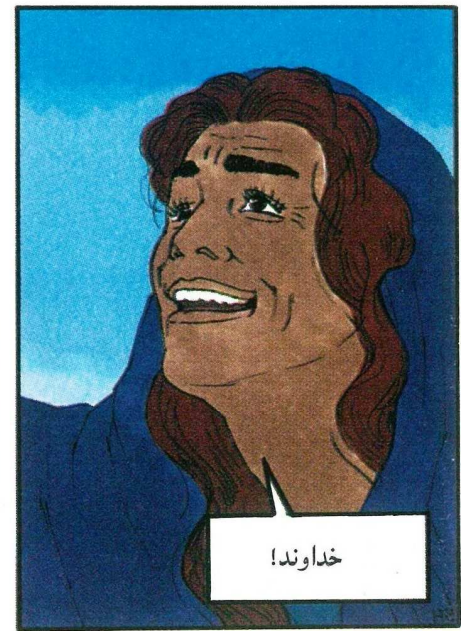
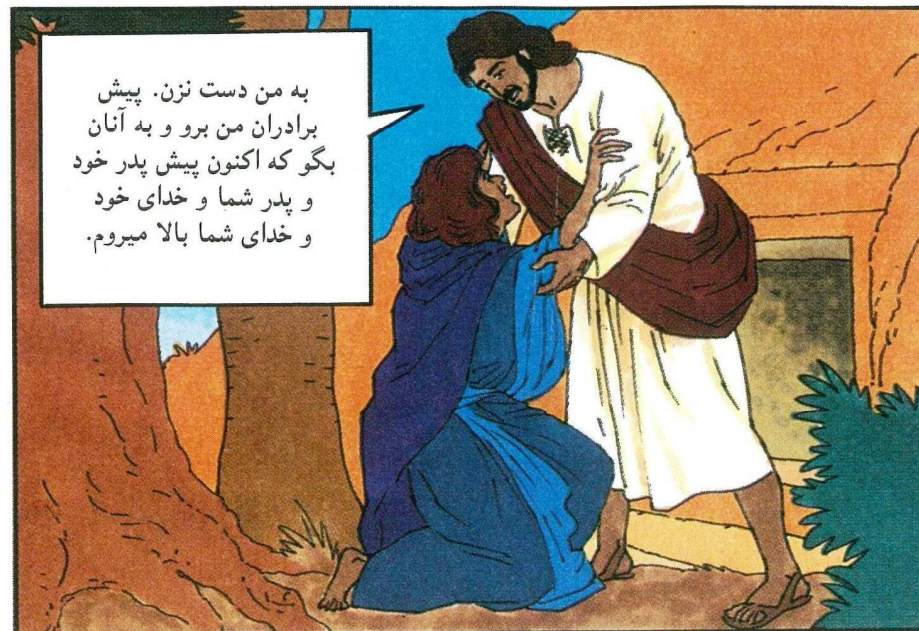
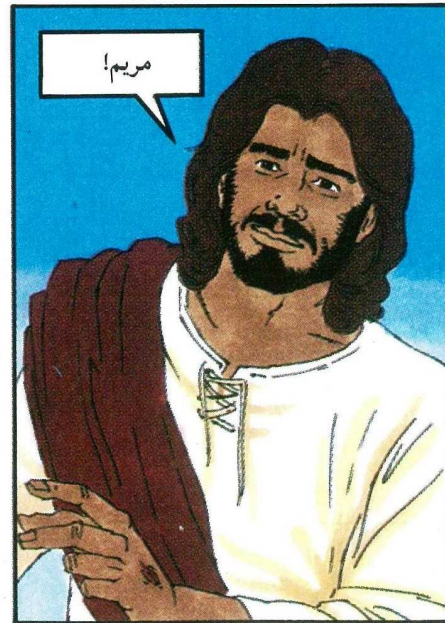
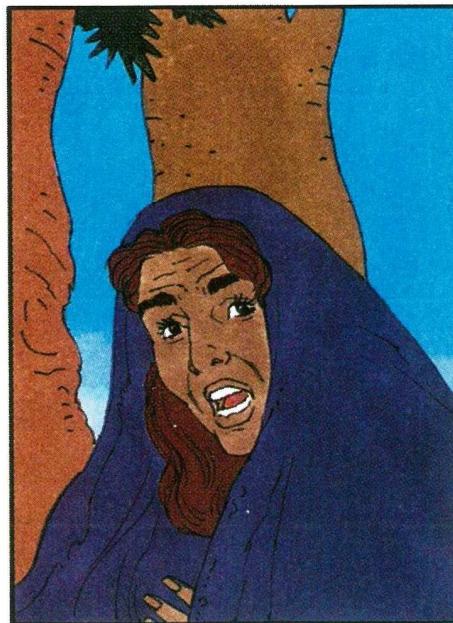
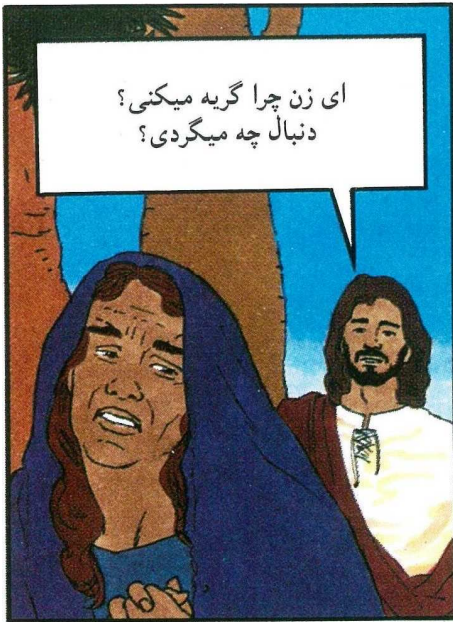


چه شده؟



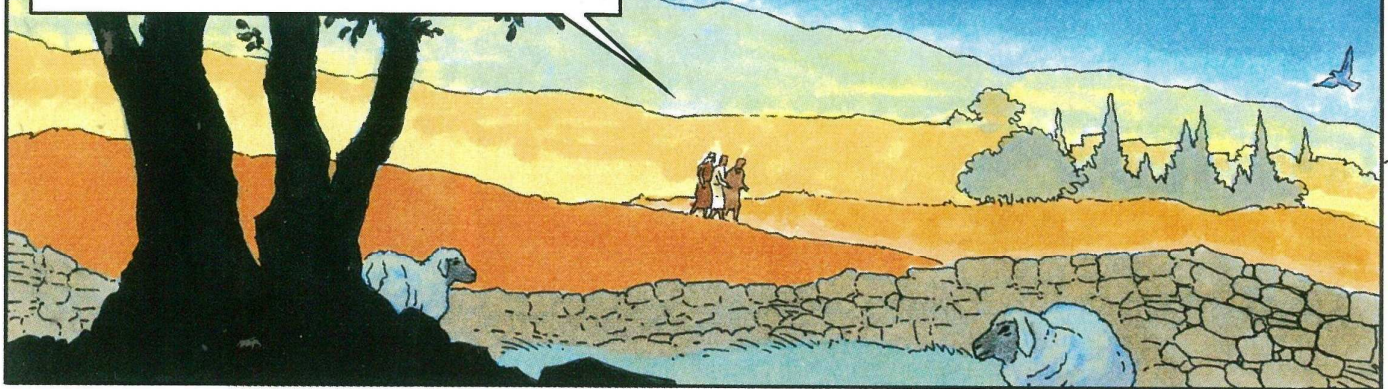
قبر خالی است!





همان روز دو نفر از حواریون شکسته دل عیسی با یک نفر رهگذر در مورد اعدام عیسی صحبت میکنند ...

آیا به پیغمبران ایمان نمی آورید؟ مدتها پیش نوشته شده بود که مسیح موعود باید رنج و زحمت ببیند تا وارد جلال و شکوه خود شود.



آنها سر سفره مینشینند و ناگهان مهمانشان ناپدید میشود ...

این خود عیسی بود!



فوری بر خاسته و باشتاب به طرف شاگردان دیگر عیسی میدوند.

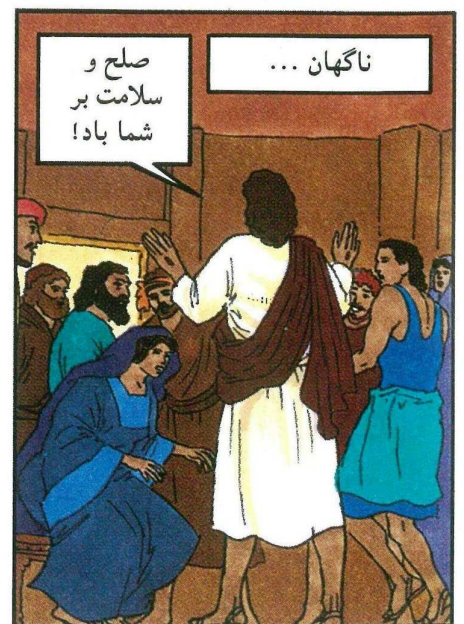
ما خداوندرا دیدیم!

مریم و بطرس هم همچین!

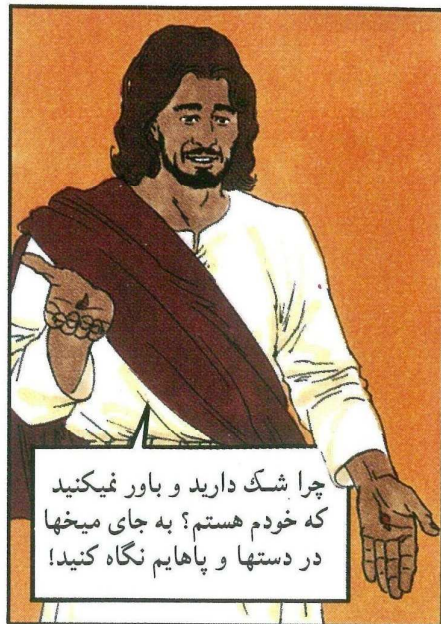


ناگهان ...

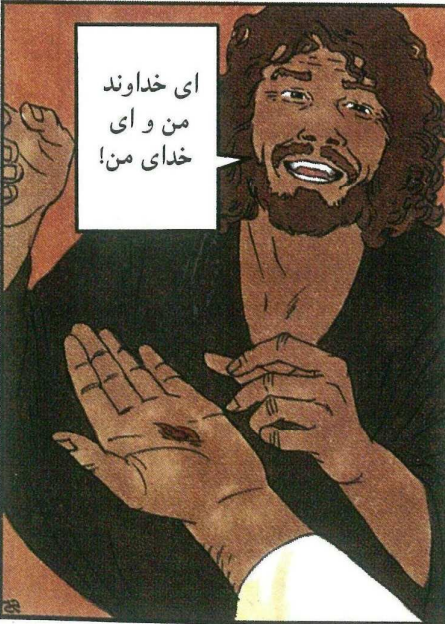
صلح و سلامت بر شما باد!



چرا شک دارید و باور نمیکنید که خودم هستم؟ به جای میخها در دستها و پاهایم نگاه کنید!

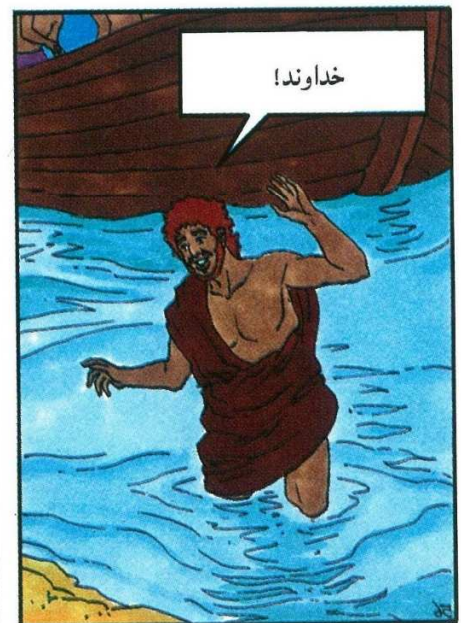
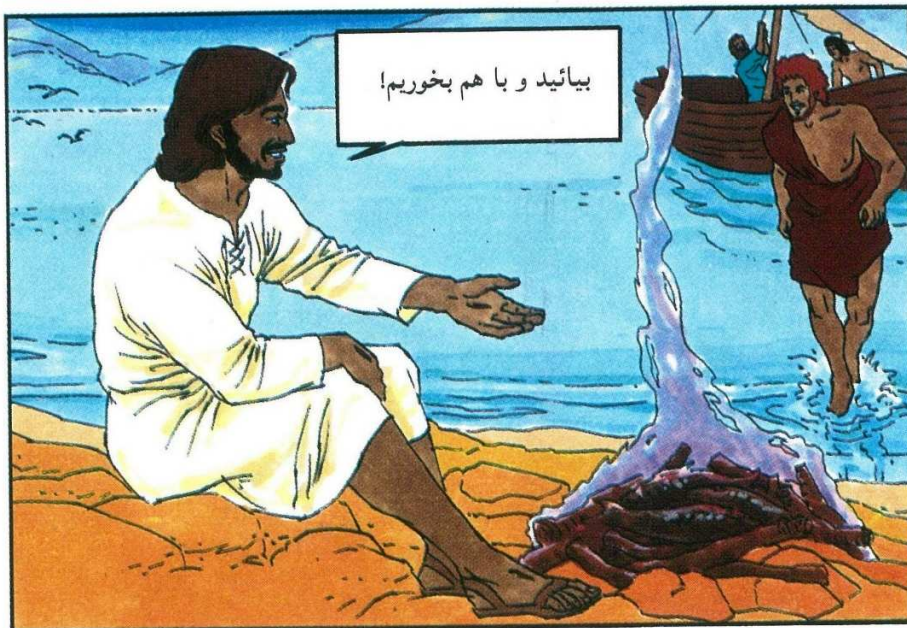
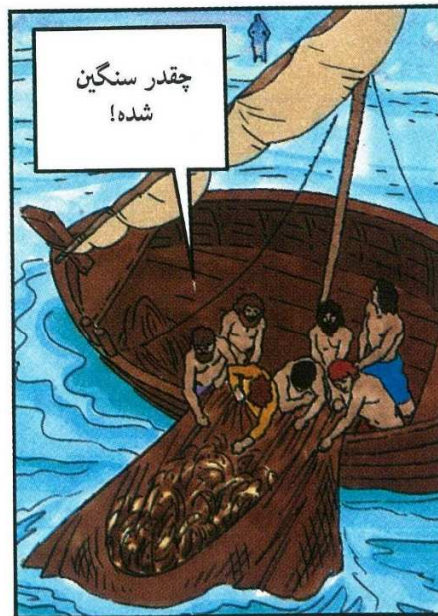
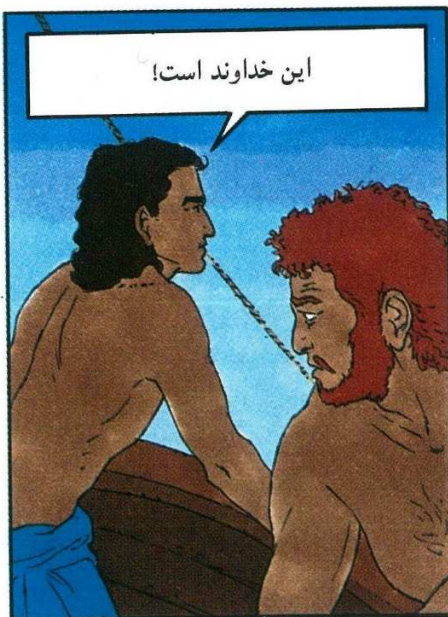


ای خداوند من و ای خدای من!

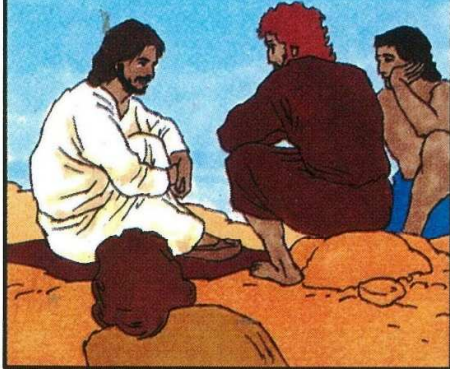




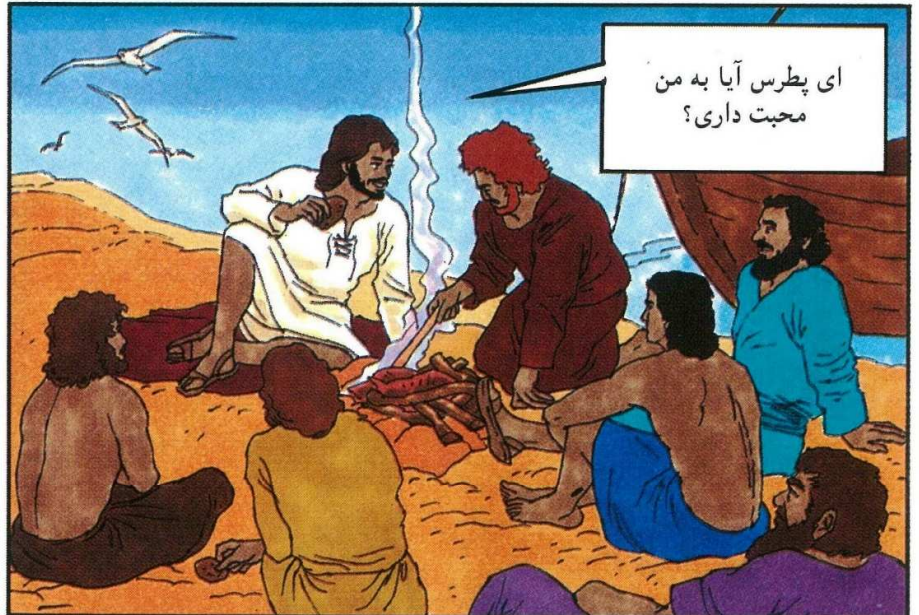
عیسی خود را در ظرف چهل شبانه روز به شاگردانش ظاهر میکند و حتی به ۵۰۰ نفر یکباره ظاهر میشود. روزی بعضی از شاگردانش میروند که ماهی بگیرند.



عیسی سه مرتبه این سؤال را از پطرس میپرسد.



ای پطرس آیا به من محبت داری؟



تمام قدرت در آسمان و بر روی زمین به من داده شده است. پس بروید و همه ملتهارا شاگرد من سازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و تعلیم دهید که همه چیزهایی را که به شما گفته ام انجام دهند.

مرا پیروی کنید!

ای خداوند تو میدانی که تورا دوست دارم.



گوسفندان مرا خوراک بده!

بعداً عیسی از شاگردانش جدا میشود و به آسمان میرود. ولی او هم فرموده است که روزی از آسمان بر میگردد تا جهان را داوری کند.

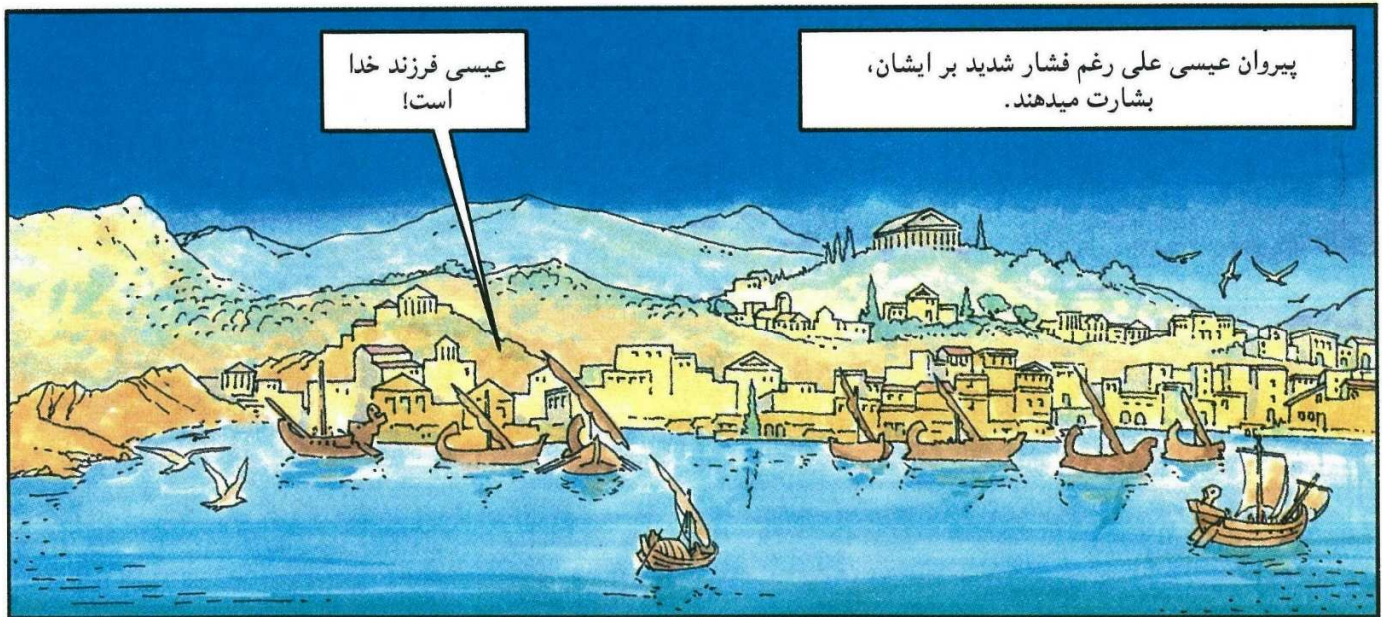
و بدانید که من هر روزه تا انقضای عالم با شما هستم.





مرگ قدرت نداشت
عیسی را نگهدارد.
خدا او را از مردگان
بر خیزاند. عیسی
نخستین شخصی
بود که پا به
عرصه جلال
خدا گذاشت.

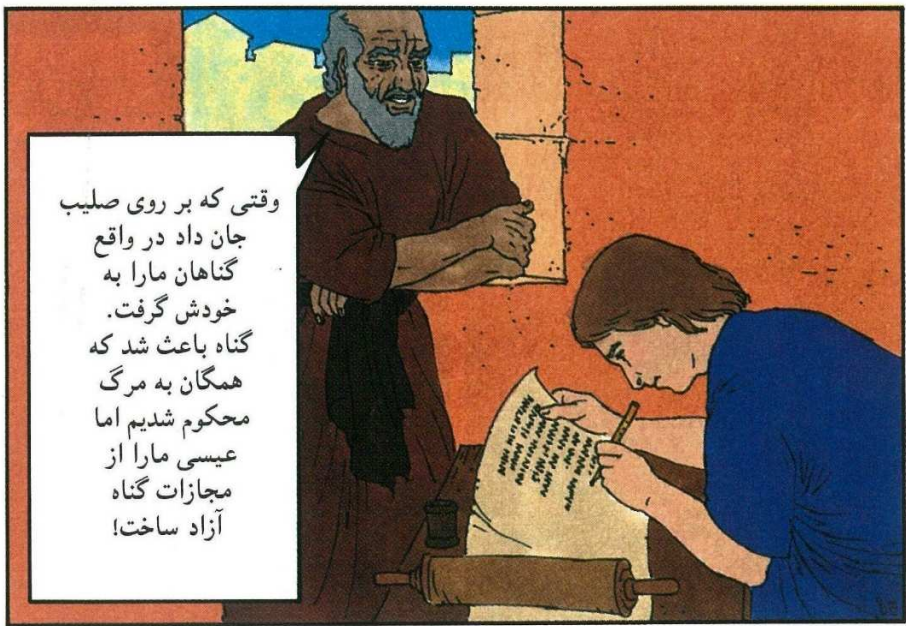
عیسی به بالا برده شد. پیروان
او در اورشلیم به سر میبردند
و با دعا مشغولند.
روح القدس یعنی روح خدا میاید
و آنها را پر میکند.
همان روحی که در عیسی بود از این
به بعد شاگردانش را فرا میگیرد.
آنها در موقعیتی هستند که
زندگی ایشان سرتاسر تبدیل میشود
و قادرند عیسی را به مردم
بشناسانند.



عیسی فرزند خدا
است!

پیروان عیسی علی رغم فشار شدید بر ایشان،
بشارت میدهند.

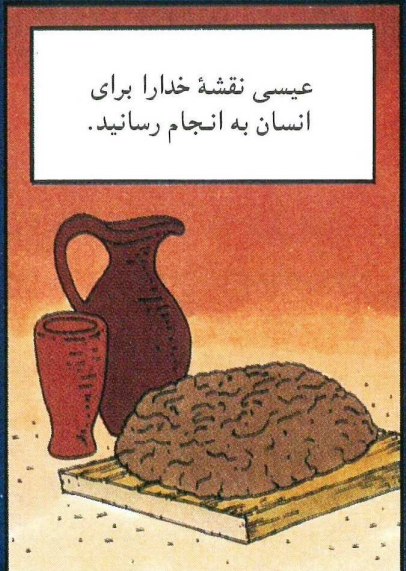
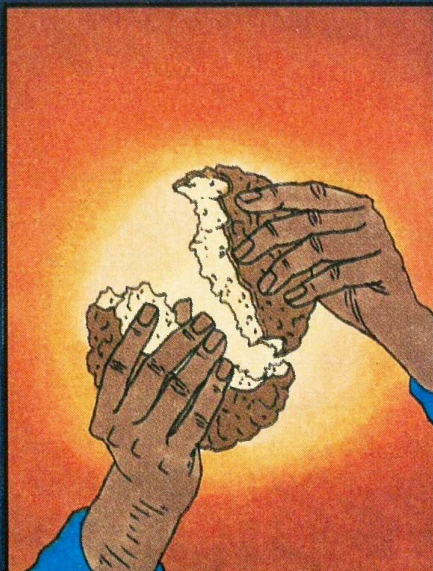
حالا در تمام دنیا پیروان عیسی
برای دعا و خواندن کتاب مقدس
دور هم جمع میشوند. آنها مرتب
در برنامه عشاء ربانی یعنی نان و
شراب شرکت میکنند و آنرا به
یاد گاری عیسی صرف میکنند.
محبت خدا را که قلبشان
را پر کرده به افرادی که در
اطراف آنها هستند
نشان میدهند.



وقتی که بر روی صلیب
جان داد در واقع
گناهان ما را به
خودش گرفت.
گناه باعث شد که
همگان به مرگ
محکوم شدیم اما
عیسی ما را از
مجازات گناه
آزاد ساخت!



عیسی شما را دوست دارد!
ممنونش باشید و او را بپرستید!



عیسی نقشهٔ خدا را برای
انسان به انجام رسانید.



زیرا خدا جهانیان را آنقدر
محبت نمود که پسر یگانهٔ
خود را داد تا هر که به او ایمان
بیاورد هلاک نگردد بلکه
صاحب حیات جاودان شود.

MITTEM DE MIK

بیشتر در مورد عیسی

یوحنا

او هم شاگرد عیسی بود و تا آخرین لحظه نزد عیسی ماند. در آخر کتابش نوشت: عیسی کارهای بسیار دیگری هم انجام داد که اگر جزئیات آنها به تفصیل نوشته شود تصور میکنم تمام دنیا هم گنجایش کتابهایی را که نوشته میشود نمیداشت.

از همه شاگردان، یوحنا مستثنی شده. در آخر عمرش الهام الهی را از سمت عیسی گرفت و مقام متعال او را مشاهده کرد. این الهام را در کتابی در عهد جدید به عنوان "مکاشفه" به نگارش در آورد که نه تنها جلال عیسی را بلکه پایان جهان و کائنات را مد نظر میگیرد.

و حالا به شما رسیدیم!

داستان زندگی عیسی مسیح به پایان نرسیده است. در ظرف قرنها زندگی او باعث شد که زندگی مردم بسیاری تبدیل شده و نور و محبت خدا در آنها شکل گیرد. عیسی هم میخواهد شما را با محبت خدا آشنا کند تا از آن مستفیض شوید. زندگی شما فقط در ارتباط با عیسی منور میگردد و محیط شما بخاطر نفوذ این محبت تحت تأثیر قرار میگیرد.

شاهدان بسیاری بودند که زندگی عیسی را مشاهده کردند. چهار نفر بودند که سرگذشت او را به رشته تحریر در آوردند. کتابهایی که نوشتند بنام اناجیل یعنی چهار انجیل معروفند که شامل عهد جدید هستند.

متی

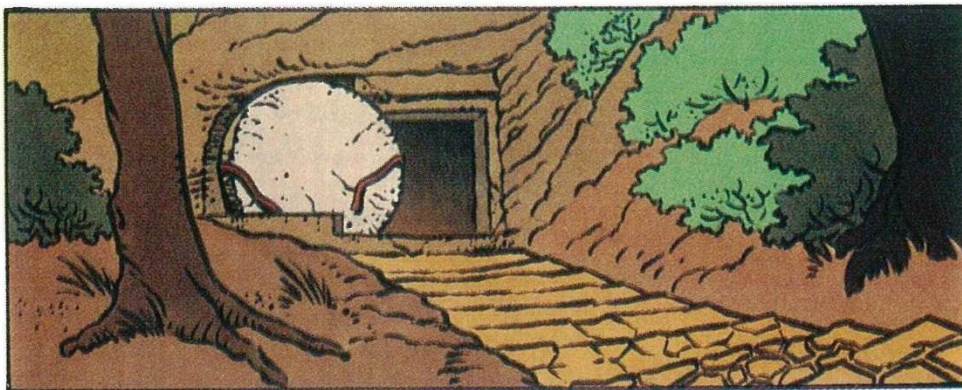
متی یکی از دوازده شاگرد عیسی بود. شغل سابقش باجگیری بود و مردم از انتخابش سخت به حیرت افتادند چون گمان بر این بردند که عیسی با بر گزیدن او تن به اشغالگران رومی داد. هدف اصلی متی این بود که مردم بفهمند که عیسی همان مسیح موعود است و بدین دلیل او وعده های خداری و انجام آن را در عیسی مسیح عنوان کرد.

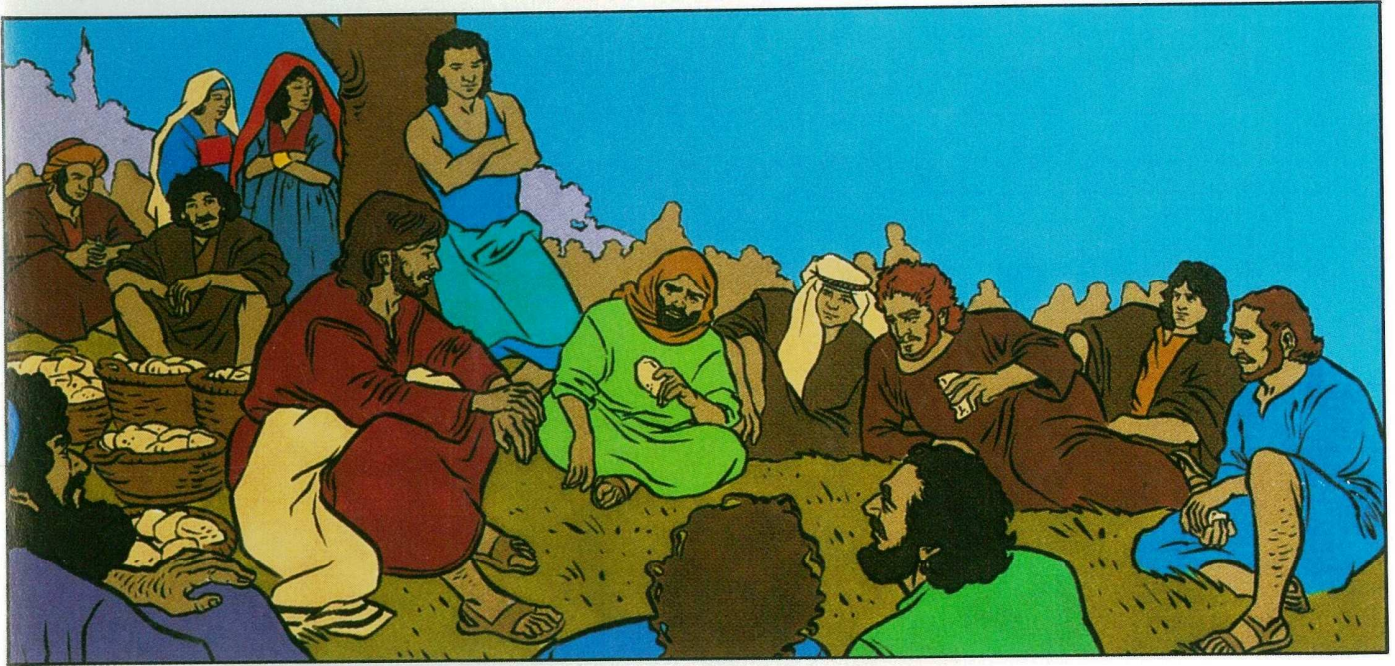
مرقس

در زمان فعالیت عیسی، مرقس هنوز بچه بود. بعداً همکار پطرس (یکی از شاگردان عیسی) و پولس رسول شده.

لوقا

لوقا از کشور یونان بود و بعنوان پزشک مشغول به کار بود. زندگی اش را اکثراً در همراهی با پولس رسول بسر برد و در حین مسافرت از هر فرصتی که بود به مکانهایی که عیسی در آنجا پایش را گذاشت رفت و محقق سرگذشت عیسی شد. کتاب دیگری نوشت که معروف است به اعمال رسولان و آغاز کلیسارا شرح میدهد.





عیسی مسیح - آیا ممکن است که داستان مصوری را در مورد زندگی عیسی بنویسیم؟ بلی، چون با نشان دادن صورت و چهره عیسی به هیچ وجه کاهش و لطمه ای به احترام این شخص فوق العاده نمی زنیم. ما از فقدان تصویر عیسی آگاه هستیم اما به دلیل اینکه عیسی مسیح در محیط خاور میانه زندگی میکرد او را به شمایل انسانی صالح، مقیم آن منطقه معرفی میداریم. این کتاب مصور شامل سخنان و متنهایی است که از کتاب مقدس اقتباس و به زبانهای مختلف امروزه منجمله فرانسوی، اسپانیایی، ترکی، عربی، انگلیسی و هلندی ترجمه گردیده است.

